



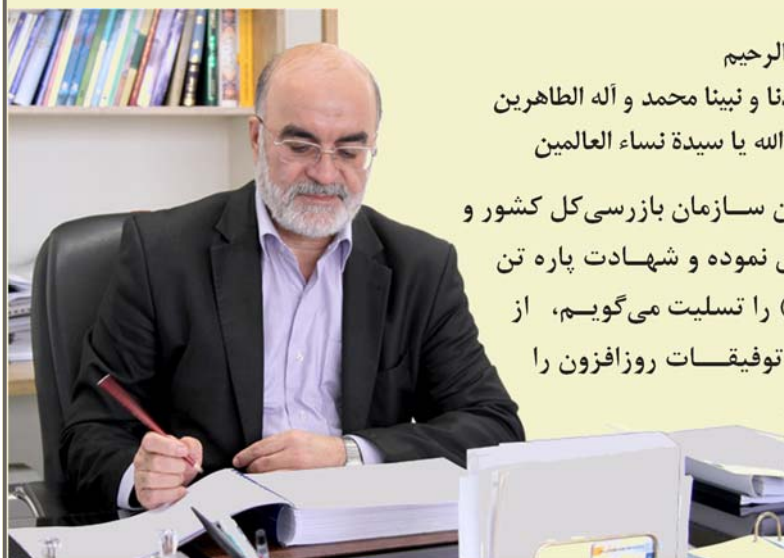
نشریه سازمان بازرسی کل کشور
سال ششم / شماره ۶۶ / ویژه‌نامه بهار ۱۳۹۴

باید این مسئله در مجلس و دولت به‌طور جدی بررسی شود که برای اقتصاد مقاومتی به مفهوم حقیقی، چه کارهایی انجام گرفته و چه کارهایی باید انجام بگیرد.

بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت
روز ملی مهندسی (۱۳۹۳/۱۱/۶)



پیام تبریک رییس سازمان بازرسی کل کشور به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۴



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين
السلام عليك يا فاطمه يا بنت رسول الله يا سيدة نساء العالمين

آغاز سال ۱۳۹۴ را خدمت همه همکاران سازمان بازرسی کل کشور و
خانواده گرامی آنها تبریک و تهنیت عرض نموده و شهادت پاره تن
پیامبر اکرم(ص)، حضرت فاطمه زهرا(س) را تسلیت می‌گویم، از
خداوند منان سالی پربرکت و سرشار از توفیقات روزافزون را
در ظل عنایات حضرت زهرا(س) و توجهات
امام عصر(عج) برای شما عزیزان
خواستارم.

افزایش

رفاهیات در سال

۱۳۹۴



۱۷

مبارزه با فساد

از سیستان

تا تهران



۱۴

گزارش‌های کلان و

ملی اولویت‌های

سازمان بازرسی



۱۰

اتخاذ شیوه‌های

نوین در مبارزه

با فساد



۲

اتخاذ شیوه‌های نوین در مبارزه با فساد

تحت عنوان تکنیک‌های تحقیق در خصوص جرایم فراملی فساد بر این نکته نیز تاکید داشت که لزوم شناسایی ظرفیت‌های جدید در بازدارندگی و مقابله با آن ضروری است؛ از این رو کمک‌های علمی و فنی، نقش مهمی در ارتقاء قابلیت‌های کشورهای برای جلوگیری و مقابله با فساد خواهد داشت و البته نمی‌توان از نقش مهم آموزش در تقویت ظرفیت‌ها غفلت کرد.

به نظر می‌رسد با توجه به این سیاستها و دیدگاه بود که سمینار آموزشی منطقه‌ای تکنیک‌های تحقیق

دولت ایران با درک آثار مخرب فساد، تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از کمک‌های فنی و آموزش شیوه‌های نوین، سیاست مبارزه با فساد را اجرا کند و برگزاری چنین همایش‌ها و سمینارهای آموزشی، همچنین انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه با دیگر کشورهای جهان نشانه عزم جدی ایران در شناسایی شیوه‌های متنوع و متعدد فساد و مقابله با آن است.

ابراهیم شاهرخیان معاون سازمان بازرسی کل کشور با بیان این مطلب در سمینار آموزشی منطقه‌ای



در خصوص جرایم فراملی فساد در جمع مسئولان، مدیران و کارشناسان ارشد دستگاه‌های مبارزه با فساد کشورهای عضو اکو به مدت دوازده روز در سازمان بازرسی کل کشور برگزار شد.

وی در ادامه اعلام می‌دارد با توجه به اینکه فساد در انواع مختلف، ثبات اجتماعی، امنیت اقتصادی و ارزش‌های اخلاقی را هدف قرار داده و اساسی‌ترین دغدغه جمهوری اسلامی ایران در مسیر استقرار حاکمیت قانون و اجرای عدالت تلقی می‌شود، برای پیشگیری و مقابله با آن، بدون تردید همکاری و هماهنگی کشورها اجتناب‌ناپذیر است.

معاون سازمان بازرسی با اشاره بر پیچیده‌تر شدن رفتار و عملکرد مبتنی بر فساد خاطر نشان ساخت: امروزه رفتار مجرمان و افراد فاسد در حوزه‌های اقتصادی و مالی بسیار پیچیده شده. لذا احتیاج بازرسان به دانستن تکنیک‌های مدرن تحقیقات، برگزاری سمینار آموزشی را توجیه می‌کند.

شاهرخیان، تحقیقات را دارای مفهوم گسترده‌ای در عرصه بازرسی دانست که یکی از جنبه‌های آن، نظارت بر مقامات ذی‌صلاح، پیگرد جرایم و شناسایی مجرمین است و باید در قالب روش‌های کشف و اثبات

جرایم ناشی از فساد در کانون توجه بازرسان قرار گیرد.

معاون برنامه‌ریزی و امور مجلس سازمان بازرسی کل کشور بابیان اینکه در کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد، تحقیق به‌عنوان روش پیگرد و رسیدگی به جرایم کیفری از اهمیت بالایی برخوردار است، افزود: از این‌رو باید تحقیق را به‌عنوان یکی از شاخص‌ها و معیارهای ایجاد موازنه میان «اعطای مصونیت» و «امکان تحقیق، پیگرد و رسیدگی قضایی» مدنظر قرار داد.

شاهرخیان در ادامه با برشمردن نکاتی در خصوص اهمیت تکنیک تحقیقاتی جرایم فساد، تحقیق را به‌عنوان هدفی برای ایجاد همکاری و هماهنگی مشتمل بر تشویق همکاری میان مراجع دولتی، بررسی راه‌های کمک به هم‌تایان ما در کشورهای عضو اکو، معاضدت قضایی در مبارزه با فساد، بررسی مکانیسم مشورتی مراجع صلاحیت‌دار تحقیق دانست.

وی در ادامه تحقیق را روش و مکانیسمی برای شناسایی، با تأکید بر نقش مبادله اطلاعات و تبادل کارشناسان در بررسی سازوکارهایی نظیر ترتیبات و توافقات دو یا چندجانبه و تشکیل هیأت‌های





گفتنی است که سازمان بازرسی کل کشور سمینار آموزشی منطقه‌ای تحت عنوان "تکنیک‌های تحقیق در خصوص جرایم فراملی فساد" را با همکاری دفتر سازمان ملل متحد برای مقابله با مواد مخدر و جرم (UNODC) و دفتر برنامه منطقه‌ای افغانستان و کشورهای همسایه برگزار کرد.

در این سمینار ۲ روزه که طی روزهای ۱۲ و ۱۳ اسفندماه در محل سازمان بازرسی کل کشور برگزار شد، مدیران کل و کارشناسان ارشد دستگاه‌های مبارزه با فساد و نهادهای نظارت و بازرسی کشورهای افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان و استادان و مسئولین اعزامی از دفتر سازمان ملل متحد برای

تحقیقاتی مشترک از طریق موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه، استفاده از فنون تحقیقاتی ویژه در چارچوب تفاهمات و ترتیبات ویژه و با استفاده از روش‌های شناخته‌شده همکاری‌های بین‌المللی عنوان کرد.

شاهرخیان در پایان ابراز امیدواری کرد از طریق آموزش فنون و تکنیک‌ها و تبیین تجارب عملی، مهارت‌های کشورهای حاضر ارتقاء یابد و با درک بهتری که از این نشست به مفاهیم مهارت و توانمندی‌ها حاصل می‌شود، بتوان از همه ظرفیت‌های موجود برای مبارزه آگاهانه و شجاعانه با فساد و مفسدین در ابعاد و اشکال مختلف آن استفاده کرد.



مقابله با مواد مخدر و جرم از کشور اتریش، حضور یافتند.

در این سمینار موضوعاتی نظیر نقش دستگاه های تخصصی مجری قانون در امر مبارزه با فساد(چالش ها و راه حل ها)، استانداردهای بین المللی (کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد و...) با تأکید بر تکنیک های تحقیق و بازرسی در اسناد، بهترین رویه ها در تحقیقات داخل کشورها در خصوص جرایم فساد (بیان تجربیات کشوری توسط میزبان و سخنرانان

منتخب از میان کشورهای شرکت کننده در سمینار)، تکنیک های تحقیقات مشترک در همکاری های فراملی مرتبط با جرایم فساد، سازوکارهای عملی برای تقویت همکاری های فراملی در تحقیقات مرتبط با جرایم فساد، تکنیک های تجربی تحقیقات مالی فراملی جرایم فساد و رویه های مطلوب و سازوکارهای آن و ارائه راهکارهای عملی در خصوص تحقیقات فرضی جرایم فراملی فساد تحت نظر اساتید اعزامی بررسی شد.



برخورد با

مفاسد اداری و

مطالبات جامعه

سردبیر

این امر هستند. علل مذکور وعوارض ناشی از آن موجب تخلفات اداری و در پی آن فساد اداری می‌گردد که نتایج آن عامل بزرگی در ایجاد فقدان اثر بخشی و عدم کارایی دستگاه اداری در جامعه می‌باشد. در نهایت این عدم کارایی نمی‌تواند پاسخگوی مطالبات مردم باشد. و در نتیجه موجبات نارضایتی را فراهم می‌کند.

اشاره کردیم به پیچیدگی قوانین، واحدهای اداری معمولاً با تعداد زیادی از قوانین و مقررات غیر واقعی و یا غیر ضروری مواجه هستند و اتهامات موجود در رویه های اداری و استانداردهای جاری کار، امکان هرگونه تصمیم و اقدامات خودسرانه ای را به کارگزاران آنها می‌دهند. به علاوه اینکه، فرایندهای پیچیده و چندلایه امور اداری نیز عامل تشویق مراجعان به پیشنهاد رشوه برای تسریع کار هستند. دراین خصوص می‌توان قوانین کار آمد و راهگشا تصویب کرد.

ایجاد فضای اداری سالم نیازمند آنست که دست مفسدان و سوء استفاده کنندگان از امکانات حکومتی قطع شود. این امر محقق نخواهد شد مگر با برخورد جدی با مصادیق فساد اداری و ایجاد اصلاحات در بهینه سازی فرآیند نظارت و کنترل در دستگاه ها. این امر می‌تواند موجب افزایش پاسخگویی دستگاه ها در مقابل مردم، نهادهای مدنی و نهادهای نظارتی قانونی شود. نباید نقش آگاهی و آموزش مستمر مردم در خصوص برنامه ها و دستاوردهای مقابله با فساد دراین خصوص را دست کم گرفت.

برای به حداقل رساندن پیامدهای فساد اداری، گسترش و حفظ اعتماد عمومی نسبت به سازمان ها، به برخورد با مسائل به شیوه ای منطقی و نظام مند و به کارگیری راه حل های متناسب با نیازهای سازمان و انعکاس آن به شکل خاص نیازمندیم. همچنین ایجاد عزم ملی در زمینه مبارزه با فساد اداری و پرهیز از آلوده کردن آن با جهت گیری های گروهی و بهره برداری تبلیغی از نتایج آن، توقع عامه مردم است.

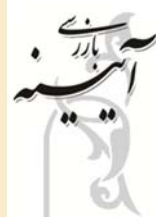
مسئولیت ها و اختیاراتی که طبق قانون به همه کارکنان دولت تفویض می‌شود می‌تواند زمینه مساعدی را برای سوء استفاده فراهم نماید.

تخلفات اداری به دلیل تاثیرگذار بودن در تخریب اجتماع و انحراف عمومی جامعه بیش از خطاهای دیگر باید مورد ملاحظه و توجه قرار بگیرند.

این نوع فساد در نظام اداری، بر اثر تخلفات مکرر و مستمر کارکنان بوجود می‌آید و آن را از کارایی مطلوب و اثر بخش مورد انتظار باز می‌دارد، بنابراین تخلفات اداری باعث فساد اداری می‌شوند و در واقع تخلفات اداری علت و فساد اداری معلول است.

هرچند در بروز و انواع تخلفات اداری علل های مختلفی وجود دارد لیکن به نظر بنده عوامل اداری سازمانی می‌تواند مهمترین علل بروز تخلفات اداری باشد.

تشکیلات اداری غیر کارآمد، پیچیدگی قوانین، مقررات و تعدد بخشنامه ها و دستورالعمل های اداری، مدیران غیر موثر، فقدان شایسته سالاری و وجود تبعیضات در زمینه استخدام و ارتقای افراد، نارسایی در نظام تشویق و تنبیه و نظام نظارت و ارزشیابی و عوامل متعدد دیگر از جمله عوامل تسهیل کننده در



بررسی تکنیک‌های مبارزه با فساد در حوزه نظارت و بازرسی امور بانک‌ها

بازرسی امور بانک‌ها و بیمه

در حوزه نظارت و بازرسی امور بانک‌ها، حسب تجارب گذشته و رویه‌های جاری، بروز فساد از سوی برخی مشتریان به منظور بهره‌مندی از اعتبارات بانکی، از دو درگاه بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است:

- ۱- به کارگیری روش‌های متنوع فریبکارانه
- ۲- مبادرت به تبانی با اشخاص ثالث

روش‌های متنوع فریبکاری:

ایجاد شرکت‌های زنجیره‌ای متعدد

شرح:

باتوجه به این که واحدهای عملیاتی بانک‌ها در زمینه تخصیص اعتبار به مشتریان دارای اختیارات محدودی می‌باشند، سوء استفاده کنندگان به منظور کاهش سطح اعمال کنترل‌های داخلی مبادرت به اخذ تسهیلات در حد شعبه و به تعداد زیاد می‌نمایند. در این راستا، به لحاظ این که اعتبار موضوعه در سقف اعتباری شعبه بوده، بنابراین رسیدگی‌های اولیه از جمله اعتبارسنجی مشتری تنها در شعبه انجام می‌پذیرد و احتمال کشف سوء جریان به شدت کاهش می‌یابد.

مورد کاوی:

در یکی از پرونده‌های رسیدگی شده مشاهده

گردیده است که فردی ظرف مدت نه ماه مبادرت به تأسیس حدود شصت و دو شرکت با زمینه‌های فعالیت متنوع نموده به نحوی که در ظاهر هیچ‌گونه نقطه اشتراکی از قبیل ساختار مالکانه نداشته‌اند، لیکن با بررسی‌های بیشتر و کنترل پرونده شرکت‌ها مشخص شده است:

اولاً محل اصلی تمام آنها مشترک می‌باشد. ثانیاً در ردیابی نحوه مصرف وجوه حاصل از تسهیلات مشخص شد کلیه وجوه در حساب‌های شخص مورد نظر و تعدادی از افراد نزدیک به وی کارسازی شده است.

ثالثاً ارتباط مالی مسئول شعبه با تسهیلات گیرنده کشف و اشخاص مذکور (اعم از مشتری و مسئول شعبه) به عنوان راشی و مرتشی به مرجع قضایی معرفی شده‌اند.

خرید شرکت‌های کاغذی

شرح:

سوء استفاده گران مبادرت به خرید شرکت‌های دارای سابقه تأسیس زیاد و بدون کارکرد و انتخاب افراد ناآگاه به عنوان مدیر درقبال پرداخت حق الزحمه ناچیز و اخذ وکالت تام الاختیار از مدیران برای انجام فعالیت‌های بانکی می‌نمایند.

مورد کاوی:

در یکی از پرونده‌های بررسی شده مشاهده گردید که شخصی با استفاده از روش مذکور مبادرت به اخذ تسهیلات و ضمانت نامه‌های بانکی متنوع نزد شبکه بانکی کشور نموده که در ردیابی‌های مالی صورت گرفته ملاحظه شد از ضمانت نامه‌های صادره (که بر اساس قراردادهای صوری دریافت شده بود)، به عنوان تضمین تسهیلات دریافتی از یکی از موسسات اعتباری استفاده و وجوه دریافتی هم عمدتاً صرف خرید ملک گردیده است. درنهایت، باتوجه به کشف سوء جریان و همچنین ارتباطات مالی در قالب رشوه، پرونده مربوطه به مرجع قضایی ارسال گردیده است. در این زمینه لازم به ذکر است، تخلفات موسسه اعتباری نیز کشف شده است به این شرح که موسسه مذکور برای دور زدن قانون مبادرت به تأسیس یک شرکت واسطه نموده و با همکاری وی، ضمانت نامه





شرکت هایی می باشد که متعلق به تسهیلات گیرنده بوده است، مبادرت به گشایش اعتبارات اسنادی متنوع و مدت دار نموده و با هماهنگی عوامل بانک، تعهدات موضوعه را تنزیل و وجوه حاصل را مورد استفاده قرار داده اند.

هایی به ذی نفعی شرکت موصوف نیز صادر و وجه آن جهت تأمین مالی موسسه از بانک های عامل دریافت و در این میان درصدی از مبلغ به عنوان کارمزد به شرکت تعلق یافته است.

سوء استفاده از نقاط ضعف قوانین و

مقررات بانکی

شرح:

سوء استفاده گران با کسب مشاوره از افرادی که دارای سابقه بانکی می باشند، حفره های قانونی و مقرراتی را شناسایی نموده و با ایجاد روابط عمدتاً نامتعارف، مبادرت به اخذ اعتبارات متنوع از بانک ها می نمایند.

مورد کاوی:

۱- در سال های گذشته شرکتی که امکان دریافت تسهیلات ریالی در شعب سرزمین اصلی بانک را نداشته، مبادرت به دریافت تسهیلات ارزی در مدیریت شعب مناطق آزاد تجاری-صنعتی آن بانک نموده و سپس ارز دریافتی را به ریال تبدیل و در سرزمین اصلی مورد استفاده قرار داده است.

۲- شخصی قصد خرید زمین و اجرای پروژه در کشور را داشته لیکن فاقد نقدینگی لازم برای خرید زمین و شروع کار بوده است. بنابراین، باتوجه به این که در شعبه خارج از کشور یکی از بانک های ایرانی حساب داشته، مبادرت به دریافت تسهیلات ارزی کلان و انتقال آن به داخل کشور و اجرای پروژه خود نموده است.

۳- برخی اشخاص با ارایه اسناد وارداتی صوری که عمدتاً شامل پیش فاکتور و فاکتورهای صادره از سوی

تبانی با اشخاص ثالث

ایجاد روابط غیرمتعارف با مسئولین شعبه و

اعتباری بانک

شرح:

در این روش، سوء استفاده گران ابتدا مبادرت به ایجاد ارتباط نزدیک با مسئولین شعبه و اعتباری بانک به طور مستقیم یا غیرمستقیم نموده، سپس با تطمیع آنان، مقاصد خود را عملی می نمایند.

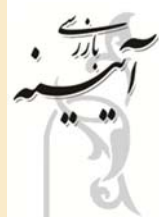
مورد کاوی:

در یکی از بازرسی ها مشخص گردیده است که مسئول شعبه یکی از بانک ها، با یکی از مشتریان بانک رابطه دوستی و کاری داشته و با پرداخت تسهیلات، موجبات خرید یک شرکت را برای وی پدید آورده و متعاقب آن، مشتری به منظور قدردانی از مسئول شعبه، بخشی از سهام شرکت را به وی و برخی از مسئولین بانک هبه نموده است.

تبانی مشتری با مسئولین ارزی شعبه

شرح:

در این روش، سوء استفاده گر مبادرت به ایجاد ارتباط انتفاعی با مسئولین ارزی شعبه نموده و در پی آن، با ارائه اسناد مجعول و یا سندسازی، انواع ارز را به نرخ رسمی دریافت و با فروش آنها در بازار آزاد منافع زیادی کسب نموده است.



مورد کاوی:

در یکی از پرونده ها مشاهده گردیده است که مشتری با همکاری رئیس واحد ارزی شعبه، اسناد صادراتی خود را با سندسازی به عنوان اسناد وارداتی معرفی و ارزش مربوطه را دریافت و پس از فروش در بازار آزاد، بدهی ارزی خود به بانک را با نرخ بانک مرکزی تسویه و مابه التفاوت را بین خود و مسئول مربوطه تقسیم نموده است.

تبانی مشتری با مسئولین شعبه عامل و کارشناسان مربوطه

شرح:

در این روش، سوء استفاده گر مبادرت به گشایش اعتبار اسنادی وارداتی جهت واردات ماشین آلات نموده که علی القاعده بایستی نو و دست اول باشد، لیکن از طریق ایجاد رابط با مسئولین شعبه عامل و کارشناسان مربوطه، کالای کارکرده و دست چندم وارد می نمایند.

مورد کاوی:

در یکی از پرونده ها مشاهده گردیده است که مشتری به جای خرید و ورود ماشین آلات نو و دست اول برای اجرای طرح خود، مبادرت به واردات ماشین آلات فرسوده و فاقد عمر مفید نموده و علی رغم آن، معادل ارزش کالای نو ارزش مربوطه به حساب شرکت فروشنده واریز شده است. متعاقباً مشخص گردیده است، شرکت خارجی با مشتری وابستگی داشته است.

تبانی با کارگزاران و متصدیان مؤسسات خصوصی و غیردولتی حرفه ای عهده دار

مأموریت عمومی

شرح:

در این روش، مسئولین بانک مشتریان اعتباری خود را به مؤسسات مورد نظر خود از قبیل: کارشناسی، حسابرسی، نمایندگی های بیمه، بازرسی کننده کالا و ... معرفی نموده و وجوهی را از نهادهای مذکور در قالب کمیسیون دریافت می نمایند.

مورد کاوی:

در یکی از پرونده ها مشاهده گردیده است که مسئولین دواير و يا شعب بانک ضمن تبانی با

نمایندگی های بیمه، کارشناسان و شرکت هایی که خدمات ارزیابی و کارشناسی ارایه می نمایند، مشتریان را برای انجام امور مربوطه مثل بیمه کالا های وارداتی، ارزیابی طرح ها و ... به سمت این گونه اشخاص هدایت نموده و در نهایت در وجوه و کارمزدهای دریافتی شریک می گردند. در برخی مواقع مشاهده شده است که وجوه حاصل از طرق مذکور صرف خرید اوراق مشارکت و یا ملک گردیده است.

تغییر روش اخذ وجوه من غیر حق (رشوه)

شرح:

در این روش، مسئولین بانک یکی از اموال خود را به ارزشی بالاتر از آنچه عرف بازار است به مشتری واگذار می نمایند و درقبال آن برخلاف مقررات اعتبارات متعدد به مشتری اعطاء می نمایند.

مورد کاوی:

طی بررسی های انجام شده مشاهده گردیده است، یکی از مسئولین بانک، قطعه زمینی را که ارزش بازار آن حدود دو میلیارد ریال بوده را به میزان هشت میلیارد ریال به مشتری فروخته و وجوه آن نیز به لحاظ قطع زنجیره عطف بین طرفین، با واسطه پرداخت شده است.

تضعیف وثیقه اعتبارات

شرح:

در این روش، مشتری به منظور استفاده از مورد وثیقه که دارای ارزش زیادی است، برای اخذ اعتبار از بانک دیگری و یا انتقال آن به غیر، تقاضای تبدیل وثیقه می نماید.

مورد کاوی:

بررسی ها نشان داده است که برخی از مسئولین و یا ارکان بانک ها به منظور اخذ امتیاز از مشتری، وثیقه ای را که دارای ارزش اقتصادی فراوانی است به وثیقه بی ارزشی تبدیل و به همین خاطر و به لحاظ عدم وجود خریدار و غیراقتصادی بودن تملک آن به وسیله بانک، موجبات رشد مطالبات بانکی و در واقع ورود خسارت به وجوه دولتی و یا عمومی را فراهم می آورند.



گزارش‌های کلان و ملی، اولویت‌های سازمان بازرسی

مصاحبه با نادر خاوندگار معاون حقوقی و نظارت همگانی

آقای نادر خاوندگار معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور را بر عهده دارند. اخیراً نیز طی حکمی از سوی رئیس قوه قضائیه به عنوان قاضی عضو هیئت تجدید نظر تخلفات نهاد ریاست جمهوری منصوب شدند. در ادامه گفت‌وگو با ایشان را می‌خوانید.

برای رسیدگی به هیئت رسیدگی به تخلفات اداری نهاد ریاست جمهوری ارسال می‌نماید و تا حصول نتیجه پیگیری می‌کند. در این بند از قانون تصریح شده است که در رابطه با مقامات فوق، هریک از هیئت های بدوی و تجدید نظر با عضویت یک نفر از قضات منصوب رئیس محترم قوه قضائیه تشکیل می‌شود.

آیا حضور قضات در اینگونه هیئت ها سابقه

ای هم دارد؟

اصولاً عضویت قضات در برخی هیئت ها و کمیسیون ها و به عبارتی دادگاههای اداری، سابقه طولانی در قانون گذاری داشته و مطابق اصول کلی حقوق اداری و در راستای تحقق اصل توازن بین منافع عمومی و منافع خصوصی و نیز سایر اصول مربوطه از جمله بی طرفی و دادرسی منصفانه و نفی جانب‌داری می باشد.

مبنا و ضرورت هیئت رسیدگی به تخلفات

اداری نهاد ریاست جمهوری و حضور قاضی

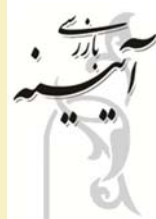
چيست؟

با توجه به رویه معمول مبنی بر عضویت مدیران و مقامات هر دستگاه یا سازمان در هیئت های بدوی و تجدید نظر رسیدگی به تخلفات اداری همان دستگاه

جناب‌عالی که از سوی ریاست محترم قوه قضائیه به عنوان قاضی عضو هیئت تجدید نظر تخلفات نهاد ریاست جمهوری منصوب شده اید در این خصوص توضیح بفرمایید.

به منظور حفظ سلامت در دستگاه های اداری و رعایت چارچوب قوانین و صیانت از حقوق تمام کارکنان و همچنین شهروندان محترم که از خدمات آن ها بهره مند می شوند، در این دستگاه ها واحد هایی برای رسیدگی به تخلفات تشکیل شده است که چارچوب آنها در قانون رسیدگی به تخلفات اداری و آیین نامه اجرایی مربوطه مشخص می باشد. بر این مبنا در هریک از دستگاههای مشمول این قانون، هیئت هایی با عنوان هیئت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان به منظور رسیدگی به تخلفات اداری تشکیل شده است و این هیئت ها شامل هیئت های بدوی و تجدید نظر می باشد.

یکی از سازمان های مستقل دولتی موضوع آیین نامه اجرایی این قانون ، نهاد ریاست جمهوری است که حسب بند ه ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور در مواردی که گزارش بازرسی متضمن اعلام تخلف اداری مدیران کل ادارات و مقامات بالاتر تا سطح وزراء و هم‌تراز آنها است که مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری هستند، سازمان گزارش را





– ابلاغ قضایی شما چیست؟

آخرین ابلاغم عضو معاون دیوان عالی کشور است.

– قضاوت هم داشتید؟

از بدو ورود به دستگاه قضایی قضاوت داشتم.

– چه پست‌های قضایی داشتید؟

دادیار دادرسی عمومی تهران، دادرس دادگاه، رئیس دادگاه، مستشار دادگاه تجدیدنظر، رئیس دادگاه تجدیدنظر، دادیار دیوانعالی کشور و آخری آن هم عضو معاون دیوان عالی کشور است.

– سابقه آشنایی شما با جناب آقای سراج

چگونه شروع شد؟

به لحاظ همکار بودن از سال‌های قبل با ایشان آشنا بودم ولی از زمان دادگاه تجدیدنظر آشنایی نزدیکتری پیدا کردیم. هر چند در یک حوزه با هم کار نکرده بودیم، ولی به جهت ارتباطاتی که در کارها داشتیم با ایشان آشنا بودم. در دادستانی کل کشور نیز که من حدوداً ۹ سال پیش آنجا بودم، با هم

با انتصاب از سوی بالاترین مقام دستگاه، در مواردی که تخلف نسبت به خود مقام یا مدیر باشد، با اصول قانونی و دادرسی منصفانه و بی طرفی منافات دارد، از این رو قانون‌گذار هیئتی را در نهاد ریاست جمهوری برای رسیدگی به تخلفات اداری مدیران کل و مقامات بالاتر تا سطح وزراء و هم‌تراز آنها را برای تحقق اصول مذکور و در جهت حمایت از منافع اداری و عمومی و شهروندان با حضور قاضی پیش‌بینی کرده است

آیا با دانشگاه هم ارتباط دارید؟

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی می‌باشم و حدود ۲۰ سال سابقه تدریس در دانشگاه را دارم.

درچه مقطعی تحصیلی وارد تشکیلات

قضایی شدید؟

زمانی که دانشجوی فوق لیسانس بودم وارد تشکیلات قضایی شدم.





- قبل از اینکه وارد سازمان بشوید به چه

میزان از سازمان بازرسی شناخت داشتید؟

چون سازمان بازرسی زیرمجموعه رئیس محترم قوه قضائیه است به نوعی با تشکیلات قضایی ارتباط دارد، بنابراین آشنایی داشتم. همکارانی بودند که کار قضایی می کردند و این جا مستقر بودند و با برخی از این همکاران ارتباط داشتم.

- آیا چنین تصویری داشتید که روزی به

سازمان بازرسی وارد شوید؟

خیر تصور نمی کردم، گرایش من به سازمان به واقع شخص آقای سراج بود.

- تحلیل شما از اینکه قضات مدیریت اجرایی

داشته باشند، چیست؟

اگر منظور سازمان بازرسی است باید بگویم که در سازمان دو نوع نیروی کاری هستند و به تناسب آن نیز دو نوع کار تعریف می شود. کارهایی که صرفاً قضایی است، مستلزم حضور قضات است و قانون گذار نیز هدفش این است که قضات برای انجام آنها، باید در سازمان مستقر باشند. طبعاً کار کردن با قضات نیازمند

در یک مجموعه کاری بودیم. بعد از آن هم که از طریق ریاست محترم قوه قضائیه به عنوان عضو شورای رقابت منصوب شدم، چون هر دو نفر در شورای رقابت حضور داشتیم، ارتباطات بیشتر شد.

- چطور شد که معاونت حقوقی و نظارت

همگانی سازمان را بر عهده گرفتید؟

در یکی از شعبات دیوانعالی کشور مشغول به کار بودم که جناب آقای سراج پیشنهاد جابجایی و انتقال به سازمان بازرسی کل کشور را دادند. البته در مورد موقعیت و پست سازمانی هیچ صحبتی نشد و تا زمان ورود به سازمان نیز از موقعیت کاری خود در سازمان سوالی نکرده بودم و پس از صدور حکم و ورود به سازمان متوجه پست مورد نظر شدم. لازم است ذکر کنم که حوزه معاونت حقوقی و نظارت همگانی حوزه فعالی نبود و از حداقل امکانات هم برخوردار نبود. در این یکسال و چند ماهی که گذشت توانستیم چارچوب هایی را فراهم کنیم. ادارات کل به نحو مورد نظر فعال شدند و خط مشی ها ارایه شد، لذا وضعیت موجود از صفر به این نقطه رسیده است. در کل، در چارت سازمانی بخشی به نام معاونت حقوقی پیش بینی شده بود ولی چون تشکیل نشده بود، امکاناتی نیز نداشت.



مدیریت قضایی است. به نظرم در حوزه‌ای که قضات کار می‌کنند، حداقل باید کسی مدیر باشد که بتواند به راحتی با آنها ارتباط برقرار کند. اگر جایی که کار قضایی می‌شود، مدیر غیر قاضی حضور یابد نمی‌توان انتظار ارتباط مناسب را داشت.

این امر اختصاص به کار قضایی ندارد، به عنوان مثال در یک بیمارستانی چنانچه مدیریت بر عهده فرد غیرپزشک باشد اگرچه ممکن است در مدیریت امور اداری موفق باشد، ولی نمی‌تواند در امور پزشکی و درمان ارتباط لازم را با نیروهای پزشکی برقرار و در نتیجه مدیریت کاملی ارایه کند، چرا که در مدیریت باید امکان استفاده از تمام توان نیروهای موجود به نحو احسن فراهم شود.

ضمن اینکه آشنایی و تسلط قضات به قوانین و مقررات می‌تواند نقش به سزایی در نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین که از وظایف سازمان بازرسی کل کشور است، داشته باشد.

- آقای دکتر، مهم‌ترین چالش حوزه کاری خود را چه می‌دانید؟

در حال حاضر مهم‌ترین چالش کمبود نیروی متخصص در این حوزه است. به عنوان مثال دفتر حقوقی با حداقل نیرو وامکانات محدود کار می‌کند. نبود نیروی کافی باعث افزایش حجم کار و در نتیجه فشار به کارکنان این واحد شده است.

در حوزه تنقیح نیز همین منوال است. در حالی که با توجه به حجم پرونده‌ها از حوزه‌های مختلف، لازم است در همه حوزه‌ها یک نیروی متخصص داشته باشیم، اما تاکنون جذب نیروی متخصص بنا به دلایلی فراهم نشده است. در عین حال هم به لحاظ نوع کار نمی‌توانیم نیروهای بی‌تجربه یا کم تجربه را جذب کنیم.

- نظر جنابعالی به عنوان یکی از معاونین سازمان برای افزایش اثربخشی گزارش‌های سازمان چیست؟

این موضوع به حوزه‌هایی که فعالیت‌های بازرسی دارند ارتباط پیدا می‌کند. در حوزه معاونت حقوقی نتیجه برخی گزارش‌های واصله بررسی و اعلام می‌شود، اما به نظرم در وضعیت موجود با همین کمیت، اگر آنها را به کیفیت مطلوبی برسانیم، ایده آل خواهد بود، ولی اگر نتوانیم به ایده‌آل برسیم حداقل آن است که از کمیت کم کنیم. به نظرم، می‌شود به کارهای اساسی پرداخت و کارهایی را که به طور کلان مطرح می‌شوند و با منافع عمومی در ارتباط بوده و جنبه ملی هم دارند، در اولویت قرار داد. در این راستا باید تمام ظرفیت‌ها و توانمندیهای فردی و سازمانی بکار گرفته شوند که البته هم ظرفیت و هم اراده انجام آن در سازمان وجود دارد.

- چه برنامه‌هایی برای سال ۹۴ در نظر دارید؟

نوع کار حوزه ما متناسب با کارهایی است که در حوزه‌های دیگر ارایه می‌شود. به واقع حوزه ما تابع کارهایی است که در حوزه‌های دیگر انجام می‌شود. در عین حال برنامه‌هایی داریم و پیش‌بینی‌هایی انجام شده است. به عنوان مثال در حوزه تنقیح پیش‌بینی شده که از طریق مدیرکل تنقیح و هماهنگی با تنقیح معاونت‌ها، استان‌ها دسته‌بندی و سپس به طور منظم به استان‌ها مراجعه و کلاس‌های آموزشی برگزار شود. در این کلاس‌ها نحوه گزارش‌نویسی، نحوه نتیجه‌گیری، نحوه تنقیح گزارش‌ها ارایه می‌شود. در حال حاضر در چند استان این کار انجام و جلسات مختلف برگزار شده است. در حوزه شکایات پیش‌بینی شده است که بتوان با سازمان‌های مختلف دیگر لینک بود تا بتوان با دریافت شکایات آن را پیگیری کرد.

در حوزه حقوقی نیز پیش‌بینی شده که همکاران بر مبنایی، کارهای خود را دسته‌بندی کنند و یا نظراتی را که در کمیسیون‌های تطبیق و حقوقی سازمان مطرح می‌شوند، از طریق سیستم به همه همکاران منتقل کرد تا کار رجوع به آن آسان شود.



مبارزه با فساد از سیستان تا تهران

مصاحبه با محمدجواد حشمتی معاون نظارت و بازرسی امور تولید و توسعه

بازرسی‌ها پیگیری شود و در جاهایی که تخلفات صورت گرفته بتوانیم دفاع کنیم. در این مدت کوتاه هم از آرای که جهت براءت متهمین بود جلوگیری شد. بنابراین این امر می‌تواند در به ثمر نشستن تلاش بازرسان کمک بسیار خوبی باشد.

- چه شد که جنابعالی وارد قوه قضائیه

شدید؟

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وارد کمیته شدم و بعد از تشکیل سپاه، وارد سپاه شدم. تا سال ۱۳۵۸ در سپاه بودم. پس از هماهنگی مرحوم شهید کریمی دادستان کل انقلاب استان گیلان با سپاه وارد دادرسی شدم. پس از گذراندن دوره‌ای در تهران ابلاغ قضایی گرفتم. اواخر سال ۶۰ به عنوان دادیار موقت به شرق فارس رفتم. تا اواخر ۶۱ در این منطقه بودم تا به زاهدان رفتم. و به مدت ۱۰ سال در زاهدان در پست‌های دادیار، جانشین دادستان و بعد به عنوان دادستان مشغول به کار بودم. سال ۷۱ به عنوان بازپرس به تهران آمدم و بعد هم با ادغام دادرسی دادگاه‌ها که شد محاکم عمومی، به عنوان رئیس شعبه انقلاب تهران منصوب شدم. سپس به دیوان عالی کشور رفتم بعد از آن به استان گیلان مأمور شدم و به مدت ۷ سال رئیس کل دادگستری گیلان بودم. و پس از آن مأمور شدم به سازمان بازرسی کل کشور.

مقطعی که در سپاه بودم علاقه داشتم به منطقه کردستان بروم. کار قضایی را از صفر شروع کردم. ۳۵ سال و دو ماه هم سابقه قضایی اجماع با اجرایی دارم. زمانی که دادیار دیوان بودم حدود ۷ سال در ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری به عنوان قائم مقام دبیر کل ستاد مأمور بودم.

پس از اصلاحیه قانون سازمان بازرسی کل کشور (مصوب ۹۳/۷/۱۵) بر اساس بنده ماده ۲ این قانون در مواردی که گزارش بازرسی متضمن اعلام تخلف اداری مدیران کل ادارات و مقامات بالاتر تا سطح وزرا و هم‌تراز آنان است که مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری هستند، سازمان گزارش را برای رسیدگی به هیأت رسیدگی به تخلفات اداری نهاد ریاست جمهوری ارسال و تا حصول نتیجه پیگیری می‌کند. درخصوص پرونده‌های مطروحه در رابطه با مقامات فوق، هیأت رسیدگی بدوی و تجدیدنظر مزبور با عضویت یک نفر از قضات منصوب رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شود و خارج از نوبت طبق قانون رسیدگی به تخلفات اداری به موضوع رسیدگی می‌کند. رئیس هیأت موظف است ضمن نظارت بر ثبت پرونده و تعیین اوقات رسیدگی، مراتب رابه عضو قضایی و نماینده سازمان جهت حضور اعلام نماید. در این خصوص آقای محمدجواد حشمتی (معاون نظارت و بازرسی امور تولید و توسعه) از سوی رئیس قوه قضائیه به سمت قاضی عضو هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری نهاد ریاست جمهوری منصوب شد. این موضوع بهانه‌ایی شد تا با آقای حشمتی که به گفت و گو بنشینیم.

- مسئولیت‌های هیأت رسیدگی به تخلفات

نهاد ریاست جمهوری چقدر به وظایف سنگین

سازمان کمک می‌کند؟

از این فرصت می‌شود استفاده‌های خوبی کرد. قبلاً گلايه‌هایی بود مبنی بر اینکه رسیدگی در نهاد ریاست جمهوری عمدتاً منتهی به براءت متهمین می‌شود. با اصلاحیه قانون و تدبیری که صورت گرفت و ابلاغیه رئیس قوه قضائیه تلاش خواهد شد نتایج





– از کارتان راضی بودید؟

خدمت در هر سنگری در قوه قضائیه به لحاظ برخی شرایط و ملاحظات، ارزش دارد. کار قضایی انصافاً کار سختی است. به عبارتی قاضی جاهلی است بین دو نفر عالم. و هر کسی اصرار دارد که محق است. به هر حال زندگی و جان مردم در اختیار قاضی است. می‌بایستی مواظب بود تا از مسیر اعتدال خارج نشد. سعی کردیم همواره در این مسیر باشیم.

– به فرزندانان شغل قضایی را توصیه کردید؟

به صورت پراکنده توصیه کردم. ولی چهار فرزندم در حوزه ریاضی فیزیک و پزشکی تحصیل کردند.

– مراحل تحصیلی‌تان چگونه بود؟ آیا حوزوی

هم تحصیل کردید؟

مراحل تحصیلی‌ام کلاً دانشگاهی است

– با حاج آقای سراج چگونه آشنایی داشتید؟

شاید علت مأموریت من به سازمان بازرسی به واسطه سابقه شناخت و آشنایی من با ایشان بوده است. در تماسی که با آقای سراج داشتم ایشان از من پرسیدند آیا تمایل به همکاری در سازمان را دارم به هر حال وضعیتی ایجاد شد که راغب شدم وارد سازمان شوم.

– در دیوان چه سمتی داشتید؟

بنده عضو معاون بودم.

نظرتان در مورد مدیریت قضات چیست؟

خود من با توجه به سابقه طولانی که در قوه قضائیه دارم باید بگویم که قضات اصولاً برای مدیریت تربیت نشده‌اند. برخی از قضات که مدیریت می‌کنند به طور اکتسابی تلاش کردند. و بعضاً در عرصه‌های مدیریت خوب عمل کرده و موفق بودند. اما جماعت قضای پرونده محورند. در خود قوه قضائیه برنامه‌ای برای تربیت مدیر وجود ندارد.

هر چند برنامه‌های آموزشی برای مقاطع مختلف دارند ولی ارزیابی من این است که این برنامه جهت کادر سازی و تربیت نیرو جهت‌گیری نمی‌شود.

– تلخ‌ترین و شیرین‌ترین خاطره‌ای که دارید بیان بفرمایید.

به نظرم اوایل کارم در استان فارس بود، یک پرونده‌ای به من ارجاع شد به نام قتل‌های قناتی. این پرونده ۱۴ مقتول داشت. افرادی که قبلاً در این پرونده کار کرده بودند مورد تهدید قرار گرفته بودند. زمانی که این پرونده را تحویل گرفتم ۲۲ سال سن داشتم. در این خصوص با خیلی‌ها برخورد کردم و برخی نیز بازداشت شدند. در ادامه کار با هجده مخالفت‌ها مواجه شدم. مقطعی بود که حضرت امام (ره) فرمان هشت ماده‌ای را صادر کرده بودند. همین سازمان بازرسی کل کشور هم مسئول و مأمور اجرا بود. در آن مقطع محقق داماد رئیس سازمان بازرسی بودند. این طور بود که سازمان ورود می‌کرد و





نخواهیم بود. نکته دیگر برخی برای قانون به معنی واقعی ارزش قایل نیستند. در برخی مقاطع دور زند قانون برای رسیدن به اهداف انجام می گیرد.

قانون گریزی به اشکال مختلف وجود دارد. درخصوص قانون گریزی چون اقدامات به موقع انجام نمی گیرد، بازدارندگی لازم هم دیده نمی شود.

در جرم شناسی می گویند اگر پنجره ای ترک خورد باید تعویض شود. بنابراین تخلفات ریز و درشتی که صورت می گیرد باید با هر کدام از آنها به موقع برخورد شود تا اتفاق دیگری نیفتد که جبران آن سخت باشد.

برخی اقدامات سازمان را دخالت و مچ گیری تلقی می کنند. اصل قضیه این است که سازمان کمک خوبی است برای دستگاه ها که بتوانند سالم کار کنند.

معتقدم سازمان پس از تشکیل و ارسال پرونده ها آنها را آنالیز نماید که فرضاً چه گروهی از پرونده ها تشکیل شده و چه جرایمی را به خود اختصاص داده است. فراوانی جرایم در کجاساست و در چه بخش هایی آسیب پذیریم و بیشترین نقص قوانین در کجاها می باشد. کدام قوانین بیشتر نقض شده است. خروجی کار و جمع بندی مهم است. پس از اتمام سال ۹۳، مدیریت دستگاه جمع بندی از اقدامات و اتفاقات صورت گرفته در سازمان را انجام بدهد. سپس تجزیه و تحلیل و دسته بندی نماید.

براین اساس می تواند بخشنامه کند و یا به اشکال دیگر مانند تذکر و هشدار چه از طریق دولت و قوه قضائیه اقدام نماید. بدین طریق می توان گلوگاه های فساد را بست.

بلافاصله به تهران می رفتند و به آقای موسوی اردبیلی که آن زمان رئیس دیوان بودند گزارش می کردند. و ایشان هم بلافاصله مقامات را عزل می کردند. هیأت بازرسی به استان فارس آمد و ما هم پرونده را به آن جلسه که در استانداری مستقر بودند، بردیم. بررسی پرونده از ۲ بعدازظهر تا ۲ نیمه شب طول کشید. ابعاد پرونده بررسی شد. اعلام گردید که رسیدگی به این پرونده مطابق قانون بوده است. پرونده با حمایتی که سازمان بازرسی انجام داد به روند خوبی رسید. از دیگر خاطراتم برمی گردد به ده سالی که در سیستان و بلوچستان بودم. درگیری ها با اشرار و ضد انقلاب و شهادت دوستان و همکاران حوادث ناگواری برای ما بود.

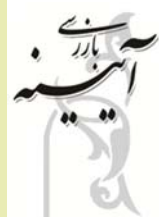
- با توجه به مأموریت های کاری به استان های دیگر از جمله سیستان و بلوچستان آیا با اعتراض خانواده مواجه نمی شدید؟

این یک امر طبیعی است. با توجه به اینکه من اهل شمالم، رفتن ما به خصوص در آن مقطع به برخی استان ها به نحوی جبهه محسوب می شد. به قول رهبر معظم انقلاب، سیستان و بلوچستان تنگه احدی است برای نظام. در خیلی از موارد درخواست اعزام به جبهه را داشتیم مخالفت می شد. چرا که با کمبود نیرو مواجه بودند. در عین حال در استان هایی چون سیستان و بلوچستان ما با اشرار درگیر بودیم. در تمامی مراحل خانواده من را همراهی و پشتیبانی کردند.

سخن آخر:

در حال حاضر با چالش های اقتصادی مواجه هستیم. و بحث مفاسد اقتصادی را داریم. دلایل مختلفی برای این موضوع است. یکی از دلایل عدم توجه به افکار عمومی است. در برخی جوامع توجه به افکار عمومی جدی تر است. چنانچه تخلف یا اشتباهی رخ می دهد. آن مقام اقدام به استعفا می کند. به نظر می رسد مردم و افکار عمومی برایشان ارزشمند است. افکار عمومی موجب می شود خیلی از اتفاقات رخ ندهد.

باید خود را در معرض افکار عمومی قرار دهیم و باور داشته باشیم. اگر بپذیریم افکار عمومی جایگاه دارد، خیلی از مفاسدی که رخ می دهد را شاهد



افزایش رفاهیات در سال ۹۴

گفت و گو با مسعود طاهری جعفری – مدیرکل پشتیبانی و خدمات

مسعود طاهری جعفری از جمله مدیران جوان سازمان بازرسی است که در مدتی که به عنوان مدیرکل پشتیبانی و خدمات سازمان منصوب شد، شاهد خدمات بیشتری هستیم. از جمله تشکیل کمیته ای به عنوان «امور رفاهی» که اقدامات جدی در راستای افزایش سطح رفاهیات کارکنان و کارمندان سازمان را در دستور کار خود دارد. طاهری جعفری در گفت و گویی که با نشریه آئینه داشته به رایزنی سازمان با قوه قضائیه درباره برخورداری کارکنان و کارمندان سازمان از امکانات قوه خبر داده است. البته او که مسئول کمیته فوق نیز هست، وعده داده این امر مهم از سال آینده برقرار شود. مدیرکل پشتیبانی و خدمات سازمان بازرسی همچنین گفته سال ۹۴ سال ارتقای رفاهیات سازمان است. وی در توضیح این خبر خوش می گوید: «سعی داریم در کنار استفاده از امکانات اقامتی قوه قضائیه، اماکن اقامتی استان ها را تجهیز و ارتقاء دهیم.» «طاهری جعفری همچنین در بخشی از این گفت و گو به موضوعات دیگری نیز اشاره کرد که در ادامه می خوانید:



– از چه زمانی وارد پشتیبانی و خدمات

فنی شدید؟

در شهریور ماده ۹۳ به پیشنهاد جناب آقای شاهرخیان و ابلاغ ریاست محترم سازمان، به سمت مدیرکل پشتیبانی و خدمات فنی منصوب شدم.

– اخیراً شما به عنوان مسئول کمیته امور

رفاهی نیز انتخاب شدید. هدف از تشکیل

این کمیته و مأموریت آن چیست؟

– از چه زمانی وارد سازمان شدید؟

مراحل جذیب سال ۸۲ در سازمان انجام شد. آن سال به عنوان کارشناس نظارت و بازرسی در اداره کل نهادهای انقلاب اسلامی سابق مشغول به فعالیت شدم. نزدیک ده سال در حوزه های صف و عملیاتی سازمان مشغول به فعالیت بودم و به عنوان بازررس، سرپرست هیأت های بازرسی و مدتی هم به عنوان معاون بازررس کل و سرپرست اداره کل وزارت کشور و شهرداری ها انجام وظیفه کردم.



ورود به حوزه پشتیبانی و خدمات فنی این بود که کمیته را مجدداً احیا کنم. این ایده خدمت آقای شاهرخیان مطرح و با استقبال ایشان روبرو شد و افرادی برگرفته از آن ذوق و سلیقه ذاتی و شخصی‌شان و سوابق تجربی‌شان انتخاب و پیشنهاد شدند، آقای شاهرخیان هم برایشان ابلاغیه صادر کردند. این کمیته متشکل از ۹ نفر است. ریاست کمیته با مدیرکل پشتیبانی و دبیری آن بر عهده ریاست رفاه می‌باشد. افرادی هم از بین مدیران- صف و ستاد- عضو این کمیته می‌باشند.

کمیته رفاهی در دوره جدید خود ۳ جلسه داشت که ثمرات بسیار خوبی داشت؛ مصوبه اولین جلسه این بود که ابلاغ عمومی کردیم تا همکاران انتظارانشان از حوزه رفاه و الگوبرداری از نمونه‌های مشابه در دستگاه‌های اجرایی را ارائه کنند.

به نظر من همکاران ما در سازمان، حق دارند بهترین خدمات را داشته باشند. چرا که معتقدم عملکرد ما در حوزه پشتیبانی، برای حوزه صف مانند کوله‌پشتی برای یک سرباز است. اگر این کوله‌پشتی خوب تجهیز شود قطعاً سرباز در طی مسیر دچار

صبغه کمیته رفاهی به سال‌های قبل باز می‌گردد. زمانی که در حوزه صف و بازرسی بودم از معاون وقت برنامه‌ریزی و امور مجلس سازمان پیگیری‌های جهت ارتقای سطح کیفی رفاهیات داشتیم. سازمان بازرسی و پرسنل آن از بسیاری رفاهیات دستگاه‌های دیگر به لحاظ حفظ شأن و جایگاه سازمان و مقتضیات کار سازمان، برخوردار نیستند؛ به طوری که حتی برای گرفتن یک وام که کاملاً روال قانونی دارد، با مشکل برخورد می‌کنند. آن زمان کمیته‌ای تشکیل شد که برگرفته از خود جمعی بتواند تصمیم‌سازی کند. نماینده بازرسان، مدیرانی که ذی‌نقش بودند در این مورد. اعم از مدیرکل امور مالی، مدیرکل پشتیبانی و من به عنوان نماینده بازرسان و حوزه صف در آن کمیته حضور داشتیم.

خاطرم هست که چند جلسه تشکیل شد مقرر بود تصمیماتی گرفته شود که در واقع هم خدمات کمیته را در قالب رفاهیات ارتقاء دهد و هم از مقطعی‌نگری جلوگیری شود. بنا به دلایلی و با توجه به نقشی که کمیته و تصمیماتی که مدیریت آن زمان داشت، کار عقیم ماند. از این رو یکی از اولویت‌های بنده در بدو

مشکل نخواهد شد. بنابراین تلاش شد از نظرات همه همکاران سازمان استفاده شود تا خدمات از تنوع برخوردار باشند.

ظاهر در این کمیته تصمیم گرفته شد تا همکاران سازمان بازرسی بتوانند از خدمات رفاهی قوه قضاییه در سطح کشور استفاده کنند. در این خصوص توضیح می‌فرمایید؟

یک بار که خدمت ریاست محترم سازمان رسیدم خواهش کردم بتوانیم این موضوع را رسماً پیگیری کنیم. موضوع خدمت آقای شاهرخیان هم مطرح شد؛ ایشان نیز با توجه به سوابق قبلی، بنده را به قوه قضائیه معرفی کردند. من هم به حوزه ریاست قوه قضاییه نزد مدیر مربوطه مراجعه کردم. روال کار در رفاهیات قوه قضاییه این گونه است که برای سازمان‌های تابعه هیچ امکانی برای استفاده از رفاهیات و امکانات در اختیار قوه وجود ندارد. در مرحله اول تمام تلاش‌ها صرفاً منجر به این شد که بتوانیم از امکانات استخر مجموعه شهید بهشتی قوه در ۲ سانس استفاده کنیم. با پیگیری‌های بعدی و مکاتباتی از سوی ریاست سازمان با ریاست قوه قضائیه به منظور بهره‌مندی از امکانات رفاهی شهرهای مشهد و قم، منجر به آن شد که در آخرین مرحله، از ما بانک اطلاعاتی پرسنل با نوع سابقه استخدامی و سوابق و پست سازمانی خواستند که امیدواریم در همین روزهای پایانی سال تقدیم خواهیم کرد تا در سال آینده امکان استفاده وجود داشته باشد.

- آیا امکاناتی از قوه قضائیه که قرار است در آینده نزدیک مورد استفاده سازمان قرار گیرد، صرفاً جهت مدیران خواهد بود؟

خیر، تلاش است که امکانات شامل همه شود. هر چند با توجه به سوابق استخدامی که قوه قضاییه خواسته به نظر می‌رسد نیروهای رسمی و پیمانی در اولویت باشند.

- برنامه‌هایتان برای سال ۱۳۹۴ چیست؟

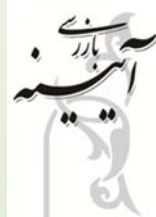
در مدت چند ماهه خدمتم، چند اصل را برای همکارانم قرار دادم و خواستم بر این اساس کار را پیش ببرند. در جلسه اول، به مدیران حوزه اعلام کردم که ما در واقع اداره کل پاسخگو هستیم، لذا باید پاسخگویی به بهترین نحو و با روی خوش و با اطلاع از آن چه که وظیفه ماست انجام شود. سعی کنید کارها در قالب نظم، پیگیری و پاسخ به موقع انجام شود.

اداره رفاه حکم ویتترین را برای سازمان دارد. در این حوزه تأکید دارم که وظیفه ما صرفاً تمدید دفترچه بیمه نیست. بهره‌گیری و الگو برداری از ادارات رفاه موفق مدنظر قرار خواهد گرفت. هر امر رفاهی در سازمان قابل انجام دادن است منوط به دو موضوع ۱- دستور و تصمیم سلسله مراتب اداری ۲- بضاعت مالی

با لحاظ این دو مورد حتماً هر امر رفاهی را انجام خواهیم داد. در سایر موارد نیز تغییراتی در حوزه‌های دیگر داشتیم. یکپارچه‌سازی خدمات و تأسیسات از جمله این تغییرات است.

به عنون سرلوحه برنامه در پشتیبانی، فکر می‌کنم سال آینده سال ارتقای رفاهیات باشد با توجه به رویکردی که از طرف ریاست محترم سازمان و معاونت محترم برنامه‌ریزی امور مجلس وجود دارد. این است که سعی داریم در کنار استفاده از امکانات اقامتی قوه قضاییه، اماکن اقامتی استان‌ها را تجهیز و ارتقاء دهیم. خوشبختانه در سال گذشته در دو استان مازندران و گیلان، اماکن اقامتی تجهیز شد.





– نظر به سوابق جنابعالی در حوزه صف و ستاد، کدام حوزه کاری برای تان جالب‌تر و شیرین‌تر بوده است؟

سال‌هایی که در حوزه صف بودم، شاید نوع سنخیت کار در حوزه نهادهای انقلاب اسلامی این موضوع قوی‌تر بود که همیشه به همکاران جدید ورود می‌گفتم که کار ما در این حوزه صرفاً بازرسی نیست. بخشی از اموری که انجام می‌دهیم چون مخاطبین ما، خانواده معزز ایثارگرانند و یا کمیته امام (ره) هستند. ذخیره آخرت است. این را می‌توان به همه حوزه‌های سازمان بسط و تسری داد. اگر مشکلی را از مشکلات مردم باز کنیم ثمرات آن را خواهیم دید. صف و ستاد کاملاً دو مقوله جدا از هم هستند. اوایل که وارد این حوزه شده بودم خیلی از عزیزان صف گفتند که این کار، بسیار سخت است. شانس‌ی که من داشتم این بود که از حوزه اجرا به صف آمده بودم. خوب بعد از ده سال از حوزه نظارت به اجرا برگشتم، با افتخار می‌گویم که جایی کار تشکیلاتی و اجرا را شروع کردم که یک دولت بود. یعنی هم کار اجرایی و هم اجتماعی و هم نظامی و سیاسی داشت و آن مسجد بود. کار تشکیلاتی را از مسجد شروع کردم. سلسله مراتب اداری را از مکتب امام جماعت یاد گرفتم. ورودم به این حوزه بعد از سال‌ها از حوزه اجرا، قطعاً همراه سختی‌ها بود. ولی با توکل به خدا امور را به روز کردیم. در بسیاری از حوزه‌ها از جمله نقلیه کار سیستمی شد. نقش عوامل انسانی را به حداقل رساندیم. در کل نمی‌شود گفت که حوزه صف سخت است یا ستاد. چون من عرق و تعصبی به صف دارم. در حوزه صف کار پراسترس و سختی می‌باشد. تا کسی در این جایگاه قرار نگیرد شاید عرایض من را متوجه نشود. حوزه پشتیبانی هم جدا از سایر امور ستادی است. یک اداره کل پاسخگو در همه موارد و در همه سطوح. اعم از مدیران تا دیگر

رده‌ها از ما انتظار پاسخگویی به موقع و خوب را دارند هر چند با سلاقی متفاوت. تأمین نظر همه پرسنل در زمان واحد بسیار سخت است.

– یک سوال شخصی؛ آیا در منزل به خانواده کمک می‌کنید؟

اصولاً در منزل زیاد کار می‌کنم. و این برمی‌گردد به اینکه سال‌ها به دور از خانواده زندگی تنهایی داشتم و مجبور بودم امورات را انجام دهم. در حال حاضر شاید بیشترین وقتم را در آشپزخانه بگذرانم. بسیاری از غذاها را بهتر از همسرم درست می‌کنم. فکر می‌کنم کمک به اهل منزل وظیفه یک فرد مسلمان فارغ از هرگونه تعصبی است.

– روزهای تعطیل چه برنامه‌ای دارید؟

معمولاً روزهای تعطیل برای روزهای هفته برنامه‌ریزی می‌کنم. امور شخصی‌ام را می‌نویسم. امور اداری‌ام را نیز در سررسیدم می‌نویسم. اگر برنامه‌ای برای صله رحم یا تفریح باشد، حتماً از قبل یادداشت شده است. بدون برنامه نمی‌توانم تصمیم بگیرم و اقدام کنم. در حال حاضر پنجشنبه‌ها محل کار هستم. زیاد اهل تلویزیون نیستم. فکر می‌کنم در طول عمرم دو یا چند بار سینما رفته باشم. ولی به مرور اخبار را رصد می‌کنم.

– با ورزش چه ارتباطی دارید؟

از اواخر دبستان بسکتبالیست بودم. در سال ۱۳۷۰ به اردوی تیم ملی نوجوانان دعوت شدم. در مجله کیهان ورزشی بهمن ماه سال ۱۳۷۰ دربین اسامی دعوت‌شدگان به تیم ملی بود. داور بسکتبال هستم. ولی به دلیل ضایعه‌ای که در ستون فقراتم افتاد در ورزش محدودیت دارم. برای شنا و پیاده روی وقت می‌گذارم.



در گفت و گو با مسعود حیدری معاون بازرسی امور آموزشی و پژوهشی بررسی شد

نحوه تأسیس و ضرورت ایجاد مجتمع های آموزشی توسط وزارت آموزش و پرورش



سال ششم / شماره شصت و ششم / ویژه نامه بهار ۱۳۹۴

پرورشی موجود در مدارس زیرمجموعه مجتمع های مورد بحث تأثیر کیفی چندانی نداشته است.

در این خصوص با آقای مسعود حیدری معاون بازرسی امور آموزشی و پژوهشی گفت و گو کردیم. که حاصل آن به شرح ذیل می باشد.

مجتمع های آموزشی به چه منظور تشکیل شد؟

طرح تأسیس مجتمع های آموزشی تربیتی در ششصد و هفتاد و دومین جلسه مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۳ شورای عالی آموزش و پرورش با هدف توسعه اختیارات مدارس، کاهش سلسله مراتب اداری، ترویج کار گروهی و ارتقای کیفی مدارس دولتی، استفاده

ایجاد مجتمع های آموزشی و پرورشی که تحت لوای مطالب و عناوین کلی نظیر: در راستای اهداف تحول راهبردی آموزش و پرورش بودن، اثربخشی و ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت در مدارس و . . . راه اندازی شده اند؛ در عمل به دلیل عدم فراهم سازی زمینه ها و زیرساخت های لازم متناسب با اهداف عنوان شده و بدون در نظر گرفتن شرایط و قابلیت های موجود هریک از مناطق آموزش و پرورش با مشکلات اجرایی فراوانی مواجه گردیده اند. بنابراین ایجاد مجتمع های آموزشی و پرورشی نه تنها اهداف و نیات مورد انتظار تعلیم و تربیت در خصوص گروه های هدف را تأمین نکرد بلکه در روند امور آموزشی و

مناسب از منابع مالی و انسانی و فضاهای فیزیکی و کاهش نابرابری در دستیابی به فرصت های آموزشی به تصویب رسیده است.

طرح مذکور قبلاً در سال تحصیلی ۸۲-۸۱ در (۱۴) استان با تأسیس (۵۹) مجتمع و پوشش (۴۷۱) مدرسه و ۱۴۷۸۸۱ دانش آموز به صورت داوطلبانه و محدود به اجرا درآمد. با توجه به ارزشیابی انجام شده توسط پژوهشگاه آموزش و پرورش از نحوه اجراء و میزان تحقق اهداف طرح و ارائه گزارش آن، موضوع در جلسه (۷۲۶) مورخ ۱۳۸۴/۸/۲ شورای عالی آموزش و پرورش مطرح و مصوب گردید: « اجرای طرح موقتاً متوقف شود. »

این وضعیت تا سال ۱۳۸۹ مسکوت مانده است. از سال تحصیلی ۹۰-۸۹ طی آئین نامه ای که در جلسه (۸۳۰) مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۳ در قالب (۸) ماده و (۷) تبصره به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید، ابتدا مجتمع های آموزشی و پرورشی روستایی و عشایری راه اندازی شد و در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ مجتمع های آموزشی و پرورشی مناطق شهری نیز که طی آئین نامه مصوب جلسه (۸۴۱) مورخ ۱۳۹۰/۳/۱۷ شورای عالی مذکور در قالب (۱۶) ماده و (۱۴) تبصره به تصویب رسید، تأسیس گردید.

مبنای قانونی این طرح چه بود؟

با نگاهی به مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی ابلاغی آذرماه ۱۳۹۰، ملاحظه شد که راهکار ۷/۲۱ یکی از ۱۳۰ سلسله راهکارها برای تحقق هدفهای کلان پیش بینی شده در فصل پنجم سند مذکور و مربوط به مبحث بازنگری و بازمهندسی ساختارها و رویه ها و روش ها از فصل هفتم (هدف های عملیاتی و راهکارها) سند موصوف می باشد. (۱)

آموزش و پرورش با بهره گیری از راهکار مذکور مجتمع های آموزشی را تأمین نموده است در صورتی که اعمال مدیریت یکپارچه تربیتی در طول مدت تحصیل دانش آموزان و ایجاد فرصت بیشتر برای ارتقای فعالیت های آموزشی و تربیتی که به عنوان یکی از راهکارها در این سند و در مبحث مربوط به بازنگری و بازمهندسی ساختارها و رویه و روش ها پیش بینی شده است، مستلزم تحقق راهکارهای پیشین این مبحث و همچنین تحقق همزمانی بسیاری از راهکارهای پیش بینی شده در دیگر مباحث سند موصوف می باشد، نه اینکه بدون تحقق سایر راهکارها فقط این راهکار (راهکار ۷/۲۱) را مبنای قانونی برای چنین اقدامی یعنی ایجاد مجتمع های آموزشی و پرورشی بدون فراهم سازی سایر زیرساخت ها قرار داد و با این اقدام انتزاعی، انتظار ایجاد تحول بنیادی در نظام آموزشی و پرورشی کشور را داشته باشیم.

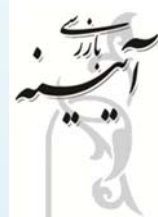
تأسیس و ایجاد مجتمع های آموزشی در حالی صورت گرفته که آموزش و پرورش در حال حاضر دارای مدارس شبانه روزی، روستا مرکزی و خوابگاه مرکزی با فعالیت های مشابه در سطح کشور (۲) می باشد.

.....

در واقع سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نقشه راهی است که در آن با الهام گیری از اسناد بالادستی و بهره گیری از ارزش های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شده است.

(۲) مدارس روستا مرکزی:

این نوع مدارس با مرکزیت یک روستا تشکیل شده اند.





مدارس شبانه‌روزی:

از آنجا که راهکار پیشین یعنی ایجاد مدارس روستا مرکزی برای همه نقاط روستایی و عشایری به دلیل شرایط جغرافیایی و اقلیمی و «صعب العبور» بودن آن مناطق، امکان پذیر نمی باشد. بدین منظور ایجاد مدارس شبانه‌روزی، مدنظر برنامه‌ریزان آموزش و پرورش قرار گرفت.

مدارس خوابگاه مرکزی:

باتوجه به ناکافی بودن ظرفیت مدارس شبانه‌روزی و مشکلات اجرایی مدارس روستا مرکزی، به ناچار تعداد بسیاری از دانش آموزان روستایی که دوره ابتدایی را به اتمام می رسانند جذب دوره تحصیلی راهنمایی و پس از آن دوره متوسطه نگردیده و از تحصیل باز می‌مانند. به همین منظور به صورت موردی و پراکنده خوابگاههای دانش آموزی در برخی از استانهای کشور دایر گردیده بود.

ایجاد مجتمع های آموزشی در روند آموزشی

و پرورشی دانش آموزان چه آثار و تبعاتی داشت؟

به منظور پاسخ گویی به سوال فوق در ابتدا می‌بایستی برای سوالات زیر پاسخ مناسبی پیدا نمود:

۱- دلایل توجیهی ایجاد مجتمع های آموزشی و پرورشی در نظام آموزش و پرورش ایران چیست؟

۲- آیا مطالعات و پژوهشی در خصوص ضرورت ایجاد مجتمع های مذکور (اعم از روستایی، عشایری و شهری) در ایران انجام گرفته است؟

مسئولین آموزش و پرورش برای سوالات فوق پاسخ قابل توجهی نداشته اند و صرفا به راهکار ۲۱/۷ سند بنیادین و عدم پژوهش اشاره نموده اند.

بررسی عملکرد مجتمع های مذکور نشان می دهد:



الف- مدیران مجتمع‌ها در ارتباط با سه دوره تحصیلی از تخصص کافی برای مدیریت همه مجموعه برخوردار نمی‌باشند.

ب- به لحاظ بعد مسافت مدارس تابع از واحد مرکزی محل استقرار مجتمع‌ها و همچنین نبود وسیله نقلیه، امکان نظارت توسط مدیران مجتمع انجام نمی‌گیرد.

ج- عدم توفیق مدیران مجتمع‌ها از انجام وظائفی که برای آنها تعریف شده است به علت حجم کار زیاد و گسترده می‌باشد.

د- نظارت و ارزیابی صحیح از عملکرد مدیران مجتمع‌ها توسط مناطق و نواحی آموزش و پرورش مربوط صورت نمی‌گیرد.

ه- کمبود یا عدم فضای (ساختمان) مناسب برای استقرار مدیریت مجتمع‌ها (واحد مرکزی محل استقرار مجتمع‌ها) مشاهده شد.

و- معلمان و دانش‌آموزان مدارس عشایری به امکانات و وسایل آموزشی و پرورشی به لحاظ «صعب العبور» بودن جاده‌های روستایی و عشایری دسترسی ندارند.

تأخیر در رفع نیازمندی‌های مدارس زیرمجموعه مجتمع‌ها بر اثر تجمع حق سرانه مدارس تابعه در مرکز مجتمع و در نتیجه ایجاد عدم رضایتمندی مدیران و معاونان مدارس تابعه و به دنبال آن کاهش کیفیت تعلیم و تربیت دانش‌آموزان مربوط، حاصل شده است.

ح- تشکیل مجتمع‌ها موجب به خدمت گماری نیروهای کیفی مدارس تابعه و همچنین امکانات در مراکز مجتمع‌ها شده و در نتیجه به محرومیت مدارس تابعه افزوده شده است.

ط- ارتباط مدیران و معاونان مدارس تحت پوشش مجتمع‌ها با مناطق و نواحی آموزش و پرورش مربوط بر اثر ایجاد این لایه و حلقه مدیریتی جدید، قطع شده است.

ی- اولیاء دانش‌آموزان در مراجعه به مدیران مدارس تابعه یا مجتمع برای آگاهی از وضعیت تحصیلی و تربیتی فرزندان خود سرگردان شده‌اند.

ک- نقش و جایگاه انجمن اولیاء و مربیان هریک از مدارس تابع مجتمع‌ها به دلیل تجمع تنزل یافته است.

جمع‌بندی بازرسی امور آموزشی و پژوهشی سازمان بازرسی در این خصوص چیست؟

نتایج حاصله از بررسی موضوع نشان می‌دهد آموزش و پرورش راهکار ۲۱/۷ مندرج در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی ابلاغی در آذر ۱۳۹۰ را به عنوان مبنای قانونی ایجاد مجتمع‌های آموزشی و پرورشی اعلام نموده است. حال آنکه راهکار ۲۱/۷ یکی از ۱۳۰ سلسله راهکارها برای تحقق هدف‌های کلان پیش‌بینی شده در فصل هفتم (هدف‌های عملیاتی و راهکارها) سند موصوف می‌باشد. بنابراین راهکار مذکور که اولویت بخشی به رویکرد مدیریت مجتمع‌های آموزشی و تربیتی را به منظور اعمال مدیریت یکپارچه تربیتی در طول مدت تحصیل دانش‌آموزان و ایجاد فرصت بیشتر برای ارتقای فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مدنظر قرار داده است، مستلزم تحقق راهکارهای پیشین این مبحث می‌باشد. حال در شرایط کنونی و وضعیت موجود بدون تحقق سایر راهکارهای مذکور و فراهم‌سازی زیرساخت‌های لازم نمی‌توان یکپارچه‌سازی امور آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان به خصوص دانش‌آموزان مناطق



روستایی و عشایری را از سازو کار ایجاد مجتمع های آموزشی و پرورشی انتظار داشت.

با توجه به اینکه از عملکرد مجتمع های آموزشی و تربیتی که در گذشته به صورت آزمایشی در کشورمان راه اندازی و طی یک دوره زمانی مشخص توسط پژوهشگران پژوهشگاه آموزش و پرورش مورد بررسی و سنجش قرار گرفته و ناموفق ارزیابی شده به همین سبب ادامه فعالیت آنها متوقف گردیده است. بنابراین تأسیس مجدد مجتمع های آموزشی و پرورشی با داشتن چنین پیشینه ای از توجیه منطقی برخوردار نبوده است.

علاوه بر این از زمان راه اندازی آنها به شکل فعلی، مطالعات و پژوهشی در خصوص نحوه اجرا و میزان تحقق اهداف مورد انتظار ارائه نگردیده است.

از سوی سازمان چه پیشنهادی به وزارت آموزش و پرورش ارائه و نتیجه کار شد؟

(۱) وزارت آموزش و پرورش با توجه به اوضاع و احوال هر منطقه آموزشی و پرورشی از راههای مقرر در بند (د) ماده (۱۹) قانون برنامه پنجم توسعه کشور مبنی بر توسعه آموزش از راه دور و گسترش مدارس شبانه روزی بهره گیری نماید.

(۲) ایجاد مجتمع های آموزشی و پرورشی که از یک طرف تأثیر کیفی مطلوبی در امور آموزشی و پرورشی دانش آموزان مدارس تحت پوشش نداشته و از سوی دیگر چنین اقدامی موجبات ایجاد حلقه واسط مدیریتی در ساختار مدیریت آموزشی و پرورشی تحت عنوان «مدیریت مجتمع» گردیده موجبات کندی امور اجرایی مدارس تحت پوشش را فراهم نموده و از آنجا که این امر با سیاست های انقباضی دولت نیز در تعارض می باشد، (از طرفی وجود مدارس هم ارز مانند شبانه روزی، روستا مرکزی و خوابگاه مرکزی مزید بر علت است.) لازم است موضوع ادامه فعالیت مجتمع های آموزشی بویژه مجتمع آموزشی شهری در شورای عالی آموزش و پرورش مطرح و در خصوص ادامه فعالیت آن تصمیم گیری شود.

(۳) وزارت آموزش و پرورش در حوزه واحدهای آموزشی روستایی و عشایری با حذف مجتمع های موصوف، نسبت به احیای طرح معلمان راهنمایی تعلیماتی روستایی و عشایری همراه با ارتقاء سطح سازمانی معلمان راهنمایی تعلیماتی و رفع ضعف ها و تنگناهای گذشته و یا استفاده از خدمات مدارس شبانه روزی، روستا مرکزی و خوابگاه مرکزی، اقدام نماید. پس از ارسال گزارش به مبادی ذی ربط، وزیر آموزش و پرورش در مصاحبه ای اعلام کرد به تدریج مجتمع های مذکور را منحل خواهد کرد.



سهام بی نام مانعی بر سر اجرای قانون منع مداخله کارکنان

در معاملات دولتی و قانون مبارزه با پولشویی

محمد کشوریان مقدم

کارشناس دبیرخانه منطقه (۲)

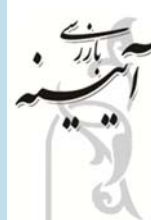
منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلس و کارکنان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۲۲ «موسوم به قانون منع مداخله ایجاد نماید. شایان ذکر است که حسب مفاد بندهای (۷) و (۸) ماده یک این لایحه قانونی، شرکت‌هایی که کارکنان دولت یا شهرداری‌ها (به طور کلی افراد مندرج در بندهای یک تا شش ماده یک قانون مورد اشاره) منفرداً مالک حداقل (۵) درصد سهام و یا مجتمعاً مالک حداقل ۲۰ درصد سهام آنها می باشند یا شرکت‌هایی که اکثریت سهام آنها متعلق به شرکت‌های مزبور است، نمی توانند با دولت وارد معامله و یا داوری گردند. معاملاتی که این گونه شرکت‌ها با دولت انجام می دهند باطل بوده و خاطیان (چه در طرف دولت و چه شرکت خصوصی) به مجازات حبس از دو تا چهار سال محکوم می شوند. در قانون مزبور حتی برای صرف شرکت در مزایده و مناقصه دستگاه دولتی نیز (ولو این که شرکت کننده برنده اعلام نگردد) مجازات مزبور در نظر گرفته شده است که این امر حاکی از اهمیتی است که قانونگذار برای دور نگه داشتن کارکنان دولت و شهرداری‌ها از معاملات دولتی و تضمین شفافیت این نوع معاملات مد نظر داشته است. علت اصرار قانونگذار بر عدم مداخله این قسم کارکنان در معاملات دولتی، احتمال برخورداری

در «لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴»، صدور سهام بی نام برای شرکت های سهامی خاص و عام بدون هیچ گونه محدودیتی مجاز دانسته شده است (تبصره یک ماده ۲۴). علاوه بر این امکان تبدیل سهام بی نام شرکت‌ها به سهام با نام و بالعکس نیز با رعایت شرایطی، تجویز گردیده است (مواد ۴۳ الی ۵۰). در ماده ۳۹ این قانون، سهم بی نام این گونه تعریف شده است:

«سهم بی نام بصورت سند در وجه حامل تنظیم و مالک، دارنده آن شناخته می شود مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال این گونه سهام به قبض و اقباض به عمل می آید. گواهی نامه موقت سهام بی نام در حکم سهام بی نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهام بی نام می باشد.»

به استناد قانون مزبور، می توان شرکت‌هایی با وضعیت نزدیک به صد درصد سهام بی نام به ثبت رساند. هر چند در عمل شاید نتوان مصداقی برای این گونه شرکت‌ها یافت اما محدودیت قانونی نیز برای ثبت این گونه شرکت‌ها نمی توان متصور گردید.

انتشار سهام بی نام آن هم به صورت نامحدود می تواند مانعی بر سر اجرای «لایحه قانونی راجع به





است. در ماده ۴۱۵ لایحه، سهم بی نام این گونه تعریف شده است: «سهم بی نام سند در وجه حامل محسوب و دارنده، مالک آن شناخته می شود، مگر خلاف آن ثابت گردد. این گونه سهام با قبض و اقباض واگذار می شود.»

در این لایحه، انتشار سهام بی نام برای شرکت های سهامی عام، حداکثر به میزان ۳۰ درصد سرمایه ثابتی آنها مجاز دانسته شده و برای شرکت های سهامی خاص انتشار این نوع سهام ممنوع اعلام گردیده است. در ماده ۴۷۷ این لایحه نیز تصریح شده است که... «شرکت سهامی خاص نمی تواند بی نام باشد. شرکت های سهامی خاصی که پیش از تصویب این قانون سهام بی نام منتشر کرده اند باید ظرف دو سال کلیه سهام بی نام شرکت را با رعایت مقررات مربوط به سهام با نام تبدیل کنند.» در لایحه تجارت امکان تبدیل سهام بی نام به سهام با نام مجاز اعلام گردیده لکن تبدیل سهام با نام به سهام بی نام تجویز نشده است.

شایان ذکر است که حسب مواد ۱۴۳ و ۱۴۴ لایحه تجارت، تعداد شرکت های تجاری از (۷) نوع مندرج

کارکنان از اطلاعات نهانی دستگاه و قدرت تأثیرگذاری آنان بر فرآیند انتخاب برنده بوده است. مع الوصف با اجازه صادره در «لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت» مبنی بر امکان انتشار نامحدود سهام بی نام، کارکنان دولت و شهرداری ها می توانند با خرید سهام بی نام شرکت های سهامی (چه عام و چه خاص) و بهره گیری از رانت اطلاعاتی که دارند وارد معاملات ناصواب با دولت گردیده بدون این که دغدغه شمولیت قانون منع مداخله برخورد را داشته باشند چرا که اساساً ردیابی و اثبات وقوع این جرم در چنین شرکت هایی ممکن نمی باشد. علاوه بر این، انتشار سهام بی نام می تواند مانعی نیز بر سر اجرای قانون مبارزه با پولشویی ایجاد نماید. مبنای قانون مبارزه با پولشویی، شفافیت و امکان رصد نحوه کسب درآمد و ثروت های مشکوک اشخاص است که با هدف انتشار سهام بی نام که همانا اختفاء هویت دارندگان آن است ناسازگار می باشد.

در لایحه تجارت که در تاریخ ۱۳۹۱/۱/۲۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده لکن تاکنون به تصویب شورای نگهبان نرسیده است نیز انتشار سهام بی نام با قید محدودیت هایی پیش بینی گردیده



ماده ۴۱۹- سهام بی نام با رعایت مفاد این قانون و مطابق اساسنامه یا بر اساس تصمیم مجمع عمومی فوق العاده به سهام با نام تبدیل می شود. تبدیل سهام با نام به بی نام مجاز نیست.

ماده ۱۴۳- شرکت تجارتي یازده نوع است: سهامی عام، سهامی خاص، با مسئولیت محدود، تصامنی، نسبی، مختلط سهامی عام، مختلط سهامی خاص، مختلط غیر سهامی، تعاونی سهامی عام، تعاونی سهامی خاص و تعاونی غیر سهامی

ماده ۱۴۴- علاوه بر انواع شرکت های مذکور در ماده ۱۴۳ این قانون شرکت تجارتي می تواند طبق مقررات خاصی که با تراضی شرکا و یا سهامداران معین می شود با هر میزان سرمایه تشکیل شود ولی در هر حال رعایت احکام مندرج در فصل های اول و سوم این باب الزامی است.

پیشنهاد اجرایی

هرچند در حال حاضر شاید سوءجریان عمده ای به واسطه انتشار سهام بی نام در کشور رخ نداده باشد لکن جهت رفع اشکال مطرح شده و مسدود نمودن خلایبی که می تواند منشاء بروز فساد گردد دو اقدام قابل تصور است. اول آنکه با تصویب اصلاحیه ای بر «لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلس و کارکنان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۲۲»، معاملات دستگاه های دولتی و شهرداری ها با شرکت هایی که سهام بی نام آنها (۵) درصد و بیشتر است ممنوع اعلام گردد و دوم آنکه با تصویب اصلاحیه ای بر «لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت»، صدور سهام بی نام برای شرکت های سهامی به کمتر از (۵) درصد سهام آنها محدود شود و این محدودیت در لایحه تجارت نیز پیش بینی گردد.

در «لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت» به حداقل ۱۱ مورد افزایش یافته لکن انتشار سهام بی نام، صرفاً برای شرکت های سهامی عام مجاز شمرده شده است. هر چند در لایحه تجارت صدور سهام بی نام برای شرکت های سهامی خاص- چه شرکت هایی که پس از تصویب این لایحه به ثبت می رسند و چه شرکت هایی که قبلاً ثبت شده اند- ممنوع اعلام گردیده و محدودیت ۳۰ درصدی نیز برای سهام شرکت های سهامی عام در نظر گرفته شده است مع الوصف سقف تعیین شده کماکان می تواند مانعی بر سر راه اجرای صحیح قانون منع مداخله کارکنان در معاملات دولتی و همچنین قانون مبارزه با پولشویی باشد.

در مجموع در «لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت» در ۱۵ ماده (مواد ۷، ۸، ۲۴، ۳۰، ۳۹، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۱۷۰، ۲۴۳ و ۲۴۴) و در «لایحه تجارت» در ۱۷ ماده (مواد ۳۷۸، ۳۹۷، ۴۰۰، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۱۵، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۵۷، ۴۷۷، ۵۱۴، ۵۴۶، ۶۴۸ و ۸۶۹) از سهام بی نام یاد گردیده است.

ماده ۲۴- سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص [کننده] میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می باشد. ورقه سهم سند قابل معامله ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

تبصره ۱- سهم ممکن است با نام یا بی نام باشد.

ماده ۳۹۷- ورقه سهم سندی قابل معامله و نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. ورقه سهم می تواند با نام یا بی نام باشد لکن پذیره نویسی سهام بی نام بیش از سی درصد کل سهام شرکت باطل است.



سرمایه اجتماعی؛ دولت پاسخگو و تحکیم اعتماد عمومی

دکتر شعبان نجف‌پور

رئیس گروه صیانت از حقوق شهروندی مرکز ملی رسیدگی به شکایات

رده‌های بالاتر از خود بود. امام علی(ع) والیان و مدیران خود را به شدت حسابرسی می‌کرد و ذره‌ای در این راه فروگذار نبود. والیان و استانداران نیز که از شیوه حکومت امام علی(ع) اطلاع داشتند، خود را موظف به پاسخگویی می‌دیدند و به آن تن می‌دادند.

پاسخگویی به مردم توسط دولت سبب ایجاد اعتماد و افزایش آن در بین مردم می‌گردد. اعتماد نیز از بنیادی ترین اصول سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. سرمایه‌ی اجتماعی از جمله مفاهیم چند وجهی در علوم اجتماعی است که در اوایل قرن بیستم به صورت علمی و آکادمیک مطرح و از سال ۱۹۸۰ وارد متون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی شد و ابتدا توسط جاکوبز، بوردیو، پارسون و لوری مطرح می‌شود، اما توسط کسانی چون کلمن، بارت، پانتام و پرتز بسط و گسترش داده می‌شود. کاربرد مفهوم سرمایه اجتماعی بصورت آنچه که امروزه مدنظر است به تدریج در دهه ۱۹۹۰ رایج شده است اما این بدان معنای نیست که در آثار جامعه‌شناسان کلاسیک اثری از این مفهوم نباشد، در آثار اندیشمندان و جامعه‌شناسانی چون مارکس و وبر و دورکیم می‌توان به جستجوی این مفهوم پرداخت و در اندیشمندانی چون مارکس، امیل دورکیم، وبر و پارسونز به مفاهیمی همچون اضطراب؛ نفع جمعی، ارزشها و اعتماد اجتماعی توجه شده که هر یک ابعادی از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را در بر می‌گیرد. بیشتر نظریه پردازان سرمایه اجتماعی بر

اگر انسان را از دیدگاه اسلام، «موجودی پاسخگو» تعریف کنیم، شاید سخنی به گزاف نگفته باشیم. معاد یکی از اصول دین اسلام است که به موجب آن انسان باید پاسخگوی تمام رفتارهای خود باشد.

اگر هدف این پاسخگویی را سالم‌سازی علمکرد انسان و وادار ساختن او به رفتار درست مبتنی بر محاسبه و تعقل و پابندی به مجموعه‌ای از اصول و ارزشها بدانیم، آن‌گاه پاسخگویی در حوزه سیاست و اجتماع نیز ضرورت تام پیدا می‌کند. پاسخگویی در اسلام، از درون انسان و پاسخگویی او به خودش آغاز می‌شود و به حوزه‌های سیاسی- اجتماعی راه می‌یابد. احتمال وجود و بروز خطا، پیشگیری از فساد احتمالی، جلوگیری از تضییع منابع و امکانات، انتخاب بهترین شیوه در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری و احقاق حقوق شهروندان را می‌توان از دلایل ضرورت پاسخگویی در نظام سیاسی برشمرد. به همین دلیل، پاسخگویی در حکومت حضرت علی(ع) از جایگاه و اهمیت بالایی برخوردار بود. او استانداران خود را موظف می‌کرد که به مردم پاسخگو باشند و حتی ظن و گمانهای منفی آنان را از طریق پاسخگویی شفاف از بین ببرند. خود حضرت علی(ع) نیز، به عنوان حاکم جامعه، به طور مستقیم به اطرافیانش و مردم پاسخگو بود و در این راه درستیهای آنان را نیز تحمل می‌کرد. دومین نوع پاسخگویی در حکومت امام علی(ع)، پاسخگویی درونی نظام سیاسی و به عبارت دیگر، پاسخگویی مدیران به





تأثیر سرمایه اجتماعی بر رژیم سیاسی تأکید می کنند و معتقدند که سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از مفاهیم مانند اعتماد، هنجارها و شبکه ها تشکیل می دهند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنها را در سطح کلان جامعه تأمین می کنند. سرمایه اجتماعی حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی است و از طرف دیگر افزایش آن می تواند به پایین آمدن سطح هزینه های اجتماعی و هزینه های عملیاتی سازمان بیانجامد. لذا ظهور و تقویت اعتماد اجتماعی به طور غیرمستقیم تسهیل کننده همکاری اعضای جامعه برای رسیدن به منافع مشترک است. اعتماد می تواند با جذب مردم، دولتمردان و نخبگان به یکدیگر موجب توسعه سیاسی شود. اعتماد، منبع با ارزشی از سرمایه محسوب می شود که اگر در کشوری به میزان زیاد وجود داشته باشد به همان اندازه رشد سیاسی و توسعه اقتصادی بیشتر خواهد شد و یکی از عناصر کلیدی در توسعه مناسبات اجتماعی است. همچنین اعتماد عمومی برای دولت، به مثابه سرمایه اجتماعی است. بقا و دوام دولت ها، تا حد زیادی، وابسته به میزان برخورداری دولت از این سرمایه است. بنابراین جلب اعتماد عمومی و تقویت آن برای تمامی دولت ها ضروری است. دولت به عنوان یکی از منابع سرمایه اجتماعی در شکل گیری اعتماد اجتماعی در جامعه نقش اساسی دارد و در عین حال از وجود و ظهور این پدیده در جامعه نهایتاً منتفع خواهد شد، چرا که در موارد بسیاری غالباً خود نیز هدف چنین اعتماد واقع می شود. اگر مردم تصور کنند که دولت به آنان دروغ می گوید و در حال انجام کاری به غیر چیزی است که ادعا می کند، آنگاه نمی توان توسعه اقتصادی را در جامعه انتظار داشت، زیرا مشکل اطمینان و اعتماد در آن حل نشده است.

لذا اعتماد مردم برای مسئولین نظام سرمایه گران بهایی است، که به سادگی به دست نمی آید، اما به

سادگی از دست می رود. دولت با جلب اعتماد عمومی، مشارکت سیاسی و اجتماعی آنان در صحنه های مختلف را به نفع خود تضمین می کند. مشارکت اجتماعی و شرکت مردم در انتخابات پشتمردمی و نشان دهنده مقبولیت و محبوبیت دولت در نزد مردم است. از طرف دیگر دولت، با تشدید اعتماد مردم نسبت به خود، می تواند از مشارکت همه جانبه مردم در اجرای پروژه ها و برنامه های مختلف فرهنگی - اجتماعی، برخوردار گردد. به علاوه دولتی که از سرمایه گران بهای اعتماد اجتماعی در حد بالایی برخوردار است، به دلیل پشتمردمی قوی مردمی، از هیچ بحران و فشار داخلی و خارجی ترس و واهمه ای نخواهد داشت، زیرا مردم به دلیل اعتماد، در کنار دولت، با هرگونه مشکلی مقابله خواهند کرد. بر این اساس، جلب اعتماد اجتماعی یک ضرورت غیر قابل انکار است و تلاش برای حفظ آن نیز ضرورتی حیاتی است. البته این ضرورت تنها برای دولت ها مطرح نمی شود، بلکه افراد در زندگی اجتماعی خود نیز نیاز به جلب اعتماد دیگران و اعتماد دیگران به دیگران دارند.

با توجه به این که دولت نماینده ی مردم است، باید در مورد عملکرد و تصمیمات خود به مردم پاسخ گو باشد. از طرفی پاسخ گویی یکی از حقوق مسلم شهروندان است و در مقابل، وظیفه دولت پاسخ گویی است. به علاوه، پاسخ گویی از طریق شفاف سازی اطلاع رسانی و از رونق انداختن بازار شایعات علیه دولت، نگرش مردم را نسبت به دولت مثبت تر کرده و این گرایش مثبت، اعتماد مردم نسبت به دولت را افزایش می دهد که هدفی عالی محسوب می شود. از اینرو دولت ها از طریق پاسخ گویی شفاف و مسئولانه می توانند پایه های اعتماد عمومی را تحکیم نموده و با تقویت این سرمایه ی اجتماعی، پشتمردمی خود را تقویت نمایند. تمامی ادارات، سازمان ها و شرکت های وابسته به دولت نیز باید پاسخ گویی به مردم را یک وظیفه اساسی بدانند. علاوه بر این که پاسخ گویی



وظیفه دولت است، می‌تواند در تشدید و تقویت اعتماد اجتماعی نسبت به دولت نقش مهمی ایفا نماید. در شرایطی که مجاری موثق اطلاع رسانی در جامعه وجود نداشته باشد، و یا این مجاری به درستی نقش اطلاع‌رسانی خود را ایفا ننماید، بازار شایعه و دروغ‌پردازی داغ خواهد شد و اطلاعات غلط و نادرست، اعتماد مردم نسبت به مسئولین را سست خواهند نمود و رواج شایعات یقین و اعتماد را متزلزل خواهد کرد. پاسخ‌گویی دولت و مسئولین مربوطه، چنانچه با صداقت و شفافیت همراه باشد، بازار شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی را از رونق خواهد انداخت.

بنابراین پاسخ‌گویی یکی از ارزش‌های کلیدی مستخدمان کشوری در دموکراسی‌ها و بخصوص در دموکراسی‌های پیشرفته است. بر اساس برخی یافته‌های صاحب‌نظران با توجه به اینکه در سالیان اخیر اعتماد عمومی نسبت به بخش دولتی عمده‌تاً با کاهش مواجه بوده است تقاضا و فشار برای افزایش پاسخ‌گویی در بخش عمومی نسبت به گذشته بیشتر شده است. علت آن است که ماهیت بخش عمومی دائماً در حال تغییر است. این بخش از نظر اندازه، منابع و مسئولیت‌ها رشد پیدا کرده و نوعی رقابت و کارآفرینی را در چارچوب مدیریت‌گرایی به خود دیده است. در حقیقت شواهد نشان می‌دهد که افزایش منابع و مسئولیت‌های این بخش با میزان پاسخ‌گویی آن هماهنگ نبوده است. در نتیجه توانایی اجرا

استانداردهای رسمی با افول مواجه شده است. طبیعتاً این افول در پاسخ‌گویی به بی‌اعتمادی منجر می‌شود. به اعتقاد دنه‌ارت هیچ چیز نه خطاهای قضاوت، نه عدم کارایی، نه ضایعات، نه مالیات‌های سنگین، نه وجود مقررات بیش از حد و نه حتی شکست در جنگ دولت‌ها را از ریشه نمی‌لرزاند، مگر وجود این باور که عامه مردم تصورکنند حاکمان و مدیران دولتی به جای توجه به منفعت عامه به منفعت شخصی خویش می‌اندیشند. زمانی که این باورها میان عامه مردم فراگیر شد و برای مدتی طولانی دوام یافت، عامه مردم اعتماد خود را نسبت به دولتمردان و نهادهای دولتی از دست خواهند داد. اگر عامه مردم به نهادهای دولتی و افراد منتخب و منتصب دولتی ایمان و اعتماد نداشته باشند، در اجرای تصمیمات دشوار، خصوصاً تصمیماتی که مستلزم ایمان و فداکاری است، همکاری نخواهند کرد. بروز رفتار منفعت طلبانه از سوی مدیران و کارکنان دولت اعتماد عمومی را مخدوش می‌سازد و به از دست دادن اعتماد عمومی به نهادهای مزبور می‌انجامد. پس برای اینکه مدیران و مسئولان دولت نشان دهند که به منفعت عامه پایبندند باید پاسخ‌گویی را سرلوحه کار خویش قرار دهند و این امر را از طرق مختلف مانند رویه‌های شکایت از سازمان‌های دولتی، داوری، حکمیت و... به انجام می‌رسانند.



اهمیت و نقش

دستگاه‌های نظارتی بر

دستگاه‌های اجرایی

مهدی نیک‌پور

مسئول فناوری اطلاعات و بازرسی گروه اقتصادی و
زیربنایی اداره کل بازرسی استان گلستان

مقدمه :

گرچه واژه‌های نظارت و بازرسی در منابع و مآخذ اغلب به صورت مترادف به کار می‌رود لکن در معنی و مفهوم با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. به عبارت دیگر بازرسی یکی از روش‌های اعمال نظارت است.

بازرسی در لغت یعنی بررسی و تفحص و در اصطلاح اداری، تحقیق و تفحص در نظام اداری کشور جهت حفظ سلامت کارکنان و پیشگیری از شروع هر گونه فساد اداری و پاسخگویی به شکایات ارباب رجوع از دستگاه متبوع با رعایت حفظ و حیثیت افراد می‌باشد و در هر دستگاه اداری واحدی بنام بازرسی و پاسخگویی به شکایات مستقر است که به این امور می‌پردازد.

نظارت فرآیندی است برنامه‌ریزی شده که طی آن اطلاعات مربوط به عملکرد یک مجموعه یا واحد سازمانی جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد تا میزان انطباق یا مغایرت عملکرد با هدف‌ها، برنامه‌ها، استاندارد‌ها، قوانین و مقررات حاکم بر آن مجموعه یا واحد تشخیص داده شده و در

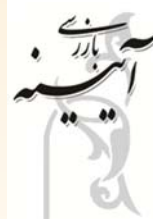
نهایت پیشنهاد‌های لازم برای حذف مغایرت‌ها و اصلاح عملکرد یا برنامه ارائه گردد.

بازرسی عبارت است از فعالیت‌های منظم و هدف‌دار بر اساس مأموریت قانونی و شرح وظایف تعیین شده نسبت به تمامی معاونت‌ها، ادارات ستادی و... از طریق بررسی آنچه انجام گرفته و آنچه می‌بایست انجام می‌گرفت و تجزیه و تحلیل عملکرد گذشته و حال و تشخیص و تعیین موارد انحراف بین وضعیت موجود، با وضعیت مطلوب و ترمیم نواقص و بهینه کردن رفتار کارکنان و اجرای سیاست‌های تشویق و تنبیه و برخورد قانونی با تخلفات و جرائم، ضمن آنکه پیشنهادها باید صریح، روشن و قابل اجرا باشد.

لذا به دلیل حفظ سلامت کار و خدمات‌دهی بیشتر به مردم هر چند وقت عملکرد دستگاه مورد بازرسی و بازبینی قرار می‌گیرد و به اعتراضات و شکایات ارباب رجوع پاسخ داده می‌شود و لازمه این امر استقرار واحدهای بازرسی و پاسخگویی به شکایات در هر نهاد و سازمانی است. همین‌طور در راستای تکریم ارباب رجوع در یک سیستم اداری کارکنان دولت موظفند وظیفه خود را آنطوری که شرع و قانون مشخص کرده انجام دهند تا رضایت ارباب رجوع را جلب کنند.

ما می‌توانیم ویژگیهای نظارت خوب را در حکومت مولای متقیان علی (ع) ببینیم. حکومت مولای متقیان علی (ع) و سیره آن بزرگوار ثابت کرده است که بر همه اجزای حکومت و مجموعه ولایت و نمایندگان خود در سراسر کشور پهناور اسلامی در آن زمان با توجه به کمبود امکانات، ایشان این نظارت را خیلی دقیق انجام می‌دادند. در خطبه‌ها و نوشته‌های ایشان و آنچه که در تاریخ باقی مانده و بسیار مشهود است اینکه که کار بازرسی در مدیریت اسلامی کار بسیار مهمی است و در این مورد هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد.

لذا ناظرین و بازرسین باید در امور اداری و مردم آسان‌گیر و عیب و ایراد آنان را گوشزد کنند به ارباب رجوع تکریم و از تحقیر دیگران خودداری نمایند و در تصمیم‌گیری بر خدای بزرگ توکل کنند. ضمناً



فعالیت های بازرسی باید اولویت بندی گردد و بازرسی را نباید مچ گیری پنداشت بلکه باید به مسائل مهم و اساسی توجه نمود. بازرسی و نظارت باید موجب تقویت دستگاه ها گردند.

در بازرسی ها باید نقاط قوت و ضعف را در نظر گرفت و نسبت به نقاط قوت تشویق و انگیزه بیشتر ایجاد کرد و نسبت به نقاط ضعف هم تذکر داد.

نظارت و بازرسی در دستگاه ها و همینطور در یک حکومت اسلامی یک مسئله مهم محسوب می شود و بدون نظارت و بازرسی ها، قطعاً دستگاه ها به طرف انحراف کشیده می شوند. به صورت عدم بازرسی و نظارت و یا ابتدایی و غیر فعال بودن آن، مشکلات و ضررهای زیادی را مردم احساس خواهند کرد و نظام ضربه خواهد دید. انتظارات بحق مردم تحقق نخواهد یافت و بستر های فساد و مسائل مختلف فراروی نظام قرار خواهد گرفت.

مفاهیم و چالش ها:

در عین حال نظارت و بازرسی هیچگاه نتوانسته است اعتماد افکار عمومی را در ایران به طور کامل جلب نماید. انتقادات جدید که از ساختار اجتماعی، اقتصادی، و خط مشیهای سیاسی اتخاذ شده در مورد کارایی و میزان خدمت دهی مؤسسات دولتی و یا وابسته به دولت در رسانه های گروهی انجام می شود نشانگر آن است که مشکلات حاد و حل نشده زیادی وجود دارد که غیر مستقیم روی امر بازرسی تأثیر می گذارد و از کارآمدی آن می کاهد.

به همین دلیل استقبال عمومی از بازرسی و نظارت و پشتیبانی اساسی آحاد مردم هنوز در کشور ضعیف است. اصولاً بازرسی به دو منظور در نهادهای جمهوری اسلامی ایران پیش بینی شده است که عبارتند از حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری. در مقوله اجرای صحیح قوانین اگر نقض قانون موجب تضییع حق یک شخصیت حقوقی یا حقیقی گردد، با شکایت شخص به دیوان عدالت اداری و یا دادگاههای عمومی بر حسب صلاحیت به موضوع رسیدگی می شود. اما وظیفه مهم سازمان بازرسی در

مواقعی است که نقض قانون به طور آشکار و یا غیر آشکار صورت گرفته است اما یا شاکی وجود ندارد و یا شرایط طرح شکایت برای شاکی مساعد نیست.

بنابراین حوزه اصلی کل بازرسی همین قلمرو یعنی نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری است که به دلیل گستردگی تخلفات همراه با کم کاری کارکنان دولت و مهمتر از همه عدم مشارکت افراد در جلوگیری از فساد اداری است که، علی رغم صرف نیروی بسیار زیاد باز هم به نتایج مطلوب و مورد نظر نمی رسد.

برای به حداقل رساندن فساد در دستگاههای

اداری لازم است که به دو عامل مهم توجه شود:

- (۱) ماهیت علل و انگیزه های فساد؛
- (۲) درجه تأثیر معیارهای به کار گرفته شده به وسیله رهبران سیاسی و میزان علاقه مندی و همکاری آنان برای کاهش فساد؛

در نتیجه کار نظارت و بازرسی بایستی روی سه بخش تأکید نماید. نخست تعیین میزان نسبی فساد و سطوح آن در سازمانهای مختلف، دوم توصیف و تشریح راهبردهای ضد فساد به کار گرفته شده؛ سوم تعیین میزان موفقیت های حاصل از مبارزه با فساد؛ در هر صورت به صرف انجام بازرسی و دادن گزارش دقیق نمی توان موفقیت زیادی به دست آورد مگر اینکه رهبران سیاسی متعهد باشند و بیطرفانه و بدون گروه گرایی معیارهای ضد فساد را با علاقه مندی و خالصانه به اجراء درآورند تا ارزشهای اجتماعی بر هم نخورد و درحد معقولی باقی بماند. هیچیک از مشکلات قضایی و یا انسانی را نمی توان به عنوان واحدهای طبیعی بدون مسأله در نظر گرفت زیرا که داشتن قانون یک مسأله است و کاربرد آن در رابطه با مسایل انسانی مورد دیگری است و بدون توجه به آنها نمی توان توصیف و تحلیل مناسبی را داشت. مهمترین مشکل قوانین در کشور کپی برداری بدون توجه به مسایل انسانی، منطقه ای و کشوری است. فعالیتهای زنان و مردان درواحدهای اداری ممکن است به جای



هماهنگی ظاهری حالت تناقض داشته باشد. سلسله مراتب اداری در بعد از انقلاب بر حسب ضرورت و طبیعت انقلاب دچار تغییر و تحول شده و در بسیاری از واحدها رابطه بر ضابطه برتری واضح دارد که این امر تاثیر بسیار نامطلوبی بر نظارت و بازرسی می‌گذارد و موجب بی‌اعتقادی و عدم مقبولیت عامه و در نتیجه عدم کارایی آن در سطح کلان می‌شود. شناخت این موارد هسته مرکزی درک معنی و نتایج بازرسی است.

براساس اهداف کلی برشمرده پیشین برای نتیجه‌گیری از نظارت و بازرسی و حفظ پویایی و کارآمدی آن در سطح ادارات دولتی، فعالیتهای مربوط به برنامه ریزی بایستی حول چهار محور زیر متمرکز گردد:

۱- مشارکت و توجه شهروندان: از آنجایی که اموال و خدمات عمومی در خدمت جامعه است، بتدریج و طی یک برنامه منظم بایستی کیفیت استقرار پیدا کند و معیار اندازه‌گیری، جلب رضایت استفاده کننده باشد. با این ترتیب باید ساز و کارهای متفاوتی در دسترس شهروندان باشد تا بتوانند نظرات خود را درمورد نحوه عملکرد دولت ابراز کنند. برخی از این سازو کارها عبارتند از: صندوق پیشنهادات، بازدیدهای تصادفی، آمارگیری، مصاحبه، توجه به نظرات گروههای با عقاید متفاوت و مشاوره مستقیم با نمایندگان سازمانهای شهری، ضروری است که یک نسخه سانسور نشده تمام این اطلاعات را به‌طور مرتب تهیه، هدایت و پخش نماید و شهروندان یا نمایندگان آنها حق دسترسی کامل به این اطلاعات را داشته باشند. به همان نسبت که استفاده کنندگان با معیارها و الگوهای اجرایی و ساز و کارهای نحوه انجام خدمات به عامه مردم آشنا می‌شوند از ذهنیت گرایی جلوگیری می‌شود و فساد ریشه‌کن خواهد شد. در نتیجه حذف از اجرای این برنامه رسیدن به مشارکت فعالتر جامعه در استقرار، به کارگیری و برآورد عملیات سازمانی است. دراین صورت توجه و علاقمندی کارکنان دولت برای انجام امور به‌طور رضایتمندانه، مؤثرتر، فعالتر و بموقع بیشتر خواهد شد و نظارت و بازرسی نیز راحت تر و

ساده‌تر خواهد بود.

۲- ارزیابی کلی مدیریت: در رابطه با برآورده کردن تقاضاها و نیازها، همیشه باید ارزیابی مناسبی از نحوه مدیریت در رابطه با کیفیت و مفید بودن خدمت ارائه شده برای یک جمعیت یا جامعه در دست باشد. در اینجا هدف تقویت ساز و کارهای مقبولیت نحوه اعمال مدیریت از طریق استفاده از روش و الگوهای جدید مدیریتی همراه با ارزیابی عملکردها است. به کارگیری این روش موجب افزایش انعطاف اجرایی می‌شود و صداقت و شفاف بودن امور را تضمین می‌نماید. وجود سازو کارهای مناسب برای تشخیص فساد و جلوگیری از آن و تضمینهایی که موجب جرمه بموقع کارکنان متخلف می‌شود، موجب افزایش اعتماد افراد به استفاده صادقانه، کارآمد و موثر از منابع دولتی به وسیله کارمندان دولت می‌گردد.

۳- تمرکززدایی: تعداد کارکنان هر دولت و هزینه‌ای که به بودجه آن تحمیل می‌شود و روشهای کاهش هر دو مورد مسأله‌ای است که مورد علاقه جهانی است. در اینجا مشکل مهم بررسی ارتباط بین نیاز به مقررات، ادارات کنترل کننده و نواحی اجرا کننده است.

بنابراین در تمرکز زدایی کارکردها و منابع از مرکز به استانها بایستی ابتداء به فکر تقویت منابع انسانی تربیت شده و استفاده مفید از فناوریهای جدید بود و همین طور تاثیراتی که این جابه‌جایی‌های قدرت در ساختار اشتغال می‌گذارد، مورد ملاحظه قرار داد.

۴- رفتار اخلاقی کارمندان: در اینجا هدف تربیت نیروی انسانی فعال و توسعه آن از طریق اصلاح همراه با تأمین رفاه و امنیت شغلی آنان برای بروز قابلیتها و نشان دادن رفتار مناسب و متعادل است. در این راستا برقراری یک سیستم تشویق و تنبیه واقعی در مورد کارکنان دولت برای دفاع از جامعه و دادن خدمات به مردم ضروری است. برای رسیدن به اهداف بالا توجه به تخصص، تبحر و کارایی واقعی و همین‌طور سلامت نفس و مسؤولیت پذیری افراد نقش بسیار مهمی دارد. در نظر گرفتن و کاربرد این موارد موجب



می‌شود که تبعیض و اعمال نفوذ برای احراز مشاغل مختلف به حداقل ممکن کاهش یابد و در نتیجه کارکنان بتدریج رفتار اخلاقی مناسب‌تری از خود نشان دهند.

نتیجه‌گیری:

از آنجایی که نظارت و بازرسی نقش عمده‌ای در تغییر ساختار و اصلاح یک حکومت بازی میکند، تدوین قوانینی که قابلیت برطرف کردن نیازها در بعد ملی را داشته باشد موجب استحکام و تثبیت موقعیت بین‌المللی کشور خواهد شد. انتقادات زیادی که از ساختار اجتماعی-اقتصادی و خط مشیهای سیاسی اتخاذ شده در مورد کارآیی مؤسسات دولتی در رسانه‌های گروهی انجام می‌شود نشانگر آن است که مشکلات حل نشده زیادی وجود دارد که غیر مستقیم روی امر نظارت و بازرسی تأثیر می‌گذارد و از کارآمدی آن می‌کاهد. اصولاً بازرسی به دو منظور در نهادهای جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است که عبارتند از حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری. وظیفه مهم‌تر بازرسی در مواقعی است که نقض قانون به طور آشکار و یا غیر آشکار صورت گرفته است اما یا شاکی وجود ندارد و یا شرایط طرح شکایت برای شاکی مساعد نیست. در واقع بازرسی نیازهای جامعه را درک می‌کند و این نیازها را با دستگاههای اداری و اجرایی تطبیق می‌دهد و در صورت لزوم موارد عدم تطابق را پیگیری می‌نماید.

بنابراین ضروری است که مشخص شود چگونه می‌توان پوشش، کیفیت و تاثیر نظارت و بازرسی را افزایش داد. نکته مهم برای موفقیت کار بازرسی توجه به اخلاقیات در جامعه است و این موضوعی نیست که بتوان برای آن به طور مرتب قانون و مقررات تهیه کرد و رفتار روزانه افراد را تحت نظر داشت. در واقع براساس تجربیات به‌دست آمده در سایر کشورها، نظارت بیش از حد و افزایش حجم قوانین موجب بروز رفتارهای نامناسب انسانی و یا محافظه‌کاری توأم با کم‌کاری شدید خواهد شد.

منابع و مأخذ

- ۱- حجتی اشرفی، غ. مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوقی، چاپ هفتم، به نقل از روزنامه رسمی کشور شماره ۱۰۶۹۱ مورخه ۱۹/۸/۱۳۶۰ (صفحه ۱۰۲ مجموعه قوانین سال ۱۳۶۰). انتشارات کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۶۷.
- ۲- دانشگاه آزاد اسلامی. خبرنامه شماره ۱۳۴. ۱۳۷۹.
- ۳- عمید زنجانی، ع. فقه سیاسی. جلد اول: حقوق اساسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. انتشارات امیرکبیر. تهران ۱۳۶۶.
- ۴- محقق داماد. بازرسی از دیدگاه اسلام. فصل‌نامه حق. دفتر یکم. فروردین - خرداد: ۱۳۶۴.
- ۵- یزدی.م. قانون اساسی برای همه. انتشارات امیرکبیر. تهران. ۱۳۷۵.



نقش نظارت و بازرسی

در تحقق نظام اداری جهادی

اداره کل بازرسی استان سمنان
غلامعلی سلامت‌منش (۱)، وحید قاسمیان (۲)
بخش اول

چکیده مقاله

نظارت و بازرسی در سطح کشور به نحو مطلوبی بالا نبرود. نظارت و بازرسی بایستی روی سه بخش مهم تأکید نماید؛ نخست، تعیین میزان نسبی فساد و سطح آن در سازمانهای مختلف؛ دوم، توصیف و تشریح راهبردهای ضد فساد به کار گرفته شده؛ سوم، تعیین میزان موفقیت‌های حاصل از مبارزه با فساد؛ در هر صورت به صرف انجام بازرسی و دادن گزارش دقیق نمی‌توان موفقیت زیادی به دست آورد.

مقاله حاضر ضمن بیان منویات مقام معظم رهبری، مزایای نظام‌های نظارتی، تکالیف دستگاه‌های اجرایی و کارکنان در مبارزه با فساد اداری و تبیین نقش نهادهای موجود نظارتی و رابطه آنها با نظام اداری، به دنبال ارائه راهکارهایی جهت کاهش شکاف میان آن‌ها بوده تا منجر به ارتقاء سلامت نظام اداری گردد. روشن است که کلید مشکلات موجود بر سر راه کارایی و اثربخشی نظام‌های نظارتی به مسائل کلان فکری و فرهنگی و مسائل محتوایی نظیر ادارات، ارزش‌ها و نگرش‌ها منحصر نمی‌شود بلکه رسیدن به نظام‌های منسجم و اثربخش در گرو آماده سازی زیرساختها و رفع موانع و مشکلات ساختاری به صورت توأمان با سایر ابعاد است.

واژه‌های کلیدی:

نظارت و بازرسی، فساد اداری، ساختار اداری، مبارزه با فساد، قوانین نظام اداری، اصلاح ساختار اداری، حسن جریان امور

نظارت و بازرسی نقش عمده‌ای در تغییر ساختار و اصلاح نظام اداری کشور بازی می‌کند؛ بنابراین ضروری است که مشخص شود چگونه می‌توان پوشش، کیفیت و تأثیر نظارت و بازرسی را افزایش داد. تدوین قوانینی که قابلیت برطرف کردن نیازها در بعد ملی را داشته باشد موجب استحکام و تثبیت موقعیت بین‌المللی کشور خواهد شد. لذا قوانینی بایستی تدوین شده تا موجب افزایش و تشویق انگیزه فعالیت‌های فردی و سرمایه گذاری شده و در اجرای آن به وسیله مسؤولان و ادارات مختلف دارای انعطاف کافی بوده و در نهایت به فساد نیز منجر نشوند. فرآیند نظارت در نظام اداری می‌تواند نظام را در جهت تحقق رسالتها، اهداف، خط‌مشی‌ها و برنامه‌ها هدایت کند. بنابراین هر چه سیستم نظارت قدرتمندتر عمل کند نظام اداری و دستگاه‌های اجرایی برای دسترسی به اهداف، تضمین بیشتری خواهد داشت. برای نتیجه‌گیری از بازرسی و نظارت و حفظ پویایی و کارآمدی آن در سطح ادارات دولتی، فعالیت‌های مربوط به برنامه ریزی بایستی حول چهار محور متمرکز گردد: (۱) مشارکت و توجه شهروندان؛ (۲) ارزیابی کلی مدیریت؛ (۳) تمرکز زدایی؛ (۴) رفتار اخلاقی کارمندان؛ در این صورت و با افزایش کارایی ادارات می‌توان انتظار داشت تا کیفیت



مقدمه:

یکی از ضرورت‌ها و نیازهای اجتناب ناپذیر مدیریت سالم و کارآمد، وجود نظام کامل و دقیق نظارت و بازرسی است. البته ضرورت وجود نظام نظارت به معنای عدم اعتماد نیست؛ بلکه در یک عبارت کوتاه می‌توان گفت: «اعتماد در سازمان خوب است ولی نظارت لازم» و این دو تضاد ندارند چرا که نظارت، تنها جستجو برای دستیابی به نقاط ضعف و کاستیهای سازمان نیست، در نظارت هم نقاط قوت و توانایی‌ها و هم نقاط ضعف و کاستیها شناسایی می‌شود. شناخت استعداد و توانایی‌ها، نقش بسزایی در افزایش کارایی سازمان دارد و مدیریت با توجه به توانایی‌های شناخته شده می‌تواند تصمیم‌های معقول و صحیح‌تری اتخاذ کند؛ و به تکامل و پیشرفت کارکنان سازمان کمک خواهد کرد.

در یک جامعه پیچیده که انتظارات مردم از دولت روز به روز افزایش می‌یابد، برخورداری از تشکیلات بزرگ و پیچیده دولتی اجتناب ناپذیر است. بزرگی تشکیلات و پیچیدگی آن، مخاطراتی جدی را دربر دارد. فرایند نظارت یکی از مهمترین جریاناتی است که هر سازمان برای تضمین بقا و اطلاع از کیفیت عملکرد و اجرای برنامه‌ها خود به آن احتیاج دارد. اطلاعات به دست آمده از فرایند نظارت، به عنوان بازخور، ضمن ایجاد هوشیاری در مدیران به صحت و سلامت جریان عملیات و فعالیت‌ها کمک فراوانی می‌کند.

فرایند نظارت در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نظام را در جهت تحقق رسالت‌ها، اهداف، خط مشی‌ها و برنامه‌ها هدایت کند. بنابراین سیستم نظارت هر چقدر قدرتمندتر عمل کند نظام اداری کشور و دستگاه‌های اجرایی برای دسترسی به اهداف تضمین بیشتری خواهند داشت. به عبارت دیگر سیستم نظارت بازویی قدرتمند محسوب می‌شوند. (۳)

تعریف فرآیند نظارت و بازرسی:

از واژگان نظارت و بازرسی تا کنون تعاریف مختلفی ارائه شده است. بر اساس تبصره ماده ۱ قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل

کشور؛ نظارت و بازرسی عبارت است از مجموعه فعالیت‌های مستمر و منظم و هدفدار به منظور جمع‌آوری اطلاعات لازم درباره مراحل حین و بعد از اقدامات دستگاه‌های مشمول {ماده (۲) این قانون}، تجزیه و تحلیل آنها، تطبیق عملکرد دستگاه با اهداف و تکالیف قانونی و ارائه پیشنهادهای مناسب در جهت حسن جریان امور. (۴)

بر این اساس می‌توان گفت نظارت و بازرسی فرآیندی است که در سه گام تحقق می‌یابد:

۱- جمع‌آوری اطلاعات به صورت مستمر، منظم و هدفدار

۲- تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات دریافتی و تطبیق عملکرد با اهداف و تکالیف قانونی

۳- ارائه پیشنهادهای مناسب در جهت تحقق حسن جریان امور و رفع نواقص

شاید مهمترین نکته در این فرآیند، نحوه توجه و نگاه به انحرافات و یا اشتباهات می‌باشد. مقام معظم رهبری در این رابطه چه بسیار زیبا فرمودند: ما که می‌گوییم فساد، این نیست که همه مأموریت‌های سازمان بازرسی منحصر در جستجوی فساد باشد، گاهی اوقات چیزی به نام فساد در دستگاه نیست ولی مدیر با توجه به امکاناتی که دارد، وظیفه‌اش را به خوبی انجام نداده است.

لذا اولین گام نظارت و بازرسی اطلاع از آنچه که در واقع رخ می‌دهد (بودها) و مقایسه با آنچه از قبل تعیین شده است (بایدها) می‌باشد تا مدیر از آنچه انجام می‌شود قبل از آنکه به صورت حاد و مشکل جدی در آید مطلع و اصلاحات لازم را به انجام برساند.

هدف از ایجاد نهادهای نظارتی و بازرسی:

اصولاً نظارت و بازرسی به دو منظور در نهادهای جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است که عبارتند از حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری. در مقوله اجرای صحیح قوانین اگر نقض قانون موجب تضییع حق یک شخصیت حقوقی یا حقیقی گردد، با شکایت شخص به دیوان عدالت اداری و یا دادگاههای عمومی بر حسب



صلاحیت، به موضوع رسیدگی می نمایند. اما وظیفه مهم سازمان بازرسی کل کشور در مواقعی است که نقض قانون به طور آشکار و یا غیر آشکار صورت گرفته است اما یا شاکی وجود ندارد و یا شرایط طرح شکایت برای شاکی مساعد نیست. بنابراین حوزه اصلی عملکرد بازرسی همین قلمرو یعنی نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری است که به دلیل گستردگی تخلفات همراه با کم کاری کارکنان دولت و مهم تر از همه عدم مشارکت افراد در جلوگیری از فساد اداری است.

برای به حداقل رساندن فساد در دستگاههای اداری لازم است که به دو عامل مهم توجه شود:

- (۱) ماهیت علل و انگیزه های فساد؛
- (۲) درجه تأثیر معیارهای به کار گرفته شده به وسیله رهبران سیاسی و میزان علاقه مندی و همکاری آنان برای کاهش فساد؛

لذا در کار نظارت و بازرسی بایستی روی سه بخش تأکید گردد. نخست تعیین میزان نسبی فساد و سطوح آن در سازمانهای مختلف، دوم توصیف و تشریح راهبردهای ضد فساد به کار گرفته شده؛ سوم تعیین میزان موفقیت های حاصل از مبارزه با فساد؛ در هر صورت به صرف انجام بازرسی و دادن گزارش دقیق نمی توان موفقیت زیادی به دست آورد مگر اینکه رهبران سیاسی متعهد باشند و بیطرفانه و بدون گروه گرایی معیارهای ضد فساد را با علاقه مندی و خالصانه به اجراء درآورند تا ارزشهای اجتماعی بر هم نخورد و در حد معقولی باقی بماند. هیچیک از مشکلات قضایی و یا انسانی را نمی توان به عنوان واحدهای طبیعی بدون مسأله در نظر گرفت زیرا که داشتن قانون یک مسأله است و کاربرد آن در رابطه با مسایل انسانی مورد دیگری است و بدون توجه به آنها نمی توان توصیف و تحلیل مناسبی را داشت. مهمترین مشکل قوانین کشور، کپی برداری بدون توجه به مسایل انسانی، منطقه ای و کشوری است. فعالیتهای زنان و مردان در واحدهای اداری ممکن است به جای هماهنگی ظاهری، حالت تناقض داشته باشد. سلسله مراتب اداری در بعد از انقلاب بر حسب ضرورت و

طبیعت انقلاب دچار تغییر و تحول شده و در بسیاری از واحدها رابطه بر ضابطه برتری واضح دارد که این امر تأثیر بسیار نامطلوبی بر نظارت و بازرسی می گذارد و موجب بی اعتقادی و عدم مقبولیت عامه و در نتیجه عدم کارآیی آن در سطح کلان می شود. شناخت این موارد هسته مرکزی درک معنی و نتایج نظارت و بازرسی است.

سازوکار نظارت و بازرسی در نظام اداری

کشور:

۱- نظارت رهبری:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رهبر را در رأس هرم قدرت حاکمیت قرار داده است. و اعمال قوه مقننه، مجریه و قضائیه را تحت نظر رهبر پیش بینی کرده است.

نقش رهبری در عزل و نصب رئیس جمهور، یعنی عالیترین مقام در مدیریت کشور بسیار حائز اهمیت است. از سوی دیگر، مقام رهبری به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح، و با داشتن اختیار «اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها»، و نصب و عزل و قبول استعفای رئیس ستاد مشترک، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی؛ مسئولیت قسمتی از قوه مجریه را که همان فرماندهی کل نیروهای مسلح است، برعهده دارد، و طبعاً نظارت بر این بخش نیز با رهبری است.

برخی دیگر از وظایف رهبری، که می تواند به طور غیر مستقیم وسیله ای برای اعمال نظارت ایشان بر سازمان های دولتی باشد عبارتند از: «نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام»، «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه»، «حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع مصلحت نظام». (۵)

۲- نظارت قوه قضائیه:

قوه ی قضائیه، قوه ای است مستقل؛ پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی، ناظر بر صحت اجرای قوانین، مسئول تحقق بخشیدن به عدالت، و عهده دار وظایفی است که قانون گذار معین کرده است. از جمله این وظایف می توان از «رسیدگی و صدور حکم در مورد

تظلمات، تعديت، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و...»، «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع» و «نظارت بر حسن اجرای قوانین» نام برد. در تشکیلات قوه قضائیه دو سازمان برای رسیدگی به شکایات و نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری ایجاد شده است که عبارتند: از دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور. (۶)

الف- دیوان عدالت اداری:

در اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی آمده است: «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آئین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می کند.» (۷)

بر این اساس، در قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، قانون گذار، رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین و ادارات و آئین نامه های دولتی، در صورتی که تصمیمات، اقدامات یا مقررات با قانون یا شرع مخالف داشته باشند یا خارج از حدود اختیارات مقام تصویب کننده باشند، در قلمرو صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار داده است؛ به عبارتی دیگر، در صورتی که «تصمیمات یا اقدامات یا مقررات مذکور به علت برخلاف قانون بودن آن و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجراء قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می شود، قابل اعتراض باشند، موضوع صلاحیت دیوان خواهند بود.

ب- سازمان بازرسی کل کشور

به منظور نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری و در اجرای اصل ۱۷۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سازمانی بنام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل شده است. در سازمان بازرسی کل کشور انجام امور نظارت و بازرسی به سه شکل

برنامه ای، فوق العاده و موردی صورت گرفته که بر این اساس در آیین نامه اجرائی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور بدین گونه تعریف شده اند:

(۱) نظارت و بازرسی برنامه ای: فعالیت های نظارتی و بازرسی مستمر بر اساس برنامه های مدون و منظم سالانه با تعیین قلمرو موضوعی، محیطی و زمانی؛
(۲) نظارت و بازرسی موردی: بررسی شکایات و اطلاعات مقرون به دلیل دایر بر وقوع تخلف یا سوء جریان در محدوده صلاحیت سازمان؛

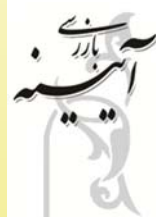
(۳) نظارت و بازرسی فوق العاده: فعالیت های نظارت و بازرسی خارج برنامه ریزی مستمر سالانه، که حسب دستور یا درخواست مقامات مذکور در بند «ب» ماده ۲ قانون (۸) در محدوده موضوع ارجاعی انجام می گیرد. (۹)

به منظور تعامل هر چه بیشتر مردم با سازمان بازرسی کل کشور سامانه ملی رسیدگی به شکایات و اطلاعات سازمان به نشانی اینترنتی «<http://shekayat.bazresi.ir>» راه اندازی گردیده که آحاد مردم ایران می توانند از این طریق نسبت به طرح شکایت و یا اعلام سوء جریانات در عملکرد دستگاه های اجرایی کشور اقدام نمایند.

وجود این سامانه موارد ذیل را در پی داشته است:

- ایجاد بستری مناسب برای تعامل آسان مردم و دولت
- رسیدگی به شکایات، اطلاعات و مشکلات مردم در تمام سطوح اجرایی
- نظارت مستمر بر حسن اجرای امور وفق وظایف و اختیارات دستگاهها در فرآیند سامانه مذکور (تحقق مفاد تبصره ماده ۲۵ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد)
- پاسخگویی سریع و رسیدگی مؤثر به تقاضای مردم و احقاق حقوق آنان
- به حداقل رساندن فاصله زمان ثبت گزارش تا پیگیری و حصول نتیجه
- امکان طرح مشکلات و درخواستها در سراسر کشور و امکان پیگیری آن در هر زمان و از هر مکان





- هدایت و کنترل درخواستها، مراجعات و اطلاع رسانی به موقع در مسیر رسیدگی به مشکلات مردم
 - مکانیزه نمودن و متمرکز شدن سیستم رسیدگی به شکایات و اطلاعات در سطح سازمان بازرسی کل کشور
 - ایجاد یک منبع اطلاعاتی جامع از آسیب ها و چالش های نظام اداری کشور بر اساس درخواستها و مشکلات منعکس شده از سوی مردم
 - تسریع در انتقال مشکلات و نظرات مردمی به مراجع مربوط
 - افزایش رضایتمندی مردم و جلب اعتماد عمومی و تحقق شعار عدالت گستری
 - ساز و کاری مناسب برای مشارکت اقشار مختلف جامعه در فرآیند رسیدگی به شکایات و نظارت بر عملکرد دستگاههای اجرایی کشور
- ۳- نظارت قوه مقننه:**

بر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی علاوه بر وضع قوانین، حق نظارت مستمر بر اجرای قوانین را هم بر عهده دارد. مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. طریق صحیح اعمال این نظارت بسیاری از مفاسد را از بین می برد، همان طور که عدم استفاده از آن، با اعمال بی جای آن از ارزش مجلس می کاهد. نظارت پیش بینی شده از طریق تذکر، سوال و استیضاح و از طریق کمیسیون اصل نودم مجلس شورای اسلامی و دیوان محاسبات اجرا می شود.

الف- کمیسیون اصل نودم مجلس شورای اسلامی

در اجرای اصل نود قانون اساسی کشور، کمیسیونی به همین نام در مجلس شورای اسلامی تشکیل گردیده است. در اصل نود قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است:

«هرکس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ

کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند» (۱۰).

از آنجا که شکایت از عملکرد ارگان های وابسته به دولت در دیوان عدالت اداری ممکن است و شکایت از نهادهای قضایی نیز با رجوع به مراجع بالاتر قوه قضائیه قابل پیگیریست. فلسفه وجودی این اصل مربوط به زمانیست که شکایات افراد نتیجه بخش و یا ممکن نبوده و شخص به کلیت رفتاری یک قوه معترض باشد. در واقع این اصل به عنوان آخرین راه تظلم خواهی شکایت از طرز کار قوای سه گانه را در بر می گیرد و شکایت از نهادهای وابسته به دولت یا قوه قضائیه بایستی در دستگاههای پیش بینی شده در قانون صورت گیرد.

ب- دیوان محاسبات :

دیوان محاسبات در اصطلاح حقوقی نیز چنین تعریف شده است:

«دیوان محاسبات دادگاهی است مالی که مأمور معاینه و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریغ کلیه حسابداران خزانه بوده و نیز نظارت می کند که هزینه های معینه در بودجه از میزان معین شده تجاوز نکند و تغییر و تبدیل نیابد و هر وجهی در محل خود صرف شود و نیز مکلف است که در امر معاینه و تفکیک محاسبات ادارات دولتی و جمع آوری سند خرج محاسبات و صورت کلیه محاسبات مملکتی اقدام نماید.»

دیوان محاسبات جمهوری اسلامی ایران مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی فعالیت می نماید. با عنایت به ماده ۱ قانون دیوان محاسبات کشور، هدف از تشکیل دیوان مذکور عبارت است از اعمال کنترل و نظارت مستمر مالی به منظور پاسداری از بیت المال از طریق :

الف- کنترل عملیات و فعالیتهای مالی کلیه وزارتخانه ها، موسسات، شرکتهای دولتی و سایر

دستگاههایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده میکنند.

ب- بررسی و حسابرسی وجوه مصرف شده ودرآمدها و سایر منابع تامین اعتبار در ارتباط با سیاستهای مالی تعیین شده در بودجه مصوب با توجه به گزارش عملیاتی و محاسباتی مأخوذه از دستگاههای مربوطه .

ج- تهیه و تدوین گزارش تفریغ بودجه بانضمام نظرات خود و ارائه آن به مجلس شورای اسلامی .

با توجه به صراحت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چگونگی ساختاری و مفهوم چنین تعریفی بطور صریح در اصول ۵۴ و ۵۵ قانون اساسی آمده است.

۴- نظارت قوه مجریه:

علاوه بر رهبری، و قوای قضائیه و مقننه، قوه مجریه نیز سازو کارهایی به شرح زیر برای نظارت بر سازمان های تحت نظر خود دارد:

۱- علاوه بر این که رئیس جمهور، ریاست هیات وزیران را عهده دار می باشد و بر کار وزیران نظارت دارند، زیرا بر اساس قانون اساسی «هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیات وزیران می رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.»

۲- نظارت های مالی و عملیاتی بر اجرای بودجه کل کشور، که به ترتیب از سوی وزارت امور اقتصادی و دارائی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اعمال می گردد.

۳- نظارت بر اجرای برنامه ها و پیشرفت سالانه ی آنها، و همچنین ارزشیابی کارآیی و عملکرد دستگاه های اجرائی کشور و گزارش آن به رئیس جمهوری که از وظایف سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور است.(۱۱)

الف- ذیحساب:

بر اساس تعریف مندرج در ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی کشور، ذیحساب مأموری است که به موجب حکم وزارت امور اقتصادی و دارایی از بین مستخدمین رسمی واجد صلاحیت به منظور اعمال نظارت و تأمین هماهنگی لازم در اجرای مقررات

مالی و محاسباتی در وزارتخانه ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و دستگاههای اجرایی محلی ومؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی به این سمت منصوب می شود و انجام سایر وظایف مشروحه زیر را به عهده خواهد داشت:

۱ - نظارت بر امور مالی و محاسباتی و نگهداری و تنظیم حسابها بر طبق قانون و ضوابط و مقررات مربوط و صحت و سلامت آنها.

۲ - نظارت بر حفظ اسناد و دفاتر مالی.

۳ - نگهداری و تحویل و تحول وجوه و نقدینه ها و سپرده ها و اوراق بهادار.

۴ - نگهداری حساب و اموال دولتی نظارت بر اموال مذکور.(۱۲)

انجام برنامه ریزی و اقدام مستمر بمنظور تمامی کادر مالی متعهد و کار آزموده جهت تصدی مشاغل ذیحسابی و معاون ذیحسابی متناسب با نیازمندیهای نظام جمهوری اسلامی ایران و همچنین فراهم آوردن موجبات اعمال نظارت مداوم بر نحوه عملکرد ذیحسابان دستگاههای اجرایی، از طریق اداره کل نظارت بر ذیحسابیها در زیر مجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی صورت می گیرد .

ب- معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی

ریاست جمهوری:

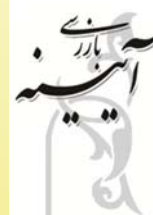
معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی با برخورداری از تشکیلاتی نوین و جامع و در چهارچوب قوانین و مقررات عهده دار وظایف متعددی بوده که یکی از آن ها نظارت و ارزیابی بوده که در سه شکل زیر محقق می گردد.

- نظارت مستمر بر اجرای برنامه های توسعه و پیشرفت سالانه آن ها.
- نظارت و ارزیابی کارایی و عملکرد دستگاه های اجرایی کشور.
- نظارت و ارزیابی طرح های عمرانی کشور.

ج: حراست:

دستگاه حراست یک مجموعه اجرائی و نظارتی بوده که به لحاظ ویژگیها، وظایف و جایگاه سازمانی به عنوان یکی از زیر مجموعه های تشکیلاتی، مستقیماً یا





به صورت غیر مستقیم و نامحسوس وظایف خطیری در ارتباط با سالم سازی محیط کار و کنترل کیفی و کمی کارکنان، بررسی و احراز تخلفات اداری مالی، حفاظت از تاسیسات و اماکن، اسناد و مدارک را عهده دار می باشد.

د: دفتر بازرسی، ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات

دفاتر بازرسی، ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات متناسب با نامشان در سه حوزه فعالیت می نمایند. از مهمترین وظایف آنان می توان به:

۱- تهیه و تنظیم برنامه های بازرسی مستمر، دوره ای و یا موردی از واحدها، برای سنجش میزان مطابقت عمل و عملکرد آنها، با اهداف، برنامه ها، دستورالعملها، ضوابط و شاخصهای مورد ارزیابی،

۲- بررسی عملکرد مدیران و کارکنان و سنجش میزان رضایت مردم، از واحدهای مختلف و نحوه برخورد مدیران و کارکنان، با ارباب رجوع،

۳- انجام بازرسیهای آشکار و پنهان و ارائه گزارشهای لازم به مدیران ذیربط،

۴- دریافت شکایات حضوری و مکتوب مردم و مراجعین از واحدها و کارکنان،

۵- بررسی و تحقیق پیرامون صحت و سقم موضوع شکایات و پیگیری و اخذ نتیجه نهایی به منظور پاسخگویی به شاکیان،

۶- بررسی و پاسخگویی در خصوص مراجعات نهادهای نظارتی و بازرسی از قبیل نهاد ریاست جمهوری و سازمان بازرسی کل کشور،

۷- تهیه و تنظیم خط مشی ها و ابلاغ برنامه های بازرسی مستمر، دوره ای و یا موردی جهت واحدهای بازرسی و پاسخگویی به شکایات،

۸- تدوین و استقرار نظام جامع نظارت و ارزشیابی در کلیه سطوح وزارتخانه به منظور پیگیری و سنجش مستمر عملکرد آنها در چارچوب ماموریتها و برنامه های تدوین شده،

۹- نظارت، ارزشیابی و سنجش مستمر عملکرد، کارایی و اثر بخشی سیاستها، برنامه ها و فعالیتهای

جاری و عمرانی وزارتخانه در مراحل قبل از اجرا، حین اجرا و پس از اجرا،

۱۰- نظارت و ارزشیابی مستمر بر روند اجرای طرحها و برنامه های مصوب واحدهای مختلف وزارتخانه و تهیه و تنظیم گزارشهای مربوطه،

۱۱- تجزیه و تحلیل هریک از پروژه ها، طرحها و برنامه های مصوب وزارتخانه، و ارائه گزارشات تنظیم شده از نحوه اجرای طرحها و برنامه ها به واحدهای مربوطه و انجام پیگیری لازم در خصوص اقدامات آنها در رابطه با تجدید نظر، تقویت و یا متوقف نمودن طرحها و برنامه های در دست اجرا،

۱۲- تهیه و تدوین شاخصها، معیارهای نظارت و ارزشیابی بر اساس سیاستها و برنامه های مصوب و نظارت بر اجرای آنها،

۱۳- مطالعه و آگاهی از سیستمهای نظارت و ارزشیابی ملی و بین المللی، بمنظور بهینه سازی نحوه نظارت و ارزشیابی در سطح وزارتخانه،

از سال ۱۳۸۹ به منظور برقراری ارتباط بیشتر مردم و دولت، سامانه الکترونیکی تحت عنوان «سامد» به نشانی اینترنتی «<http://www.saamad.ir>» راه اندازی گردید. سامد سامانه ای است که مردم میتوانند از طریق شماره تلفن ۱۱۱، درخواست ها و شکایات، پیشنهادهای خود را اعلام نموده که این اطلاعات توسط اپراتور ها در سیستم درج و به دفتر بازرسی، ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات اداره مربوطه ارسال می شود که بالطبع باعث کاهش مراجعه حضوری به ادارات و تسریع در رسیدگی به امورات آنان شده است. این سامانه کارکرد، مزایایی همچون سامانه ملی رسیدگی به شکایات و اعلامات بازرسی کل کشور را داراست.

مزایای نظام های نظارتی:

۱- جلوگیری از بحران: چنانچه یک مدیر نداند که در سازمان یا اداره او چه می گذرد، احتمال دارد که از یک مشکل کوچک که به راحتی قابل حل است، یک مشکل بزرگ و بحرانی ایجاد شود.

۲- خروجی های استاندارد شده: خدمات هر

مجموعه را می توان از نظر کمی و کیفی بر مبنای نتایج نظارت های درست و خوب استاندارد نمود.

۳- ارزیابی عملکرد کارکنان: نظارت های مناسب و بجا، موجب می شود تا اطلاعات هدفمند از عملکرد کارکنان دستگاه در اختیار مدیر قرار گیرد.

۴- به روز شدن برنامه های اجرایی: ضرورت به روز در آوردن برنامه، (حتی بهترین و دقیق ترین برنامه ها) به علت تغییر محیطی و تغییرات درون سازمانی از کارهای اساسی یک مدیر موفق است. نظارت امور موجب می گردد تا مدیر متوجه شود که امور جاری در مقایسه با آنچه باید انجام شود در چه وضعیتی است.

۵- حمایت و مراقبت از سرمایه سازمان: انجام نظارت های به موقع در رابطه با آگاهی از عدم کارایی، اتلاف و حیف و میل شدن و احیاناً سوء استفاده در سازمان، باعث حمایت از سرمایه ی سازمان می گردد. (۱۳)

مشکلات و نارسایی های نظام های نظارتی

در وضع موجود:

۱- گستردگی و پراکندگی واحدهای نظارتی از بعد ساختاری، تنوع وظایف و اهداف،

۲- نبود نظام پویای تبادل اطلاعات بین سازمان های نظارتی،

۳- عدم همکاری و هماهنگی بین سازمان های نظارتی در دسترسی به اهداف،

۴- عدم هماهنگی در سیاستگذاری مشترک بین سازمان های نظارتی،

۵- تصور وجود دوباره کاری و فعالیت های موازی در دستگاه های اجرایی به دلیل تعدد مراکز نظارتی و قوانین حاکم،

۶- تصور وجود شکاف عمیق بین سازمان های نظارتی و دستگاه های اجرایی (نظارت شوندگان)،

۷- نبود استانداردهای روشن در امر نظارت (در نظارت شوندگان و مردم)،

۸- تلقی وجود بازرسی و نظارت های بازدارنده و غیر کارآمد،

۹- مشکلات زمینه ای و فرهنگی در نهادینه شدن امر نظارت،

۱۰- ضرورت استفاده از نظارت هماهنگی و حرکت به سوی خود کنترلی دستگاه های اجرایی (۱۴) (میرمحمدی، ۱۳۸۳، ۱۴۵).

.....

۱- سرپرست معاونت نظارت و بازرسی بازرسی کل استان سمنان

۲- بازرس بازرسی کل استان سمنان

۳- میرمحمدی، سید محمد، (۱۳۸۳). الگوی نظارت و کنترل در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سمت، صص ۲-۷.

۴- قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور

۵- قانون اساسی

۶- همان منبع

۷- همان منبع

۸- بند «ب» ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور (اصلاحی ۱۳۷۵): انجام بازرسی های فوق العاده حسب الامر مقام معظم رهبری و یا به دستور رئیس قوه قضاییه و یا درخواست رئیس جمهور و یا کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و یا بنا به تقاضای وزیر یا مسئول دستگاه های اجرایی ذیربط و یا هر موردی که به نظر رئیس سازمان ضروری تشخیص داده شود.

۹- آیین نامه اجرائی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور

۱۰- قانون اساسی

۱۱- فیضی، طاهره، (۱۳۸۸). مبانی مدیریت دولتی، انتشارات پیام نور، تهران، صص ۱۷۹-۲۰۵.

۱۲- قانون محاسبات عمومی کشور

۱۳- نجف بیگی، رضا، (۱۳۸۶). سازمان و مدیریت، انتشارات ترمه، تهران، صص ۴۳-۴۵.

۱۴- میرمحمدی، سید محمد، (۱۳۸۳). الگوی نظارت و کنترل در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سمت، صص ۲-۷.



پول شویی

دکتر عبدالله محمد عبدالله

قاضی مستشار حکومتی دولت کویت

ترجمه: محمدرضا پناهی

خشکشویی ها به کار می انداختند و با مخلوط کردن آنها با درآمدهای خشکشویی آنها را تطهیر و پاک می کردند، بعضی از صاحب نظران علت نامگذاری این عمل را به پولشویی به تشابه روند پول شویی با کار خشکشویی مربوط دانسته اند، یعنی همانطوری که یک ماشین لباس شویی ناپاکی ها را از لباسها جدا می کند، این گونه اعمال نیز ناپاکی ها را از درآمدهای غیر قانونی و نامشروع پاک می سازد و آثار قبلی آن را به کلی محو می سازد.

بر اساس ماده یک طرح دستورالعمل جوامع اروپایی مورخ مارچ ۱۹۹۰ میلادی درخصوص پول شویی گفته شده است: "تبدیل یا انتقال اموال با آگاهی به این معنی که چنین اموالی از جنایت شدیدی ناشی شده است به منظور اختفاء یا انحراف منشاء غیر قانونی اموال یا کمک به هر شخصی که بر ارتکاب یک چنین جرم یا جرائمی مبادرت می ورزد به منظور رهایی یافتن از آثار حقوقی آن، اقدام به اختفاء یا انحراف ماهیت واقعی، منبع، محل استقرار، انتقال، حرکت و یا حقوق مربوط به اموال یا مالکیت اموال با علم بر این که چنین اموالی از ارتکاب با یک جنایت شدید نشأت گرفته است."

به طور خلاصه می توان گفت که پولشویی عبارت از روندی است که بوسیله آن به منفعتی که از طریق غیر قانونی تحصیل شده است از قبیل، قاچاق و فروش سلاح، قاچاق مواد مخدر، فعالیت و همکاری با گروه های معارض و تروریستی و قاچاق آثار هنری، باستانی و... ظاهر مشروع و جلوه قانونی داده شود و به رفتار مجرمانه آنها علم و یا سوء ظن وجود داشته باشد و این همکاری به حفظ و یا کنترل عواید نامشروع آنها منجر شده و یا به رهایی از تعقیب و یا گریختن آنها از چنگ قانون منجر گردد.

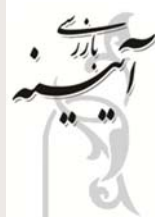
تطهیر پول ممکن است روند بسیار پیچیده ای را طی کند، تا امکان کشف و دسترسی به آن از بین برود و صاحب پول از نگرانی و دغدغه خاطری که احیاناً از طرف دولت یا مقامات قضایی داشته، رهایی یابد.

پول به دست آمده از راه فساد، اغلب در آغاز وارد سیستم اقتصاد خرد می شود و به شکل تاسیس کارخانه های کوچک تولیدی، خدماتی، بنگاه معاملاتی و ... نمود پیدا می کند و در مرحله بعدی امکان دارد با

پول شویی به هرنوع اقدام و عملیاتی گفته می شود که پس از کسب عواید و منافع مادی ناشی از فعل مجرمانه از قبیل قمار، فحشاء، فساد و سوءاستفاده های مالی مانند رشوه، به منظور جلوگیری از کشف جرم و مشروع جلوه دادن در آمد آن، انجام می شود.

اصطلاح "تطهیر پول" یا "پولشویی" از آنجا بر سر زبانها افتاد که باندهای جنایت کار بین المللی به هدف مشروع جلوه دادن درآمدهای حاصله از فحشاء، قمار، قاچاق مواد الکلی، اخاذی و آدم ربایی،... و ادغام کردن منافع غیر قانونی خود با درآمدهای قانونی به صورت گسترده اقدام به خرید و راه اندازی خشکشویی هایی در ایالات مختلف آمریکا نمودند. بنابر این سابقه پیدایش اصطلاح مذکور به سالهای ۳۰-۱۹۲۰ میلادی بر می گردد که باند مافیا از این مکانها برای تطهیر و تزریق پول های نامشروع خود بهره برداری می کردند. اما این اصطلاح در دهه ۱۹۸۰ میلادی مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفت و آنها را وادار ساخت تا در رابطه با آن اقدامات مقتضی و موثری را انجام دهند.

علت انتخاب واژه تطهیر و یا پولشویی برای این عمل مجرمانه، ناشی از همین مسأله است که افراد، اشخاص و باندهای جنایتکار پولهای کثیف را در





جعل، تقلب و کلاهبرداری و

دوم- پولشویی بیانگر یک سلسله جرایم دیگر است که به منظور پوشاندن منشاء اصلی اموال صورت می‌گیرد که از آن جمله می‌توان به اقداماتی چون تبدیل، انتقال، اختفاء، تصرف، تبانی، همکاری و مشارکت در این گونه اعمال اشاره کرد.

در جرم پولشویی مانند سایر جرائم سازمان یافته، نقش معاون و کسی که مستقیماً در عناصر مادی جرم شرکت نمی‌کند، به مراتب از نقش شخص مرتکب شونده جرم و یا مشارکت در آن، با اهمیت‌تر و حساس‌تر است؛ زیرا طراحی، مدیریت و سازماندهی کل عملیات را او به عهده دارد و نقش دیگران را او تعیین می‌کند.

به هر حال مبارزه با جرم پول شویی در عین حالی که برخورد جدی و قانونی با مرتکبین این جنایت را لازم می‌نماید؛ در حقیقت مبارزه غیر مستقیم با سایر جنایات نیز به شمار می‌رود.

بنابر این هر نوع اقدام پیشگیرانه در مورد تطهیر پول و از بین بردن زمینه‌های ورود عواید نامشروع در سیستم اقتصادی، به گونه‌ای در پیشگیری از ارتکاب سایر جرایم تاثیرگذار بوده و انگیزه‌های قوی ارتکاب جنایت را تضعیف می‌نماید با این تعریف در فرض ارتکاب اعمال مجرمانه و موفقیت احتمالی در آن و کسب منافع فراوان، در صورتی که فرد بداند در بهره‌برداری از آن با خطرات و موانع قانونی بسیاری مواجه می‌گردد، کمتر به جرائم این چنینی تمایل پیدا می‌کند.

همدستی باندهای بین‌المللی به عناوین گوناگونی به خارج از کشور انتقال یابد و به صورت کالاهای وارداتی دوباره به داخل کشور بازگردد و در این فرایند این منابع مالی ممکن است به چکهای مسافرتی، حوالجات، ارز و غیره تبدیل شود و در نتیجه به صورت شکل درآمد کاملاً مشروع و قانونی را به خود می‌گیرد. و یا با خرید آثار عتیقه و باستانی، فلزات گرانبها و سنگهای قیمتی و ... تلاش می‌شود تا با ایجاد پوشش‌های ماهرانه، منبع واقعی اموال از دیدها مخفی مانده و رابطه این اموال با منشاء اصلی آن به کلی قطع گردد.

همه این مانورها و نمایش‌ها به خاطر آن است که پول مانند اموال معمولی و عادی دیگر، وارد سیستم اقتصادی گردیده و تشخیص آن از اموال دیگر غیر ممکن گردد. عمل پولشویی اقتضاء می‌کند تا شخص تطهیر کننده از ارتباط بسیار گسترده‌ای برخوردار باشد و محدوده فعالیتش از مغازه‌ها و فروشگاه‌های کوچک تا مارکت‌های مدرن و از دلایلی‌های کم اهمیت تا معاملات کلان سهام و ارز و از بنگاههای معاملاتی معمولی تا آژانس‌های بزرگ خرید و فروش و ... را در برگیرد.

پولشویی موجب دو جرم در حوزه مالی می‌گردد:

اول- پولشویی حکایت از عملی مجرمانه قدیم در حوزه مالی است که عواید و دارائی‌های قابل توجهی را برای شخص و یا باند در پی داشته است مانند: ارتشاء، اختلاس، تبانی در معاملات دولتی، فرارهای مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و مواد مخدر، فحشاء، قمار، سرقت،



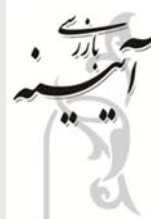
حال به همه مضراتی که جرم
پولشویی در عرصه فرهنگ، سیاست
و اقتصاد کشور بجا می گذارد و
ساختار سیاسی، دموکراسی و
قانونمندی را مختل
میسازد و نهادهای
مدنی را با خطر
تحلیل مواجه می
سازد و موجب
ایجاد دیوار بی
اعتمادی بین

حکومت و مردم شده و
طول این دیوار را هر لحظه افزایش می دهد، امنیت
جانی، روانی و شغلی بسیاری را به مخاطره می اندازد و
به روند اقتصاد سالم لطمه وارد می کند و... چرا در
بعضی از کشورها از نظرها دور مانده، خود سوال معنا
داری دیگری است که بایستی جداگانه مورد بررسی
قرار بگیرد. وهدف این نوشتار صرفاً توجه دادن
مخاطب به اهمیت و فراگیری و نقش منفی آن بر
کارکردهای مثبت در عرصه های گوناگون ملی بود که
بصورت گذرا مورد بحث قرار گرفت.

عمل مجرمانه پولشویی با انواع مفاسد اخلاقی و
ارزشی دیگر چون ارتشاء، نقض حقوق بشر،
خشونت های غیر قانونی به شکل ها و کیفیت های
متفاوت، فحشا و سوء استفاده های جنسی، تجارت
پورنو، آدم ربایی ارتباط نزدیک و دو سویه دارد که هر
نوع تغییر از لحاظ کاهش و افزایش در یک طرف،
سبب کاهش و یا افزایش طرف دیگر خواهد شد. به
همین خاطر است که بسیاری از کشورها توجه
دولت ها و نهادهای قانونگذاری و دستگاهها قضایی و...
را در این امر ضروری دانسته و تاخیر و یا مسامحه
کاری در برخورد با مسببین و معاونین این جرم را به
هر بهانه ای ضربه جبران ناپذیر بر منافع ملی به
حساب می آورند.

جرایم اقتصادی و مالی به خاطر اخلاخل در نظم
جامعه و اخلاخل در سیستم اقتصادی کشور، یک عمل
ضد ارزشی تلقی شده و در هر کشوری ضرورت برخورد
جدی، نظام یافته و قانونی را اقتضاء دارد؛ متاسفانه در
کشورهای جهان سوم پدیده پولشویی در عین شیوع و
گسترده گی آن، از دیدها کاملاً پنهان مانده است. و به
دلیل فقدان مقررات مقتضی در مورد بانکها و موسسات
مالی و عدم نظارت و کنترل بر جریان وجوه نقدی و
اسناد قابل انتقال و معاملات مشکوک و ناکارآمد بودن
شیوه نظارت، سبب شده تا جرم پول شویی با آسانی و
بدون کمترین ریسکی در این کشورها صورت پذیرد.

به همین خاطر در بعضی از کشورها ملاحظه
می شود که مقامات و تمام کسانی که به گونه ای به
فساد مالی آلوده اند بابت مصرف پولهای به دست آمده
کوچکترین دغدغه و نگرانی ندارند و به راحتی این
پولها را در معاملات کلان زمین، شهرک سازی ها،
خرید و قاچاق اشیای عتیقه، معاملات ارزی و
راه اندازی شرکت های بی نام و یا بانام به کار
می اندازند و یا در انتقال آن به خارج از کشور اقدام
می نمایند. به همین خاطر است که بعضی از این افراد
با همدستی باندهای مافیای زمین، مواد مخدر، اقتصاد،
قاچاق و فحشاء و... یک شبه راه صد ساله را طی کرده
و صاحب ثروتهای باد آورده می شوند و هیچ مرکز و یا
نهاد باصلاحیتی یا وجود ندارد و یا جرات بررسی را
ندارد، تا در رابطه با منشأ غیر قانونی و جنایت آمیز آن
تحقیقاتی انجام دهد



اصلاح مصوبه «معافیت‌های بنگاه‌های اقتصادی در تجدید ارزیابی دارایی‌ها»

بازرسی امور صنعت، معدن و تجارت

فلذا به علت عدم حضور کارکنان اداره امور مالیاتی و تعطیلی مراکز پستی، تحویل آن با یک روز تاخیر و در اول وقت اداری روز بعد یعنی مورخ ۹۱/۸/۱ انجام گردیده و همین امر موجب شده تا ممیز مالیاتی در رسیدگی به عملکرد سال ۱۳۹۰، شرکت مذکور را مشمول معافیت مالیاتی موضوع این آیین نامه ندانسته و با صدور برگ تشخیص مالیات، مبلغ مازاد ناشی از تجدید ارزیابی را به عنوان در آمد مشمول مالیات سال مذکور محاسبه و از این بابت مبلغ ۱،۸۱۰ میلیارد ریال مالیات بر درآمد مطالبه نماید.

این امر و تحمیل مبلغ کلان مرتبط با تجدید ارزیابی به عنوان بدهی مالیاتی شرکت دخانیات ایران موجب گردید مسئولین شرکت دخانیات ایران ضمن مراجعه به این بازرسی امور، طرح مسئله نموده و مورخ ۹۲/۸/۲۸ تقاضای مساعدت نمایند.

طی بررسیهای بعمل آمده مشخص گردید تجدید ارزیابی دارایی‌ها و تغییر سرمایه شرکت دخانیات ایران در راستای تحقق بند ۳ اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و در جهت تشخیص شرایط واگذاری شرکت صورت گرفته و همچنین مشخص گردید شرکت‌های دیگر نیز در این رابطه و جهت تجدید ارزیابی اقدام نموده اند.

در ادامه بررسیها و با تحقیقات بیشتر مشخص شد رییس مجلس شورای اسلامی طی نامه ای مورخ ۹۰/۱۲/۲۷، شرایط مذکور در آیین نامه فوق الذکر را بلاخط آنکه شامل شرط هایی فراتر از مندرجات مذکور

با پیگیری بازرسی امور صنعت، معدن و تجارت سازمان بازرسی کل کشور مصوبه شماره ۱۸۹۱۲۰/ت/۴۷۵۴۸-هـ مورخ ۹۰/۹/۲۷ هیات وزیران موضوع آیین نامه اجرایی جزء ب بند ۷۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۰ (معافیت‌های بنگاه‌های اقتصادی در تجدید ارزیابی داراییها) اصلاح شد.

اصلاح این مصوبه عنوان گزارشی است که بازرسی امور صنعت، معدن و تجارت ارایه نموده است.

شرکت دخانیات ایران وفق جزء ب بند ۷۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور و آیین نامه اجرایی آن، پس از عقد قرارداد با سازمان حسابرسی نسبت به تجدید ارزیابی دارائیهای خود در سال ۱۳۹۰ اقدام و مازاد حاصل از آن را در اداره ثبت شرکت ها ثبت و به حساب سرمایه در دفاتر قانونی سال مالی ۱۳۹۱ منظور نموده است.

به استناد ماده ۱۰ آئین نامه قانون فوق الذکر (مصوبه شماره ۱۸۹۱۲۰/ت/۴۷۵۴۸-هـ مورخ ۹۰/۹/۲۷ هیات وزیران) بنگاه‌های اقتصادی در صورتی امکان استفاده از معافیت مالیاتی فوق الذکر را دارند که تا تاریخ ۹۱/۷/۳۰ گزارش حسابرسی مربوط را به اداره امور مالیاتی ذی ربط تحویل نمایند.

در رابطه با شرکت دخانیات ایران، تاییدیه حسابرس در خصوص رعایت موارد مذکور در آیین نامه، بعد از وقت اداری مورخ ۹۱/۷/۳۰ (پایان مهلت مقرر در آیین نامه) توسط سازمان حسابرسی صورت گرفته است.





در جزء ب بند ۷۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۰ می گردد مغایر با قانون اعلام داشته است.

با این توضیح قید زمانی مندرج در آیین نامه، مغایر با قانون بوده و ادارات کل امور مالیاتی نمی بایست با استناد به آن شرکت دخانیات ایران و سایر بنگاه های اقتصادی را از معافیت مندرج در جزء ب بند ۷۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور محروم نمایند.

”... در خصوص درخواست سازمان بازرسی کل

کشور مبنی بر اصلاح مصوبه شماره ۱۸۹۱۲۰/ت/۴۷۵۴۸ هـ مورخ ۹۰/۹/۲۷ هیات محترم وزیران موضوع آیین نامه اجرایی جزء ب بند ۷۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۰ (معافیت های بنگاههای اقتصادی در تجدید ارزیابی داراییها) به استحضار می رساند اصلاحات مورد نظر طی مصوبه شماره ۴۳۷۵۴/ت/۵۰۱۱۰ هـ مورخ ۹۳/۳/۴ ابلاغ و رونوشت نیز برای سازمان بازرسی کل کشور ارسال شده است“

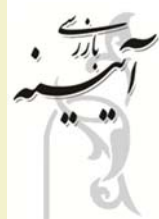
به این ترتیب مصوبه شماره ۱۸۹۱۲۰/ت/۴۷۵۴۸ هـ مورخ ۹۰/۹/۲۷ هیات وزیران که برغم مغایرت قانونی و تذکر شماره ۷۷۸۴۱ هـ ب مورخ ۹۰/۱۲/۲۷ رییس مجلس شورای اسلامی، همچنان توسط حوزه های مالیاتی و سازمان امور مالیاتی ملاک عمل بوده، بر اساس تذکر و توجه سازمان بازرسی کل کشور اصلاح گردید و اجرای مصوبه مغایر قانون قبلی متوقف شد. با این اقدام، سوء جریان عمده و سراسری و اثرات و تبعات ناشی از اجرای نادرست مصوبه ی مغایر قانون متوقف گردید.

بدیهی است در غیراین صورت، آیین نامه مذکور همچنان در سطح کل کشور و برای تمامی شرکت های مشمول اجرا می گردید و آثار زیانبار آن همچنان بر دوش شرکت ها تحمیل شده و نارضایتی و مشکلات بعدی را ایجاد می نمود.

لیکن به رغم مراتب فوق و ابطال مصوبه مذکور، آیین نامه صدرالذکر همچنان مبنای تصمیمات و محاسبات ادارات کل امور مالیاتی قرار می گرفت. لذا با توجه به اهمیت موضوع و فراگیر بودن آن و اثرات کلان اجرای آیین نامه، بر داراییها و بدهی های شرکت های مشمول و بمنظور رفع نقیصه مذکور با ارسال نامه ای در مورخ ۹۲/۹/۱۳ به امضای معاون نظارت و بازرس امور تولید و توسعه خطاب به معاون اول رییس جمهور، درخواست گردید ترتیبی اتخاذ نمایند تا ضمن مرتفع نمودن نقیصه مذکور، سازمان امور مالیاتی اجرای بخشی از تصویب نامه را که مغایر قانون تشخیص داده شده در محاسبات اعمال ننماید.

در نهایت پس از پیگیری های متعدد، مراتب طی مصوبه مورخ ۹۳/۳/۴ اصلاح و رونوشت مصوبه اصلاحی نیز برای سازمان ارسال گردید و متعاقب آن طی نامه ای مورخ ۹۳/۱۰/۱۷ معاون هماهنگی، پیگیری های ویژه و خدمات مدیریت دفتر رییس جمهور نیز، مراتب بصورت مکتوب و رسمی به سازمان بازرسی کل کشور منعکس گردید.

در این رابطه کاظم چهره گشا رییس دفتر معاون اول رییس جمهور طی نامه ای مورخ ۹۳/۵/۴ خطاب به رییس دفتر رییس جمهور این گونه مرقوم داشته است؛



بررسی نحوه انعقاد قراردادها با مهندسين

نظارت بر عملکرد آنها و هزینه درآمدهای سالیانه

بازرسی کل استان گلستان

۱- نرم افزار جامع مدیریت مهندسين به صورت آنلاین (برخط) طراحی و اجرا شود.

۲- مبالغ حق الزحمه مهندسين طبق مترائ و فعاليت آنان محاسبه و از کل وجه واریزی از حساب مهندسين کسر گردد

۳- مقدمات لازم جهت برگزاری دوره ها و کارگاه های آموزشی برای مهندسين فراهم گردد

۴- سازمان نظام مهندسي ساختمان کشور (سازمان مرکزی) نسبت به ایجاد چارت تشکيلاتي اقدام نماید

۵- در زمینه ارجاع کار به نقشه برداران نظام مهندسي به شرح آنچه در ماده ۳ تفاهم نامه آمده، با حساسيت بیشتری موضوع مورد بررسی و نظارت قرار گرفته و ماهیانه آمار مربوط مورد توجه و مقایسه قرار گیرد و... از اینرو بدلیل مشخص شدن تخلفات انضباطی و حرفه ای ۸ نفر از اعضاء هیات مدیره و ۳ نفر از کارکنان موضوع ماده ۹۱ قانون نظام مهندسي و کنترل ساختمان و تایید آن توسط گروه تنقیح منطقه ۲ سازمان، گزارش به همراه نامه نهایی توسط رئیس منطقه ۲ سازمان به رئیس سازمان نظام مهندسي کشور ارسال گردید تا نسبت به رسیدگی قانونی در خصوص تخلفات آنان در شورای انتظامی کشور اقدام شود.

با توجه به نارضايتی و شکایات متعدد مردم بویژه مهندسين از سازمان نظام مهندسي ساختمان استان گلستان، این اداره کل در جهت تحقق اهداف سازمان و نیز رفع مشکلات و نارسائیهای موجود پیشنهاد به بازرسی فوق العاده با موضوعاتی از جمله « بررسی نحوه انعقاد قراردادها با مهندسين، نظارت بر عملکرد آنها » و « هزینه درآمدهای سالیانه » اقدام نمود. اگر چه در بدو امر موانعی برای انجام بازرسی از سوی سازمان مذکور با توجیه بر اینکه سازمان یک موسسه غیر انتفاعی است، بوجود آمد لکن با استدلال به عمل آمده از سوی هیات بازرسی نسبت به اجرای حکم اقدام شد.

با بررسی از اسناد و مدارک موجود مشخص شد که هیات مدیره، هیات رئیسه، رئیس سازمان، رئیس شورای انتظامی، دفاتر نمایندگی و واحد مالی از اختیارات، وظایف محوله و مقام شغلی سوء استفاده نموده اند که مهمترین آنان عدم اجرای صحیح قانون نظام مهندسي و کنترل ساختمان و مقررات ملی ساختمان بویژه مبحث دوم می باشد، رعایت نشده است از اینرو تمامی تخلفات آنان طی ماده ۳۲ و ۳۳ آیین نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور تفهیم گردید.

دراین راستا پیشنهادهای ارائه شده بازرسی گلستان لازم الاجرا گردید که از جمله آن:



بازخوانی برخی از بیانات و مواضع مقام معظم رهبری

بر ضرورت مبارزه با مفاسد اقتصادی

تهیه و تنظیم: محمدجواد صلواتی تهرانی

به استفاده از راه های نامشروع و غیر قانونی تشویق خواهند شد.

خشکانیدن ریشه ی فساد مالی و اقتصادی و عمل قاطع و گره گشا در این باره مستلزم اقدام همه جانبه به وسیله ی قوای سه گانه مخصوصا دو قوه ی مجریه و قضاییه است . قوه ی مجریه با نظارتی سازمان یافته و بی اغماض از بروز و رشد فساد مالی در دستگاه ها پیشگیری کند و قوه ی قضاییه با استفاده از کارشناسان و قضات قاطع و پاکدامن مجرم و خائن و عناصر آلوده را از سر راه تعالی کشور بردارد . بدیهی است که نقش قوه ی مقننه در وضع قوانین که موجب تسهیل راه کارهای قانونی است و نیز در ایفاء وظیفه نظارت بسیار مهم و کار ساز است.

(بخش هایی از فرمان هشت ماده ای مبارزه با مفاسد اقتصادی. ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۰)

یکی از بزرگترین مسئولیت های رییس جمهور

تعقیب مفاسد اقتصادی است

فساد انواع و اقسامی دارد که فسادهای مالی و اقتصادی از جمله آنهاست. یکی از بزرگترین مسئولیت های مسئولان کشور - از جمله رئیس جمهوری محترم - تعقیب مفاسد مالی و اقتصادی است که باید در برنامه دولت قرار گیرد. البته قوه قضاییه و قوه مقننه هم در این زمینه مسؤولند و خوشبختانه همکاریهایی هم می کنند. این مبارزه باید جدی شود و خود را در مرحله عمل نشان دهد. مبارزه با مفسده اقتصادی و مالی یکی از کارهایی است که به گشایش اقتصادی کشور هم کمک خواهد کرد. یکی از موانع پیشرفت

بخشی از بیانات و مواضع مقام معظم رهبری مبنی بر ضرورت مبارزه با فساد اقتصادی در متن زیر مرور می شود:

مسئولان کشور باید با فقر و فساد و تبعیض

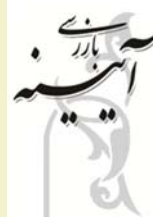
مبارزه کنند

مسئولان کشور - چه در قوه ی مجریه، چه در قوه ی قضاییه و چه در قوه ی مقننه - باید با فقر و فساد و تبعیض در این مملکت مبارزه کنند. اگر بخواهند وضع امنیت کشور را، وضع معیشت مردم را، وضع عزت بین المللی ما را تأمین کنند، راهش مبارزه ی با همین هاست. انواع و اقسام فسادها را باید شناسایی کنند و با آن مبارزه ی جدی نمایند؛ نه در حرف و زبان. (۷ دی ۱۳۷۹. خطبه های نماز عید فطر)

تسامح در مبارزه با فساد، هم دستی

با فاسدان است

امروز کشور ما تشنه فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه گذاری مطمئن است و این همه به فضایی نیازمند است که در آن سرمایه گذار و صنعت گر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده ی کار و همه ی قشر ها از صحت و سلامت ارتباطات حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احساس امنیت و آرامش کنند . اگر دست مفسدان و سوء استفاده کنندگان از امکانات حکومتی قطع نشود و اگر امتیازطلبان و زیاده خواهان پر مدعا و انحصار جو طرد نشوند سرمایه گذار و تولید کننده و اشتغال طلب همه احساس ناامنی و نوسیدی خواهند کرد و کسانی از آن





اقتصادی کشور، وجود گلوگاههای فساد است که به شدت باید از آن ترسید و با آن مقابله و مبارزه کرد. البته کار سختی هم هست. من در جریان آن نامه هشت ماده‌ای که نوشتم، هم به رئیس جمهور محترم، هم به رئیس محترم قوه قضائیه و هم به رئیس محترم مجلس گفتم که بدانید مبارزه با فساد، یک مبارزه جدی و واقعی است. مفسدین تهاجم خواهند کرد و فشار خواهند آورد؛ لذا کار سختی است. برای مقابله با شیوع فساد اقتصادی و مالی، باید لباس مبارزه به تن کرد. (۱۱ مرداد ۱۳۸۰. بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پس از تنفیذ رییس جمهور)

مبارزه با فساد، یک جهاد واقعی و البته کار

بسیار دشواری است

این که ما اصرار می‌کنیم باید با فساد و سوء استفاده مالی و اقتصادی با جدیت برخورد شود، به خاطر همین است؛ چون اگر دستهای سودجو بتوانند فساد اقتصادی را در میان مسئولان رایج کنند، ضربه‌ای به کشور می‌خورد که با هیچ چیز جبران نمی‌شود. لذا عرض کرده‌ایم، باز هم تکرار می‌کنیم: مبارزه با فساد، یک جهاد واقعی و البته کار بسیار دشواری است. اگر این جهاد بزرگ بخواهد موفق شود و پیش برود - که ان شاء الله به فضل الهی و به پشتیبانی شما مردم، این کار خواهد شد - یک شرط مهم و اصلی آن این است که همه مسئولان کشور با یکدیگر همدل و شریک باشند. البته رؤسای قوا بحمدالله در این کار همکاری و همدلی می‌کنند؛ اما در همه‌ی سطوح، مسئولان کشور و قوای سه‌گانه باید در این راه با یکدیگر همکاری کنند و عزم جدی نشان دهند.

هر کدام از قوا در این زمینه سهمی دارند و باید نقش خود را ایفا کنند. در میان مسئولان - چه در دولت، چه در قوه قضائیه و چه در مجلس - هیچ کس نمی‌تواند نسبت به این کار بزرگ، که برای سرنوشت کشور و ملت و نظام اسلامی تعیین کننده است، خود را کنار بکشد و شانه از این کار خالی کند. همه باید در این زمینه فعال باشند. (۳ بهمن ۱۳۸۰. سخنرانی در جمع کارگزاران حج)

مبارزه با فساد نباید سیاسی باشد

در مورد برخورد با فساد دو گرایش افراطی و تفریطی هست. بعضی‌ها وقتی صحبت از مبارزه با فساد

می‌شود، تصوّر می‌کنند که مبارزه با فساد، یک بهانه سیاسی برای برخورد با این و آن است؛ این غلط است. مبارزه با فساد، مبارزه با فساد است! در هر جامعه‌ای اگر نقطه فاسد، شناسایی، کنترل و قلع و قمع شد، فساد متوقف می‌ماند، و آلا رشد پیدا می‌کند. فرق نظام اسلامی و نظام صالح با نظامهای فاسدی که در مقابل گسترش فساد بی‌دفاعند، این است که در این‌جا مسئولان اصلی کشور و دلسوزان جامعه، برخوردار از صلاحند؛ برنامه و رفتار کشور، برنامه صلاح است. البته آدم فاسد هم پیدا می‌شود، منتها باید با او برخورد شود. بعضی تصوّر می‌کنند که مبارزه با فساد یک حرکت سیاسی است؛ این تصوّر غلطی است. مبارزه با فساد حرکت سیاسی نیست؛ یک حرکت حقیقی و کاری لازم است. بعضی هم در نقطه مقابل، از آن طرف افراط می‌کنند؛ یعنی وقتی گفته می‌شود «فساد» خیال می‌کنند همه‌جا را فساد گرفته است؛ خیر، این چنین نیست. آنچه که ما را برمی‌انگیزد، وجود فساد، ولو در یک بخش، در یک گوشه و به وسیله افراد معدودی است. ما می‌دانیم اگر با این پدیده مبارزه نشود، فساد نهادینه و ریشه‌دار می‌شود و در آن صورت قلع و قمعش مشکل می‌گردد.

(۹ فروردین ۱۳۸۱. دیدار با قشرهای مختلف مردم در دوکوهه)



برخورد با مفاسد اقتصادی برای نظام اهمیت

حیاتی دارد

یک سال پیش بود که ما مبارزه با مفاسد اقتصادی را عرض کردیم و دستگاه‌ها را ترغیب نمودیم که در این مبارزه جدی باشند. اهتمام به این کار به خاطر آن است که مفاسد اقتصادی، جریان آلوده‌ای است که اگر جلوگیری و با آن مبارزه نشود، کلّ فضا را آلوده خواهد کرد. بحث یک جرم منفرد و تک افتاده نیست؛ برخورد با مفاسد اقتصادی برای نظام اهمیت حیاتی دارد. (۵ تیر ۱۳۸۱. دیدار با مسئولین قوه قضاییه)

مبارزه با فساد در درجه اول کار خود

دولت است

معتقدم مبارزه با فساد، در درجه اول کار خود دولت است..... حتماً مسأله مبارزه با فساد را جدی بگیرید و دنبال کنید. این که ما دو سه سال قبل گفتیم اصلاحات واقعی در کشور، مبارزه با فقر و فساد و تبعیض است، هر روز که می‌گذرد، اعتقاد بنده به این مسأله راسختر می‌شود. هیچ اصلاحی در کشور بدون پرداختن به این سه مقوله اساسی و بنیانی ممکن نیست صورت گیرد؛ اینها مادر همه اصلاحات است و باید بالاخره در کارها به این قضیه بپردازید. (۴ شهریور ۱۳۸۱. در دیدار با اعضای هیئت دولت و رئیس جمهور)

برای جلوگیری از فساد در دولت، خود مسئولان

دولتی مسئولند

به مسئولان بارها گفته‌ام، تأکید هم کرده‌ام، باز هم می‌گویم و پای این مطلب ایستاده‌ام: باید با فساد در دستگاه‌های دولتی و دیگر دستگاه‌های حکومتی مبارزه شود. متعهد این مبارزه، خود مسئولان قوای مختلف هستند. در درجه اول، برای جلوگیری از فساد در دولت، خود مسئولان دولتی، خود وزرا و خود مدیران ارشد مسئولند. نگذارند در مجموعه‌های آنها فساد به وجود آید. اگر آنها بخواهند مبارزه کنند و اگر این مبارزه را جدی بگیرند، بهتر از هر کس خواهند توانست مبارزه کنند. البته باید حواسشان جمع باشد که دامنه‌های خود را پاکیزه نگهدارند. (۳۰ مهر ۱۳۸۱. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلای تهران)

مبارزه با فساد همیشه با جنجال و هیاهو همراه

نیست

مبارزه با فساد همیشه همراه با جنجال و هیاهو نیست. ممکن است در مواردی جنجال شود و گاه ممکن است این کار بی‌جنجال صورت گیرد. نباید در این زمینه منتظر غوغا و جنجال و تبلیغات بود؛ باید منتظر کار و عمل بود. قوه مقتنه هم باید به این مبارزه بپیوندد. کار و عمل مسئولان محترم در قوای مجریه، قضائیه و مقتنه طوری باشد که شیرینی آن در کام مردم عزیز ما بنشیند و آثار آن را حس کنند. بنابراین باید امسال هم مبارزه برای اشتغال و ریشه کن کردن فساد مالی و اقتصادی در دستگاه‌های دولتی ادامه پیدا کند.

(پیام نوروزی ۱ فروردین ۱۳۸۲)

بی توجهی به گلوگاه های فساد مالی، علت

اصلی به وجود آمدن فساد

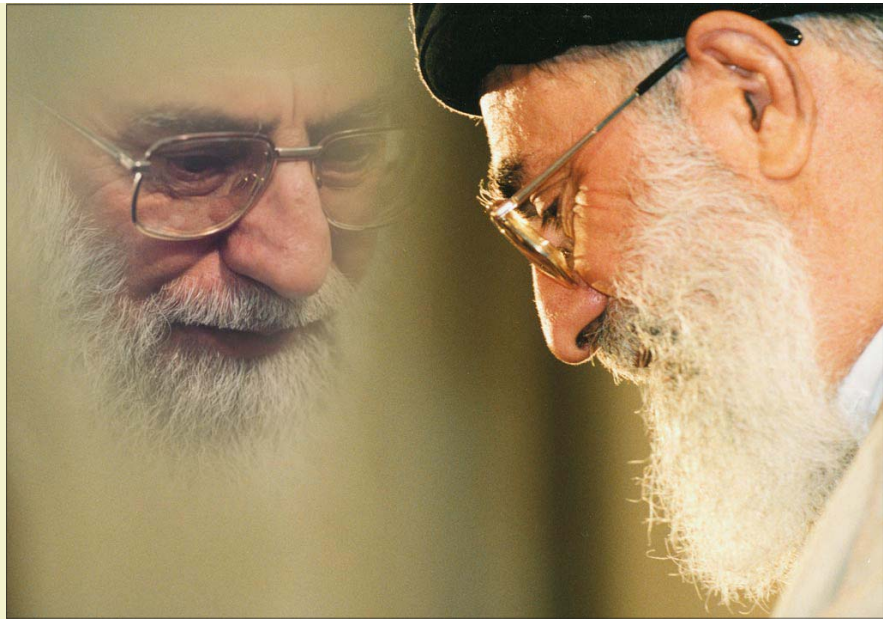
در بخش های مالی، در بخش های پولی، در بخش های بازرگانی، در بخش های مربوط به گمرک، بخشهای گوناگونی هست که اینها گلوگاه های فساد مالی است. بی توجهی به این مراکز موجب می شود فساد بوجود آید. وقتی دستگاه ها نظارت و مراقبتشان را دقیق کنند، جلوی فساد گرفته خواهد شد، این می شود پیشگیری. در بخش قضایی، برخورد با مواردی است که از این پیشگیری عبور کرده اند؛ یعنی از این مانع نتوانستند عبور کنند و جرم اتفاق افتاده است. آنجا نوبت دستگاه قضایی است. البته تا امروز هم بیشتر از صد مورد از موارد مهم و کلان را دنبال کرده اند، منتها نباید جنجال کنند.

(۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۲)

در هیچ یک از ارکان نظام فساد را تحمل

نکنید / فساد، ابزار دشمن در نظام ماست

البته من به همه مسئولان کشور بارها گفته‌ام، امروز هم مجدداً در این محضر عام تکرار می‌کنم: بزرگترین مبارزه با امریکا، خدمت به این مردم است. هر که می‌خواهد با امریکا مبارزه اساسی کند، باید به این مردم خدمت کند. هر که می‌خواهد با دشمنان این



در درجه‌ی اول مراقب باشد که فساد دامن خودش را نگیرد. داخل خودتان و درون مجلس مراقب باشید. دست پاک، دامن پاک، زبان پاک و چشم پاک خواهد توانست در حوزه‌ی اقتدار وسیعی که شما دارید، همه چیز را پاک کند.

(۲۷ خرداد ۱۳۸۳. دیدار با نمایندگان مجلس هفتم)

کلوگاه‌های فساد باید گرفته شود

شما که مدیر هستید، شما که مسؤول هستید، شما که یک مجموعه به دستتان سپرده شده است، با بروز فساد در زیرمجموعه‌ی خود به‌طور جدی مقابله کنید و حساسیت نشان دهید. امروز در سطح مسؤولان، اندازه و حجم کار و تلاش دلسوزانه‌یی که دارد انجام می‌گیرد، خیلی بالاست - در عین حال هنوز می‌بینیم بعضی از بخشها دچار مشکلات جدی است. باید ببینیم این زخم در کجاست؛ این ترک در بدنه یا کف استخر در کجاست. با فساد باید مبارزه کرد. مبارزه‌ی با فساد، بسیار جدی است. گلوگاه‌های فساد باید گرفته شود... اگر موردی بود که از این صافی‌ها و از زیر دست مسؤولان دولتی رد شد، آن وقت نوبت قوه‌ی قضاییه است. البته هم قوه‌ی قضاییه و هم مسؤولان دولتی ذی‌ربط باید دست خودشان را کاملاً پاک نگه دارند. من آن‌روز گفتم؛ باید دستمال را تمیز کرد تا بشود شیشه را با آن تمیز کرد.

(۱۹ تیر ۱۳۸۳. دیدار با مسؤولان و نخبگان استان همدان)

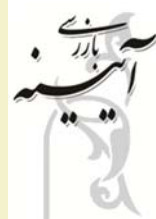
ملت مبارزه عملی کارآمد کند، با فساد مبارزه کند. ابزارهای دشمن در درون کشور و نظام ما عبارت است از فساد، تبعیض و فاصله طبقاتی. ما باید با اینها مبارزه کنیم. این وظیفه دولت و مجلس و قوه قضاییه و همه ارکان نظام است. به مردم خدمت کنند، با مفسد مماشات نکنند، فساد را در بدنه دستگاه‌های حکومت به‌هیچ‌وجه نپذیرند و تحمل نکنند؛ این بزرگ‌ترین خدمت است.

(۱۴ خرداد ۱۳۸۲. سخنرانی در مراسم سالگرد امام خمینی (ره))

با دستمال کثیف نمی‌توان شیشه را پاک کرد

از جمله‌ی مهمترین کارها، مبارزه‌ی با فساد است. مبارزه‌ی با فساد، یک جنبه‌ی اخلاقی محض نیست؛ اداره‌ی کشور متوقف به مبارزه‌ی با فساد است. بنده دو سه سال پیش که آن نامه را درباره‌ی مبارزه‌ی با فساد به مسؤولان کشور نوشتم، به دنبال یک کار طولانی و یک بررسی و مطالعه‌ی وسیع و همه‌جانبه بود. از هر طرف می‌رویم، می‌بینیم اگر با فساد مبارزه نشود، همه‌ی کارها لنگ خواهد ماند. این همه کار خوب دارد در کشور انجام می‌گیرد - کارهایی که انجام گرفته، کم نیست - اما وجود فساد، بعضی از آنها را خنثی می‌کند. فساد مالی، مثل خوره، ایدز و سرطان است؛ باید با آن مبارزه کرد... باید با فساد مبارزه‌ی جدی کرد. یک پایه‌ی مبارزه، شماید... البته به قول برادر ظریف و نکته‌سنج‌مان، با دستمال کثیف نمی‌شود شیشه را تمیز کرد. اگر انسان بخواهد با فساد مبارزه کند، باید





مادامی که با فساد مبارزه نشود، کارها هدر

خواهد رفت

صحنه را تا آن جایی که می‌توانید از فساد پاک کنید. من روی مسأله‌ی فساد خیلی تکیه کرده‌ام و ممکن است بعضی به نظرشان بیاید که تکراری است، و چرا؟ نه، من اعتقاد راسخ دارم که مادامی که ما مجموعه‌ی دستگاه اجرایی خودمان را - اعم از دستگاه‌های قوه‌ی مجریه و دستگاه‌های قوه‌ی قضاییه - از فساد مالی و انحراف از روشهای قانونی و صحیح خالی نکنیم و تا یک عزم جدی و راسخ برای مقابله‌ی با اینها وجود نداشته باشد - که حالا بحمدالله این عزم هست و انسان آن را می‌بیند - و به دنبال آن عزم، عمل، تحرک، دنبالگیری و عدم اغماض نباشد، ریشه‌ی فساد بیرون نخواهد آمد. (۴ شهریور ۱۳۸۳. دیدار با اعضای هیئت دولت و رئیس جمهور خاتمی)

مبارزه با فساد همراه با قاطعیت است

مسئله‌ی دیگر، مبارزه‌ی با فساد همراه با قاطعیت است. الان خوشبختانه رویکرد دولت و آقای رئیس‌جمهور طوری بوده که کسانی که تمایل به فساد دارند، مرعوبند؛ اما اگر کار صحیح و واقعی انجام نگیرد، کم‌کم این رعب شکسته میشود و این ابهت از بین میرود؛ میل به فساد در یک جاهایی وجود دارد. با فساد و تخلفات مالی بی‌محابا برخورد کنید. البته عرض کردیم بی‌محابا و با شجاعت و قاطعیت برخورد کردن، معنایش بی‌درایتی در نوع برخورد نیست! اینها را باید با هم جمع کنید. هر دو طرف این کفه‌ی متوازن بایستی دیده بشود. (۶ شهریور ۱۳۸۵. در دیدار با هیئت دولت و رئیس جمهور احمدی نژاد)

اهمیت مبارزه با فساد در دولت، بیشتر از قوه

قضایه است

برادران و خواهران عزیز! مواظب خودتان باشید. آدمهای فاسدی که اسمهایشان را شنیده‌اید یا توصیفشان را می‌شنوید، اینها از اول که فاسد نبودند؛ یک وقت یک لقمه‌ی چرب و نرمی، دهن شیرین‌کنی - دانسته یا ندانسته - کسی توی دهن اینها گذاشته، به کامشان شیرین آمده، بعد لقمه‌ی بعدی و لقمه‌ی

بعدی را خودشان برداشته‌اند و شده‌اند فاسد. خیلی مراقب باشید. این چندسالی که مشغول خدمتید - حالا هر چه هست؛ ده سال است، پانزده سال است، چهار سال است، پنج سال است - خیلی از خودتان مراقبت کنید. تقوا یعنی همین؛ یعنی همین مراقبت. (۹ تیر ۱۳۸۶. دیدار با مسئولان نظام)

مسئولین دولتی موظفند نسبت به بُروز و نفوذ

فساد اقتصادی در دستگاه‌های دولتی بشدت

حساس باشند

مسئله‌ی مبارزه با فساد اقتصادی هم خیلی مهم است. البته متأسفانه همیشه اینجور است که مفسد اقتصادی در مرکز دولتی جا پا پیدا میکند. یعنی یک کسی را پیدا میکند که به او کمک کند، به او پاس بدهد، تا او آبشار بزند. تا کسی در داخل حصار نباشد که به آن متجاوز کمک کند، آن متجاوز نمیتواند فساد اقتصادی بکند. لذا مسئولین دولتی موظفند نسبت به بُروز و نفوذ فساد اقتصادی در دستگاه‌های دولتی بشدت حساس باشند. شما وقتی که مثلاً در صنعت دامداری کشور یک نمونه‌ای را پیدا کردید که نشان داد فلان بیماری وارد این مرغداری شده، دیگر رحم نمیکنید؛ چون میدانید اگر چنانچه ملاحظه کردید، ضایعات منحصر به این چند هزار مرغ نخواهد بود؛ دامنه‌اش وسیع خواهد شد؛ لذا بی‌ملاحظه نایبید. اگر یک جا حساس کردید و دیدید در دستگاه‌های دولتی - این، مخاطبش مسئولین دولتی هستند - شائبه‌ی فساد وجود دارد، نباید هیچ ملاحظه بکنید. اگر ملاحظه کردید، این مسئله خیلی سریع گسترش پیدا میکند؛ چون بشدت واگیردار است. بیماری فساد اقتصادی جزو آن بیماری‌های واگیردار بسیار شدید و سریع است؛ لذا بایستی حتماً به این مسئله توجه کرد.

(۲۶ مرداد ۱۳۹۰. در دیدار با فعالان اقتصادی)

گزارش عملکرد دبیرخانه گسترش همکاری‌های آموزشی

سازمان بازرسی کل کشور با دستگاه‌های اجرایی

۱۳۹۲-۱۳۹۳

مقدمه

ایجاد و گسترش همکاری‌های آموزشی و علمی سازمان با دانشگاه‌ها و مراکز علمی و آموزش عالی بوده که در زمینه آموزش‌های بلندمدت و تحصیلات تکمیلی کارکنان سازمان منشأ آثار زیادی شده است. هم‌چنین برنامه ریزی و اقدام برای ایجاد و گسترش همکاری آموزشی سازمان با دستگاه‌های اجرایی در راستای استفاده بهینه از ظرفیت‌های آنان از سال گذشته مورد توجه قرار گرفته است. متعاقب اجرای مصوبات نخستین همایش گسترش همکاری‌های آموزشی با دستگاه‌های اجرایی در اسفند سال ۱۳۹۲ در وزارت نیرو مقرر گردید، دبیرخانه گسترش همکاری آموزشی سازمان با دستگاه‌های اجرایی در محل سازمان بازرسی کل کشور تاسیس گردد که در این نوشتار سعی گردیده است، اهم اقدامات یک ساله دبیرخانه گسترش همکاری‌های آموزشی بیان گردد.

آموزش کارکنان فرایندی است برای سازگاری افراد با محیط متحول سازمانی و در نتیجه انطباق سازمان با محیط بیرونی. آموزش و بهسازی نیروی انسانی باعث دانش و معرفت بالاتر، توانایی و مهارت بیشتر و بینش و بصیرت عمیق‌تر کارکنان سازمان برای اجرای وظایف و مسئولیت‌های شغلی شده و در نتیجه موجب نیل به هدف‌های سازمانی با کارایی و اثربخشی بیشتر و بهتر می‌گردد. بر این اساس برنامه ریزی و تلاش برای آموزش، ارتقاء و توانمندسازی کارکنان، همواره در دستور کار سازمان متبوع به طور عام و اداره کل منابع انسانی و تحول اداری به طور خاص قرار داشته و در سال‌های اخیر برنامه‌های مختلفی در این راستا طراحی و اجرا شده است. یکی از روش‌های اتخاذ شده در این زمینه، اجرای برنامه‌های آموزشی از طریق

اهم اقدامات

برنامه ریزی و برگزاری ۴ همایش با حضور بیش از ۵۰ نفر از مدیران منابع انسانی دستگاه‌های اجرایی به شرح مندرج در جدول زیر:

ردیف	عنوان	تاریخ برگزاری	محل برگزاری
۱	همایش اول	۱۳۹۲/۱۲/۶	وزارت نیرو
۲	همایش دوم	۱۳۹۳/۴/۱	نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
۳	همایش سوم	۱۳۹۳/۹/۴	وزارت راه و شهرسازی
۴	همایش چهارم	۱۳۹۳/۱۲/۱۰	سازمان حج و زیارت

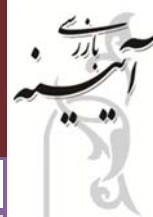


- تهیه و تنظیم منشور گسترش همکاری‌های آموزشی سازمان بازرسی کل کشور با دستگاه‌های اجرایی
 - دریافت تقویم سالانه برنامه‌های آموزشی دستگاه‌های اجرایی
 - برگزاری جلسات با دستگاه‌های اجرایی در خصوص نحوه اجرای برنامه‌های آموزشی
 - ارائه آموزش‌های حقوقی به برخی از دستگاه‌های اجرایی متقاضی به منظور آشنایی مدیران و کارکنان با کیفیت و نوع تخلفات با هدف ارتقای سلامت نظام اداری
 - تدوین بسته آموزشی با هدف آشنایی بیشتر با وظایف و مأموریت‌های سازمان بازرسی کل کشور (یک نسخه به دستگاه‌های اجرایی تحویل شد).
 - تدوین بسته آموزشی نقش و جایگاه آموزش در فرایند نظارت و بازرسی و ارسال جهت بهره‌برداری به دستگاه‌های اجرایی
 - برنامه ریزی، هماهنگی و تأمین اساتید مورد نیاز برای برگزاری دوره‌های آموزشی دستگاه‌های اجرایی
 - ارائه فهرست اسامی اساتید متخصص توسط دستگاه‌های اجرایی به سازمان بازرسی کل کشور، تشکیل بانک اطلاعاتی و تأیید صلاحیت اساتید توسط سازمان بازرسی کل کشور، برای ایجاد وحدت رویه در تدریس دوره‌های آموزشی تخصصی
 - برگزاری جلسات کمیته تخصصی دبیرخانه گسترش همکاری‌های علمی آموزشی با دستگاه‌های اجرایی با هدف طراحی کارگاه‌های آموزشی تخصصی و سایر محتواهای مربوط به همایش‌های آتی، به شرح اقدامات زیر:
- طراحی ۳ عنوان پنل تخصصی شامل:
۱. الزامات، راه کارها و شیوه‌های تقویت نظارت پذیری و مقابله با فرهنگ نظارت‌گریزی در دستگاه‌های اجرایی از طریق آموزش کارکنان به ویژه مدیران: در راستای تحقق این مهم، نسبت به برگزاری ۳ جلسه با برخی دستگاه‌های اجرایی اقدام گردید که از نتایج برگزاری این جلسات موارد زیر، عملیاتی گردید:
- پیشنهاد عناوین تخصصی جهت آموزش و تأیید نهایی ۸ عنوان دوره آموزشی

عناوین دوره‌های آموزشی تقویت فرهنگ نظارت‌پذیری

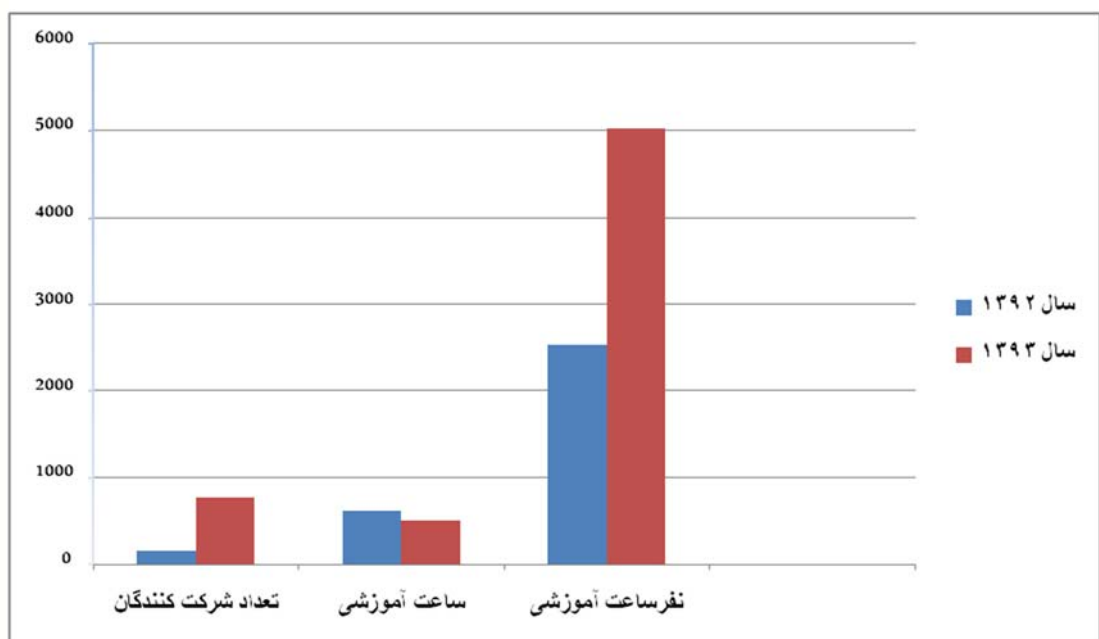
در دستگاه‌های اجرایی در سال ۱۳۹۴

مدت دوره	عنوان	ردیف
۴	مفهوم شناسی نظارت پذیری (سطوح و ابعاد آن)	۱
۴	پاسخگویی، مسئولیت پذیری و مصادیق آن	۲
۴	اخلاق حرفه‌ای با تأکید بر آموزه‌های دینی	۳
۴	گزیده‌ای از قانون تخلفات اداری کارکنان	۴
۸	قانون محاسبات عمومی کشور (الزامات قانونی مدیران)	۵
۸	اختیارات دستگاه‌های نظارتی: ۱. سازمان بازرسی کل کشور ۲. دیوان محاسبات کشور	۶
۴	گزیده قانون مجازات اسلامی (فصل تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت)	۷
۴	روش‌های امر به معروف و نهی از منکر در محیط اداری	۸
۴۰	جمع کل	



- بررسی و تهیه سرفصل های آموزشی
- برگزاری جلسه با جناب آقای صدری، رئیس محترم امور آموزش و بهسازی منابع انسانی معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور و اخذ تاییدیه ایشان برای ابلاغ دوره های آموزشی ۸ گانه به دستگاه های اجرایی
- تدوین دوره های آموزشی ۸ گانه «تقویت فرهنگ نظارت پذیری در دستگاه های اجرایی در سال ۱۳۹۴ جهت ابلاغ به دستگاه های اجرایی به شرح مندرج در جدول زیر:
- ۲. اجرای پروژه مشترک پژوهشی در خصوص «بررسی نقش آموزش کارکنان در تسهیل و اثربخشی فرایند نظارت و بازرسی»
- ۳. بررسی و ارائه راه کارهایی برای مرتبط کردن و به اشتراک گذاری برنامه های آموزشی و تجارب دستگاه های اجرایی و سازمان
- برای اجرای پیل های ۲ و ۳ وزارت نیرو و سازمان امور مالیاتی اعلام آمادگی کرده اند.
- برگزاری جلسات مستمر با مدیران و کارشناسان آموزش دستگاه های اجرایی به منظور برنامه ریزی، شناسایی و برگزاری دوره های آموزشی تخصصی مورد نیاز سازمان
- اعلام آمادگی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی در خصوص بهره گیری از تجارب سازمان بازرسی کل کشور در راستای برگزاری همایش های سراسری با دستگاه های اجرایی
- معرفی دستگاه های اجرایی برتر و تقدیر از اقدامات ایشان
- برگزاری ۲۹ دوره آموزشی با حضور ۱۴۹ شرکت کننده به میزان ۶۰۷ ساعت و ۲۵۲۰ نفر ساعت آموزشی در سال ۱۳۹۲
- برگزاری ۳۱ دوره آموزشی با حضور ۷۷۱ شرکت کننده به میزان ۴۹۹ ساعت و ۵۰۲۷ نفر ساعت آموزشی در سال ۱۳۹۳

نمودار مقایسه ای عملکرد آموزشی سال های ۹۳-۱۳۹۲







جلسه مجمع عمومی دبیران شوراهای امر به معروف و نهی از منکر ادارات و دستگاه‌های وابسته

شرکت حجت الاسلام و المسلمین درویشیان رئیس منطقه (۲) سازمان بازرسی و بازرس کل استان خراسان رضوی در جلسه مجمع عمومی دبیران شوراهای امر به معروف و نهی از منکر ادارات و دستگاه‌های وابسته خراسان رضوی



بازدید مدیر کل بازرسی استان گلستان از زیر گذر میدان معلم



خبرنامه

نشریه سازمان بازرسی کل کشور

برگزاری شورای اداری کارکنان بازرسی کل استان یزد

جلسه شورای اداری کارکنان با حضور حجت الاسلام و المسلمین طالبی بازرس کل استان و کارکنان بازرسی کل استان یزد برگزار شد. در این جلسه، برنامه های نظارت و بازرسی سال جاری مورد بحث و بررسی قرار گرفت.



اهدای خون جمعی از پرسنل بازرسی کل استان سمنان

بازرس کل استان سمنان، معاون برنامه ریزی و مدیریت منابع و جمعی از پرسنل این بازرسی کل با حضور در پایگاه انتقال خون شهرستان سمنان خون خود را اهداء کردند.



برگزاری جلسه شورای قضایی استان در بازرسی کل استان هرمزگان

دومین جلسه شورای قضایی استان با حضور بازرس کل هرمزگان رئیس کل دادگستری و سایر اعضاء در اداره کل بازرسی استان هرمزگان برگزار گردید



بازرس کل استان فارس در گردهمایی مدیران سازمان جهاد کشاورزی

حجت الاسلام و المسلمین محمودآبادی رئیس منطقه ۳ سازمان بازرسی کل کشور و بازرس کل استان فارس درصدد بالایی از تخلفات را ناشی از نظارت به هنگام سیستم های درون نظارتی و عدم آگاهی مدیران و کارکنان به قوانین و مقررات ذکر کرد و برآموزش های کاربردی جهت ارتقاء سطح آگاهی مسئولین به منظور جلوگیری از سهل انگاری در انجام وظایف محوله تأکید کرد.



جلسه شورای دستگاه های نظارتی استان چهارمحال و بختیاری

جلسه شورای دستگاه های نظارتی با حضور بازرس کل چهارمحال و بختیاری و استاندار این استان و سایر اعضا برگزار شد



دومین جلسه شورای اداری استان کردستان

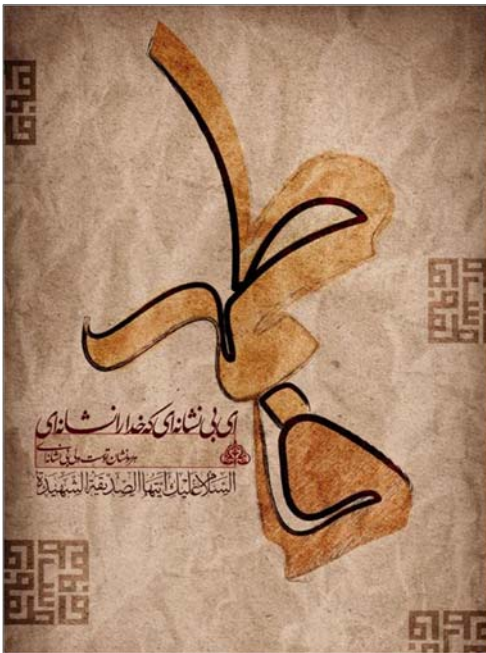
بازرس کل استان کردستان در دومین جلسه شورای اداری اعلام کرد: یکی از گلوگاه های فساد در ادارات عدم رعایت کامل قانون برگزاری معاملات می باشد.





نشریه سازمان بازرسی کل کشور
سال ششم / شماره ۶۶ / ویژه نامه بهار ۱۳۹۴

نشریه سازمان بازرسی کل کشور
سال ششم / شماره ۶۶ / ویژه نامه بهار ۱۳۹۴
صاحب امتیاز: سازمان بازرسی کل کشور
مدیر مسئول: ابوالفضل روستایی
سرپرست: محمدحسین صبرفی
دبیر تحریریه: محمدجواد صلواتی تهرانی
دبیر اجرایی: حسین علی پور
گروه تحریریه: یاسر فاتحی، علی فخریمی
صفحه آرا: مجید مقصودی
امور وبسایت: حسین پرند غیبی
تلفن: ۶۱۳۶۲۸۳۱



ای بی نشانه ای که خدا را نشانه ای

بوده اند. در به نشستن دعوت می کند. بنشین که غم بزرگی، به بزرگی تمام کوه های دنیا سینه ام را فشار می دهد. ما هم ناله ایم. می بویمش. هنوز بوی پهلوی می دهد.

هنوز بوی کینه دوستان از دشمن دشمن تر علی را می دهد. و به میخ می گویم از آن روز برایم بگو و می گوید، اگرچه آن روز به ظاهر پهلوی مادرت را... ولی رگ های بریده پهلوی مبارکش را بوسیدم و بر جنینی که با او بود سلام کردم.

چشمان من نظاره گر خون معصومه پیامبر بود. جنازه حبیب خدا بر روی زمین، همخانه معصومه پیامبر مشغول غسل و دفن پسر عمویش به وسیله اشک چشمان همسرش و دزدان حکومت اسلامی در حال بریدن این ودیعه الهی و بعد از آن ماجرای من و در و پهلوی و غربت بزرگ ترین مرد دنیا و... میخ دوباره بغضش به گریه باز می شود و من از گناه مادرم می پرسم و میخ می گوید: گاهی ایمان و تقوی و اخلاص بزرگ ترین جرم های دنیایند و در مورد مادران این جرم به اضافه جرم غفلت و جهل مسلمانان نه چندان مسلمان، آن فاجعه را آفریدند و این بار سوخته چوبین برایم حرف می زند: مسافر، آتش عشق به زهرا این بلا را بر سر من آورده است. تمام پیری چهره من، زردی گونه های من، رنجی که در سلول سلول بدنم نقش بسته است همه از عشق به آن تنها معصومه دنیاست. فقط چند روز بعد از آن روز بد همه غم های فاطمه از دنیا رفتند و علی با دنیایی از تنهایی، تنها ماند. با این که مادرم رفته است اما کدام عقل سلیمی این را باور می کند که این تنها معصومه تمام افلاک هنوز غمگین نباشد که فرزند بزرگوارش درست مانند آن روزهای همسرش این قدر تنها و بی یاور است. دلم شکسته است. یاد خدا و دل شکسته که همواره با همدیگر می افتم. حالا وقت دعاست. باید کاری بکنم به میخ و در نگاه می کنم. هر سه دستان را بالا می بریم. معبودا، به ما صبری به وسعت آسمان نگاه فاطمه هنگام لبخند مرگ، صبری به وسعت مجروحیت علی، صبری به بزرگی کرم آخرین بازمانده زهرای بتول و افتخار پرستاری در رکاب قطب عالم امکان کرم فرما. آمین یا رب الفاطمه.

کوچه بنی هاشم، پلاک سوم جمادی الثانی. باز هم آدرس را مرور می کنم. چه قدر بوی نامهربانی از این کوچه می آید، توقف می کنم. به دنبال درب خانه می گردم. دری کبود و سینه سوخته به چشم می خورد اما باز باید بپرسم.

کسی دارد رد می شود اما نه مثل آن روز که تمام اهل مدینه در آن آزمون رد شدند.

می بخشید این همان دری نیست که در آتش جهالت و بی وفایی مسلمانان نامسلمان سوخت؟

این همان دری نیست که بوی دست پرمهر پیامبر می دهد؟ این همان دری نیست که پیامبر از آن به دیدار پاره تنش می آمد؟ این همان دری نیست که آدم های آن طرفش اهل بیت نامیده شدند؟ ناگهان همه چیز در این کوچه با من سخن می گویند. در، دیوار و میخ با چشم های شفق گونه شان به من می نگرند. می گریم بر کبودی ها. بر ماه صورت نیلگون و فریاد می زنم بر میخ. تو قاتل مادر منی، تو مسبب شهادت دختر رسول خدایی تو...

و میخ در حالی که گریه می کند می گوید: نه غریبه، آرام تر، اشتباه مکن. اگر مرا به رنگ شفق می بینی نه برای آن است که به خون پهلوی کوثر محمد صلی الله علیه و آله آغشته گشته ام، نه، که من خون گریستم. در را ببین، تو گمان می کنی از گذشت زمان پوسیده گشته است. نه این پوسیدگی حاصل دل پژمردگی در سوگ فاطمه است.

به راستی در و علی چه همراهند در سوختن و ساختن. در بی کسی و غربت، در هجران رحمت و محبت.

در اگر زبان داشت با نعره ای اسرافیل گونه تمام مردگان را به شهادت می خواند تا همه از مصیبت آن روز بگویند که مردگان همیشه از ما زنده تر

آرا و نظرات مطرح شده صرفاً بازگوکننده دیدگاه های سازمان نیست و مسئولیت صحت مطالب بر عهده نویسندگان است.